



حقوق جزای اختصاصی بر مبنای کود جزای ۱۳۹۶

جزوه شماره (۲۳)

جرم قاچاق انسان

Human Trafficking

اسد ۱۳۹۹

تهیه و ترتیب: سازمان بین المللی انکشاف حقوق (IDLO)

کابل، افغانستان

وب سایت: www.idlo.int

در مورد این جزوه

تمام مواد و مندرجات این جزوه در مطابقت با قوانین افغانستان ترتیب گردیده است. به منظور اطمینان از مطابقت با تعدیلات جدید در قوانین افغانستان لازم است این جزوه در فواصل زمانی معین مورد بازنگری قرار گیرد. حق هر نوع تغییر جزئی یا کلی در این جزوه مربوط به سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) می‌باشد.

تمام موادی که محتوی این کتاب را تشکیل می‌دهد برای استفاده شخصی و غیر تجارتي شما است. حق طبع و نشر این مواد برای سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) محفوظ است.

قوانین مورد استفاده:

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، سال ۱۳۸۲.
۲. کود جزا، سال ۱۳۹۶.
۳. قانون مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران، منتشره جریده رسمی ۱۲۴۴ سال ۱۳۹۵.
۴. قانون مدنی، سال ۱۳۵۵.
۵. قانون صحت عامه، سال ۱۳۸۸.
۶. قانون حمایت اجتماعی، سال ۱۳۹۷.
۷. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، سال ۱۳۸۴.
۸. قانون کار، سال ۱۳۸۷.
۹. قانون منع خشونت علیه زن، سال ۱۳۸۸.
۱۰. مقررہ لابراتوار های طبی شخصی، سال ۱۳۸۵.

فهرست موضوعات

مقدمه: ۵

فصل اول

کلیات جرم قاچاق انسان

مبحث اول: تعریف و مفهوم قاچاق انسان:.....	۸
مبحث دوم: اشکال و شیوه‌های قاچاق انسان:.....	۱۰
مبحث سوم: اسباب و انگیزه‌های قاچاق انسان:.....	۱۳
مبحث چهارم: اهداف و مقاصد قاچاق انسان:.....	۱۶
مبحث پنجم: اضرار جرم قاچاق انسان:.....	۲۳
مبحث ششم: آمار قربانیان و اشخاص دخیل در قاچاق:.....	۲۶
مبحث هفتم: چگونگی مبارزه علیه قاچاق انسان در سطح ملی و بین المللی:.....	۲۹
نتیجه گیری	۴۸

فصل دوم

جرم قاچاق انسان و مجازات آن در کود جزای افغانستان

مبحث اول: تعریف قاچاق انسان و فرق آن با قاچاق مهاجران و اختطاف:.....	۵۲
مبحث دوم: عناصر جرم قاچاق انسان:.....	۵۶
مبحث دوم: مجازات جرم قاچاق انسان:.....	۸۷
نتیجه گیری	۱۰۸
مآخذ:.....	۱۱۲

به نام خداوند بخشاینده مهربان

مقدمه

قاچاق انسان یکی از شیوه‌های بردگی معاصر است که حقوق و آزادی انسان‌ها را به شدت مورد تجاوز قرار می‌دهد، این جرم منحصیث یک پدیده جهانی، در کشورهای مختلف، به اشکال و طریقه‌های مختلف و غرض اهداف متعددی ارتکاب می‌یابد، مانند: بردگی و استفاده جنسی، فروش اعضای بدن، استخدام اجباری در کارخانه‌ها و منازل، فروش اطفال به قصد تبنی (فرزندی) ازدواج‌های اجباری، استفاده از اطفال در جنگ‌ها، تگدی (سوال گری)، تجارت جنسی، و ده‌ها غرض دیگر... .

این جرم، که غالباً توسط باندها و تشکیلات جرمی سازمان یافته - و گاهی هم به اشکال سازمان دهی ناشده ارتکاب می‌یابد - جرم پردرآمدی است که سالانه میلیون‌ها دالر را در جیب‌های مرتکبین آن، اندوخته و در مقابل آن کرامت انسان‌ها پامال، و آسیب‌های شدید جسمی و روحی - تا سرحد مرگ حقیقی یا معنوی - را به انسان‌ها و بالآخره جامعه انسانی وارد می‌سازد. از همین رو دولت‌ها و سازمان‌های ملی، منطقوی و بین المللی، خطورت آن را درک و برای مقابله با آن، اقدامات عملی را روی دست گرفته اند.

از سوی دیگر، مکاسب مالی که از طریق ارتکاب قاچاق انسان به دست می‌آید، بعد از تجارت مخدرات و سلاح، سومین مصدر مالی است که عواید هنگفتی دارد^۱، لذا باندها و آغشته گان این جرایم، همواره در صدد بالابردن توانایی‌ها و مهارت‌های جرمی شان اند تا بتوانند، وجوه بدست آمده از این جرم را با بکارگیری وسایل و شیوه‌های مشروع، قانونی جلوه داده و ذریعه ارتکاب جرم دیگر یعنی پول شویی، برای این نوع سرمایه‌های شان، مشروعیت بخشند.

کشور و مردم عزیز ما افغانستان نیز به صفت عضوی از اعضای خانواده جهانی، یکی از متضررین این جرم بوده، و ازینکه اتباع این کشور در سطح جهانی بیشترین آمار از مهاجرین و بیجا شده گان را دارد، خواسته یا ناخواسته قربانی این جرم اند. لذا مراجع ذی صلاح و صالحه کشور نیز بادرک خطورت

^۱ - /۱۶۰/ board/ sudaneseonline.com/https://

و پیامدهای سنگین این جرم، اقدامات قانونی و عملی لازمی را برای مقابله با این جرم روی دست گرفته اند که جرم انگاری و تعیین مجازات شدید برای قاچاقیان انسان در قوانین کشور یکی از گام‌های عملی است که درین راه برداشته شده و در این چپتر درسی تلاش خواهد شد، تا مواد قانونی مرتبط به این جرم، مورد بحث، تحلیل و مناقشه قرار گیرد. اما قبل از مطرح نمودن صلب موضوع، ایجاب می‌نماید تا در گام نخست، روی کلیات این جرم که شامل، تعریف و مفهوم، شیوه‌ها، ابزارها، اهداف و اغراض و در نهایت اقدامات ملی و بین‌المللی که برای مقابله با این جرم صورت گرفته است، بحث صورت گیرد، موضوعات یاد شده در این چپتر ضمن دو فصل درسی ذیل، درج و بیان خواهد شد.

فصل اول

کلیات جرم قاچاق انسان

اهداف:

در پایان این جلسه آموزشی اشتراک کنندگان به انجام کارهای ذیل قادر خواهند بود:

- ☞ کاربرد صحیح اصطلاحات مربوط به جرایم قاچاق انسان.
- ☞ تشخیص اسباب و اهداف جرم قاچاق انسان و ضرر آن.
- ☞ تشخیص مهمترین اسناد و نهادهای ملی و بین المللی در عرصه مبارزه با جرم قاچاق انسان.

عناوین:

- تعریف و مفهوم قاچاق انسان.
- اشکال و شیوه های قاچاق انسان.
- اسباب و انگیزه های قاچاق انسان.
- اهداف و مقاصد قاچاق انسان.
- اضرار جرم قاچاق انسان.
- آمار قربانیان و اشخاص دخیل در قاچاق.
- چگونگی مبارزه علیه قاچاق انسان در سطح ملی و بین المللی.

فصل اول

کلیات جرم قاچاق انسان

قبل از اینکه به بیان عناصر و مجازات جرم قاچاق انسان پرداخته شود، بهتر خواهد بود تا ابتدا موضوعات کلی و مرتبط به این جرم چون تعریف، شیوه‌های ارتکاب، اهداف و مقاصد ارتکاب و اقدامات اتخاذ شده در سطح ملی و بین‌المللی برای مقابله با این جرم، بحث و بیان گردد که طی مباحث بعدی این فصل بدان پرداخته خواهد شد.

مبحث اول: تعریف و مفهوم قاچاق انسان:

دانشمندان جرم قاچاق انسان را تعریفات متعددی نموده اند که مهمترین آنها را ذیلاً ذکر می‌کنیم.

- قاچاق انسان، عبارت از بهر برداری از انسان است که به وسیله تهدید، مجبور ساختن، سوء استفاده از وضعیت و حالت شخص مجنی علیه و به منظور بدست آوردن منافع مادی از طریق بکارگیری آنان در تجارت جنس، کار اجباری و نقل اعضاء بدن آنان صورت می‌گیرد.
- جرم قاچاق انسان عبارت از هر گونه فعالیتی است که در راستای اغوا کردن، فریفتن، جادادن، انتقال دادن، زمینه سازی کردن و یا تسلط یافتن بالای انسان صورت گرفته و به وسیله زور و تهدید، گول زدن و یا فریفتن، انسان مجبور می‌گردد تا به کارهای اجباری یا بهره‌برداری جنسی تن دهد.^۱

پروتوکول بین‌المللی مبارزه با قاچاق انسان، دامنه رفتارهای جرمی، وسایل ارتکاب این جرم و همچنان اغراض و مقاصد ارتکاب آن، را توسعه بیشتری بخشیده و در تعریف این جرم چنین گفته است: قاچاق انسان عبارتست از:

۱ - عیاد، هانی جرجس، الحوار المتدن ۵۱۰۳۳۰ <http://www.ahewar.org/debat/show.art.asp?aid=۵۱۰۳۳۰>

– " استخدام یا انتقال یا جابجا کردن یا استقبال اشخاص، به وسیله تهدید به قوه، استفاده بالفعل از قوه یا هر نوع وسیله اجبار دیگر، اختطاف، فریب دادن، گول زدن، سوء استفاده از نفوذ، سوء استفاده از ضعف حالت و ضرورت، پرداخت مبالغ مالی یا دادن امتیازات غرض گرفتن اجازه اشخاص صاحب نفوذ بالای اشخاص دیگر، به منظور بهره برداری از اشخاص مذکور در زمینه‌های فحشاء یا هر گونه اعمال جنسی، کار اجباری، بردگی یا حالات مشابه آن، و یاهم برای کشیدن و گرفتن اعضای بدن شخص مجنی علیه".^۱

کود جزای افغانستان نیز در ماده (۵۱۰) خویش از جرم قاچاق انسان تعریف مشابهی داشته و متن ماده مذکور چنین تصریح میدارد که:

– " (۱) قاچاق انسان: استخدام یا تحت تسلط قرار دادن، انتقال، حمل و نقل، نگهداری یا دریافت شخص است به منظور بهره کشی با استفاده از شیوه‌های ذیل:

۱- تهدید یا استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار.

۲- اختطاف.

۳- حيله و فریب.

۴- سوء استفاده از نفوذ.

۵- سوء استفاده از حالت آسیب پذیری یا مجبوری.

۶- پرداخت یا دریافت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه جرم قاچاق انسان یا سرپرست وی.

(۲) تحت تسلط قرار دادن طفل به مقصد بهره کشی، گرچه از شیوه‌های مذکور استفاده نشده باشد، قاچاق انسان شناخته می‌شود.

^۱ - پروتوکول بین‌المللی مبارزه با قاچاق انسان، نوامبر ۲۰۰۰، ماده سوم/ جزء الف،

" <https://www.ohchr.org/AR/ProfessionalInterest/Pages/ProtocolTraffickingInPersons.aspx>، الزهرانی، مطلق علی، مقال بعنوان "

جریمه الاتجار بالبشر، " <https://www.alukah.net/culture/۰/۲۷۳۶۸/#ixzz۶ETFIpWKW>

(۳) بهره‌کشی: کسب منفعت از مجنی علیه از طریق خرید، فروش، بهره‌کشی جنسی، رقصانیدن، به خدمت گرفتن در تهیه تصاویر یا فیلم‌های منافی اخلاق (پورنوگرافی)، بردگی، گماشتن به کار اجباری، گدایی، جنگ مسلحانه، برداشت عضو یا انساج بدن، آزمایشات طبی اجباری یا وادار نمودن به سایر فعالیت‌های غیر قانونی می‌باشد.

دیده می‌شود که تعریف کود جزا مفاهیم وسیعتر و شامل تری برای این جرم پیش‌بینی و چتر رفتارهای جرمی، مقاصد و وسایل ارتکاب این جرم را گسترده ساخته است، تا بیشترین موارد بهره‌کشی و سوء استفاده از انسان‌ها را تحت این جرم قرار دهد، که ان شاء الله در فصل بعدی روی مفردات و اجزای این تعریف بحث اختصاصی و مفصلی ارائه خواهد گردید.

مبحث دوم: اشکال و شیوه‌های قاچاق انسان:

جرم قاچاق انسان به شیوه‌ها و اشکال مختلف و برای مقاصد متنوعی ارتکاب می‌یابد، که مهم‌ترین شیوه‌های آن ذیلاً یاد آوری می‌گردد:

گفتار اول: تهدید، استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار:

استفاده از تهدید یا قوه یکی از شیوه‌های متداول قاچاق انسان است، طوری که باندهای جرمی مافیای در اکناف جهان، دست به ارتکاب این جرم زده و با استفاده از تهدید و قوه، انسان‌ها را تحت تصرف خویش قرار داده و از آن‌ها به انحاء مختلفی استفاده می‌نمایند.

البته با صرف نظر از بحث روی نشأت و تاریخ گروه‌های مافیای و خطورت و وحشت آنان، آنچه که مسلم است این است گروه‌های مذکور در تمامی نقاط دنیا، به ویژه کشورهای غربی و اروپایی، حضور گسترده‌ای دارند که مهم‌ترین آن‌ها را گروه‌های مافیای کشورهای ایتالیا، امریکا، روس، چین، یاکوز ۷۲ جاپانی و مافیای کولومبیای^۱ تشکیل می‌دهد.

^۱ - عادل، عبد الرحمن، الاتجار بالبشر، مقاله نشر شده در سایت جوده: <https://gawda۲۰۱۰.yoo۷.com/۴۴۰-topic>

گفتار دوم: اختطاف:

اختطاف شیوه دیگری از شیوه‌های است که باندهای قاچاق انسان از آن استفاده نموده و انسان‌های اختطاف شده را قاچاق می‌نمایند، در بیشتر موارد اطفال قربانیان اختطاف بوده و نسبت ناتوانی‌های جسمی و عقلی زودتر در چنگال اختطاف چیان قرار می‌گیرند که سپس از اطفال مذکور برای اغراض متعددی چون فروش اعضا، گداگری، کارهای شاقه و گاهی هم بردگی جنسی، استفاده می‌گردد.

گفتار سوم: حيله و فریب:

در دام انداختن قربانیان قاچاق توسط حيله و فریب، روش دیگری است که قاچاقیان آنرا به کار می‌برند، البته آن عده کسانی که غرض تجارت جنس، استخدام جبری در کارخانه‌ها، ازدواج‌های اجباری، ویا هم استخدام در ساحات جنگی، در معرض قاچاق قرار می‌گیرند، بیشتر قربانیان این روش اند، طوری که قاچاقیان با امیدوار ساختن قربانیان و وعده دادن آن‌ها به زندگی مرفه، کار و معاش خوب، و سایر حيله‌ها و وعده‌های دروغین، آن‌ها را وادار می‌سازند تا به وعده‌های آنان اطمینان و با آن‌ها همراه و هم‌سفر شوند، که پس از رسیدن به منزل مقصود و محل استخدام آن‌ها، وضعیت شان با چرخش ۳۶۰ درجه ای، دگرگون و بیشتر منحصت گروگان در بازارهای جنس، کارهای اجباری در منازل و کارخانه‌ها، مزارع و معادن و غیره موارد، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

گفتار چهارم: سوء استفاده از نفوذ:

در برخی از کشورهای افریقای، آسیایی و اروپای شرقی که از قانون و حاکمیت آن خبری نیست، افراد ضعیف و ناتوان جامعه تحت سیطره و نفوذ اربابان قدرت، زورمندان و زرداران قرار داشته و برای امرار معیشت خویش، در تحت سلطه و فرمانروای همچو اشخاصی قرار می‌گیرند. غالباً این زورمندان با استفاده از نفوذ و سلطه اجتماعی و مالی که دارند، اشخاص زیردست شان را در گرو باندهای مافیای قاچاق و سایر باندهای جرایم سازمان یافته قرار داده و از آنان منحصت برده استفاده می‌نمایند.^۱

^۱ - جرایم الاتجار بالبشر تغزو العالم، /۱۶۰/ board/sudaneseonline.com/https://

گفتار پنجم: سوء استفاده از حالت آسیب پذیری یا مجبوری:

فقر و تنگدستی، تلاش برای زندگی بهتر، جستجوی کار و معاش، حالات دیگری است که مبتلایان به این اوصاف را به زودی در دام یا گرو قاچاقیان انسان می‌اندازد، طوری که باندهای قاچاق با استفاده از تنگدستی و مجبوری مجنی علیه و بکارگیری شیوه‌های تبلیغاتی دروغین و فریبنده چون اعلان وظایف و زمینه‌های کاری در شرکت‌های وهمی تجاری، کارخانه‌ها، شرکت‌های استخراج معادن و غیره و یاهم رسیدن به کشورهای اروپایی که آماده پذیرش مهاجران و کارگران اند، اشخاصی را در معرض قاچاق قرار داده و بعد از مسلط شدن بالای آن‌ها، اشخاص مذکور را بالای سایر باندهای قاچاق به فروش می‌رسانند و یاهم برای اغراض دیگری چون بردگی و تجارت جنسی، و یاهم استخدام اجباری در مصانع و کارگاه‌ها، استخدام می‌نمایند.

گفتار ششم: به وسیله اینترنت:

اینترنت منحصی یکی از مدرن‌ترین وسیله تکنالوژی معاصر، با همه منافع و بهره‌گیری‌ها در پیشرفت جهان معاصر، در بسا موارد وسیله ارتکاب جرایم نیز می‌گردد، که یکی از شواهد آن، به دام انداختن قربانیان قاچاق به وسیله اینترنت است، هرچند استفاده از اینترنت در قاچاق انسان، خود نوعی از بکارگیری حيله و فریب است که قبلاً تذکر داده شد، اما ازینکه استفاده از این وسیله، روش‌ها و مقاصد ویژه خود را دارد، بدین لحاظ به طور جداگانه از آن نام برده شد.

غالباً قربانیان قاچاق به وسیله اینترنت کسانی اند که درین فضای مجازی، در جستجوی رسیدن به رؤیاهای شیرین زندگی در کشورهای پیشرفته، بدست آوردن کار و سرمایه و یاهم برقراری روابط فردی اجتماعی به منظور ازدواج و یا دوستی اند که گاه گاهی این رویاها به جهنم مبدل گردیده و شخص مجنی علیه، به جای رسیدن به منزل مقصود، در معرض بهره‌کشی‌های جنسی، کار اجباری در منازل، و یاهم همانند کالاهای بازرگانی غرض خرید و فروش، دست به دست و در معرض تبادل قرار می‌گیرند.^۱

^۱ - عادل، عبد الرحمن، الاتجار بالبشر: <https://gawda۲۰۱۰.yooV.com/t۴۰-topic>، هانی، جرجس عیاد، جرایم الاتجار بالبشر، المفهوم و الاسباب..... : ها ۵۱۰۳۳۰ <http://www.ahewar.org/debat/show.art.asp?aid=۵۱۰۳۳۰>

قابل تذکر است که جرم قاچاق انسان در عصر حاضر به یک پدیده جهانی مبدل گردیده و نمی‌توان شیوه‌ها و اشکال ارتکاب آن را در طی چند نمونه معین، محدود ساخت، اما می‌توان گفت که در سایه جهانی شدن روند زندگی در دنیا و پیشرفت سرسام آور تکنولوژی معلوماتی، شیوه‌های ارتکاب این جرم نیز با شدت، سرعت و مهارت خاصی، رشد و توسعه می‌یابد، زیرا باندهای جرایم سازمان یافته در نحوه کار شان از برنامه ریزی‌های دقیق، دسترسی به سیستم‌های پیشرفته تکنالوژی و گاهی هم استفاده از نیروی قوت و خشونت برخوردار بوده، و با توسعه شبکه‌های جرمی شان در سطح دنیا، درد سر بزرگی برای اوضاع امنیتی و اقتصادی کشورها - به ویژه کشورهای عقب مانده یا در حال رشد - به شمار می‌آیند.

مبحث سوم: اسباب و انگیزه‌های قاچاق انسان:

جرم قاچاق انسان، از انگیزه‌های متعددی نشأت می‌کند، و اسباب مختلفی زمینه ساز وقوع این جرم می‌گردد، که برخی از این علت‌ها به وضعیت مجنی علیه و برخی دیگر آن به مجرمین و مرتکبین این جرم بر می‌گردد، که خلاصه این اسباب و انگیزه‌های را می‌توان در نکات آتی خلاصه کرد:

گفتار اول: ضعف ایمان و غیاب وجدان:

بطور عام و عمده، ارتکاب انواع جرایم، از عدم تعهد مجرم به شعائر و رهنمایی‌های دینی و نداشتن ترس از الله متعال و محاسبه و مجازات اخروی، نشأت می‌کند، که ارتکاب جرم قاچاق انسان نیز نه تنها از این قاعده به دور نبوده نیست، بلکه در بسا موارد، ضعیف بودن باورمندی‌های دینی و در پی آن فقدان وجدان و ضمیر انسانی، سبب می‌شود تا مرتکبین این جرم از تخصص و مسلک وظیفوی خویش، به شیوع ترین طریقه آن، استفاده نموده و مرتکب جرم قاچاق انسان گردند، مانند ارتکاب این جرم توسط برخی از داکتران و پرستارانی که دست به فروش اعضای بدن مریضان شان می‌زنند و یا زمینه‌های اختطاف، پنهان نمودن و تبدیل نمودن اطفال را میسر می‌سازند، و یا هم برخی از آموزگاران و مرشدین دینی که تحت چپتر برنامه‌های تعلیمی و دینی، زمینه قاچاق اشتراک کننده‌گان و استفاده آنان در بهره گیری‌های جنسی را فراهم می‌سازند.

گفتار دوم: کسب اموال و سرمایه‌های هنگفت:

قاچاق انسان یکی از پردرآمدترین تجارت‌های رایج در جهان می‌باشد، منافع بدست آمده از این راه، همانند و یا نزدیک به اموالی است که از طریق تجارت سلاح و یا مواد مخدر به دست می‌آید، چنانچه اشخاص فقیر و بی بضاعت در صدد بهتر شدن و وضع زندگی‌شان گردیده و قاچاقچیان نیز با استفاده از وضعیت آنان، راه‌های مختلفی را برای آنان مهیا و زمینه سازی می‌نمایند.

فروش گرده‌ها و سایر اعضای بدن، تحت نام بخشیدن اعضا، فروش دختران نیمه جوان تحت نام ازدواج، انتقال، فروش و تبادله اشخاص به مثل برده، استخدام قاچاق شده‌گان برای کار و گداگری و استفاده زنان، اطفال و گاهی هم مردان، در بازارهای جنس، عواید هنگفتی را برای قاچاقچیان ببار آورده و آنان را برای ارتکاب جرایم بیشتر، تشویق می‌کند.

گفتار سوم: نبود قوانین بازدارنده در برخی کشورها:

قوانین موجود در برخی از کشورها، حاوی آن عده قیود و تنظیماتی نیست که بسا اشکال و شیوه‌های قاچاق انسان را جرم انگاری و برای جلوگیری از وقوع آن، احتیاطات لازم را پیش‌بینی نماید، یا این‌که زمینه‌های بکارگیری حیل‌ها و نیرنگ‌ها بالای قوانین موجوده را تنگ‌تر سازد، بدین لحاظ قوانین مذکور فاقد کارایی‌ها و مؤثریت‌های لازم بوده و نمی‌تواند خاصیت بازدارندگی خویش را حفظ نماید، که درین میان، قوانین موجود برای تنظیم امور سیاحت و تسهیلات سیاحتی در بسا کشورها، مثال خوبی است که خود زمینه ساز رشد و توسعه قاچاق انسان گردیده و تحت چتر آن، اشخاص بیشتری با شیوه‌های جدید و مدرن دیگری از جمله قربانی‌های این جرم قرار می‌گیرند.^۱

گفتار چهارم: گسترش فقر و بیکاری:

فقر و بیکاری یکی از عوامل و اسباب عمده انتشار جرم قاچاق است، زیرا برخی‌ها به منظور جستجوی کار و یافتن زمینه بهتر زندگی اقدام به سفر می‌بندد و درین راستا برخی از فرصت طلبان و مجرمینی که در

^۱ - الدوغان، خالد محمد، الاتجار بالبشر و موقف الشريعة منه، مقاله نشر شده در المجلة العلمية لجامعة الملك فيصل (العلوم الانسانية و الادارية)

المجلد العاشر، العدد الثاني، ۱۴۳۰ هـ.ق، ۲۰۰۹ م ص: ۲۴

کمین همچو اشخاص نشسته اند، با نشر تبلیغات دروغین و فریبنده از فرصت‌های خوب کاری، سخن رانده و بدین وسیله آنان را در دام می‌اندازند.^۱

گفتار پنجم: استبداد سیاسی و فقدان عدالت اجتماعی:

برخی از قربانیان قاچاق انسان، متشکل از کسانی اند که به اثر حاکم بودن استبداد سیاسی در کشور و محرومیت از حقوق مدنی و قانونی شان، جهت گریز از وضعیت مختنق، راه مهاجرت را به پیش گرفته و آنرا روزنه برای رهای از ظلم و رسیدن به زندگی شرافتمندانه انسانی می‌پندارند، اما مصداق همان مثل معروف ملی "گریختن از چکک به زیر باران" دیری نمی‌گذرد که خود را در چنگال قاچاقیان انسان می‌یابند و تمامی آرمان‌ها و خیالات شان به باد فنا می‌رود، البته بیشتر قربانیان این نوع را افراد منسوب به اقلیت‌های ستم‌دیده و زجر کشیده نژادی و مذهبی کشورهای مختلف، تشکیل می‌دهد.

گفتار ششم: عرف ناپسند و حاکم بر جامعه:

در برخی از کشورهای که از حقوق شرعی، قانونی و حتی انسانی، افراد جامعه خبری نیست، عرف و عادات حاکم و فرمانروایی مطلق بزرگان خانواده، قبیله و منطقه، بر زیر دستان شان، سبب می‌شود تا افراد متبوع، در مقابل هرگونه تصرف و تعامل این بزرگان، حق اعتراض را نداشته و به جز اطاعت عام و تام، چاره دیگری نداشته باشند، از همین رو، این اشخاص در معرض تبادل، خرید و فروش، ازدواج‌های اجباری، اعاره اجباری برای کار و سایر موارد قاچاق انسان، قرار می‌گیرند، چنانچه قاچاق دختران خورد سال _ که تحت سن بلوغ یا قانونی قرار دارند - و تسلیمی آنان به پولداران هوس باز، تحت پوشش ازدواج یکی از این مثال‌های وابسته به این مورد است، که با پا درمیانی و همکاری دلال‌ها و کمیشن کارهای صورت می‌گیرد که از این طریق پول‌های هنگفتی به حساب شان ریخته می‌شود. این سلسله در میان مردمان بی بضاعت کشورهای هند و مصر بیشتر واقع می‌گردد و در بسا موارد، دختران آنان با رضایت و موافقه بزرگان خانواده، تحت نام ازدواج، در دام قاچاقیان و هوسبازان ثروت مند، می‌افتد.^۲

^۱ - <https://www.alukah.net/culture/۰/۲۷۳۶۸/#ixzz۶ETFIpKW>

^۲ - الاتجار بالبشر، عادل، عبد الرحمن السید، t۴۰-topic، yoo۷.com/۲۰۱۰، gawda

گفتار هفتم: توسعه پروژه‌های سیاحتی:

در دنیای معاصر کنونی، سیر و سیاحت به کشورهای مختلف و فراهم آوری انواع تسهیلات و زمینه‌های رفاه و آسایش برای سیاحان، به یک عادت رایج و رقابت نا سالم مبدل گشته است. از یک طرف تعداد سیاحان و گردشگران به طور روز افزون در نقاط مختلف دنیا رو به ازدیاد بوده و از طرف دیگر، رقابت شدید تجارتي میان کشورهای سیاحتی، و ایجاد تسهیلات بی شمار برای جلب تعداد بیشتر سیاحان، برخی از کشورها را بران داشته است تا درین عرصه از پامال نمودن حقوق انسان‌های دیگر و ارتکاب انواع ظلم در حق آنان دریغ نورزند.

ترویج و فراهم سازی زمینه‌های بهره برداری‌های جنسی، در صدر این رقابت‌های نادرست قرار دارد. هزاران انسان ستم‌دیده جهان (اعم از زن و مرد، طفل و جوان)، منحصی متاع این بازار گرم، قاچاق و مورد معامله قرار می‌گیرند و از آن‌ها در عرصه‌های مختلف تجارت جنسی، چون بهره برداری عملی در فاحشه خانه‌ها و مراکز قوادی، تهیه افلام جنسی (پورنوگرافی)، کاباره‌ها و رقص خانه‌ها، حمام‌ها و سالون‌های مساج و غیره موارد غیر اخلاقی و غیر انسانی استفاده می‌گردد.^۱

مبحث چهارم: اهداف و مقاصد قاچاق انسان:

چنانچه گفته شد، قاچاق انسان به شیوه‌های مختلف، بنابر اسباب و انگیزه‌های مختلف و به منظور اهداف و مقاصد معین، صورت می‌گیرد که درین مبحث، مهم‌ترین و بارزترین اهدافی را خاطر نشان خواهیم ساخت که به منظور تحقق آنان، سیلی از انسان‌های بیگناه و مظلوم، توسط افرادی از جنس و کیش خود شان، قاچاق و همچون متاع ناچیزی در بازارهای جهان، دست به دست می‌شوند:

گفتار اول: بهره برداری جنسی:

بهره برداری جنسی از قربانیان قاچاق، استخدام آنان در بازار پر رونق تجارت جنسی، در صدر اهدافی است که قاچاقچیان را برای ارتکاب جرایم بیشتر، ترغیب می‌کند، نتایج تحقیقات و آمارگیری‌ها نشان

^۱ - شاعر، رامیا محمد، الاتجار بالبشر، ۱۴-۱۵، منشورات الحلبي الحقوقية، الطبعة الاولى، ۲۰۱۲م. الدوغان، خالد محمد، الاتجار بالبشر و موقف الشريعة منه، ۲۰۰۹ م ص: ۲۶-۲۷، <https://www.alukah.net/culture/0/۲۷۳۶۸/#ixzz۶ETFPwKW>

می‌دهد که حدود ۸۰-۹۰٪ کسانی که در معرض قاچاق قرار می‌گیرند، را زنان تشکیل داده و از این میان، بیشتر از ۷۰٪ آنان در بازارهای جنسی، مورد استفاده قرار می‌گیرند که در مواردی هم از جمله قربانیان این دسته، دختران کوچکی هستند که تا هنوز سن ۷ سالگی را نیز تکمیل نکرده‌اند.^۱ البته ۳۰٪ دیگر قربانیان این عرصه را مردان و اطفال تشکیل می‌دهد.

استفاده از قوه جبری، اختطاف، فریب دادن اشخاص تحت بهانه‌های مختلف چون، ازدواج با ثروت مندان، ایجاد فرصت‌های کاری، ایجاد روابط عاطفی و دوستی، تشویق و ترغیب به سپری کردن رخصتی‌ها و سیاحت در مناطق معین برخی از کشورها، از جمله شیوه‌های است که به وسیله آن، سرنوشت قربانیان قاچاق را در بازارهای جنسی، کاباره‌ها و میخانه‌ها، مراکز رسمی و غیر رسمی فحاشی و قوادی می‌رساند.

قاچاق دختران نوجوان مصری برای ازدواج با ثروت مندان عرب، در دام انداختن دختران هندی تحت نام ازدواج با شوهران ثروت مند و مناسب، با پا درمیانی وسطاء و دلالان و در اکثر اوقات با رضایت و علم اولیای امور آنان، وارد نمودن هزاران زن ویتنامی به تایوان به عنوان ازدواج، و سپس به کارگیری آنان در مراکز فحشا و تجارت جنسی، نمونه‌های از این نوع بهره برداری از قاچاق شده گان اند، که می‌توان منحصیث نمونه از آنها یاد آوری کرد.^۲

به اساس گزارشات موجود، بیشتر قربانیان قاچاق برای بهره برداری جنسی را اتباع کشورهای تایلند، فیلیپین، هند، ویتنام، تایوان، امریکای لاتین، اوکراین، ترکیه، المغرب، لبنان، مصر و برخی کشورهای دیگر تشکیل می‌دهند.^۳

ناگفته نباید گذاشت که از یک طرف قانونی بودن و مشروع بودن بازارهای جنسی در برخی از کشورها، و وضع انواع تکس و مالیه بالای آنانی که این حرفه را اختیار می‌کنند، از طرف دیگر، استفاده وسیع از

^۱ - <https://www.alukah.net/culture/0/27368/#ixzz6TETfPwKW> ، t40-topic ، <http://www.yooV.com/> ۲۰۱۰

^۲ - الدوغان، جرایم الاتجار بالبشر، ص ۳۰، زین، ابراهیم، جرایم الاتجار بالبشر تغزو العالم،/۱۶۰، <https://sudaneseonline.com/board/>

^۳ - آیات، محمد سعود، جریمة الاتجار بالبشر - مفهوما - ارکانها - اسبابها - الاتفاقيات الدولية المكافحة لها،

<http://www.ahewar.org/debat/show.art.asp?aid=58870> ، جرایم الاتجار بالبشر، ص: ۲۱-۲۲

تکنالوژی معاصر بالخصوص انترنت، درین راستا، در رونق این بازار و توسعه جرایم قاچاق، تأثیر جدی داشته و دارد.^۱

گفتار دوم: تجارت اعضای بدن:

پیشرفت‌های علمی در بخش طب و امیدواری‌ها برای نقل و زرع برخی اعضای بدن، زمینه را برای ارتکاب جرم جدید یعنی تجارت اعضای بدن انسان، مهیا ساخته است. کشورها و مردمان فقیر، بیشتر قربانیان این جرم اند، وقتی ثروت مندانی نمی‌توانند در مقابل پول، آنچه را که از اعضای بشری نیاز دارند، بدست بیاورند، به قاچاقچیان انسان رو آورده و از آنان کمک می‌طلبند، قاچاقچیان نیز با اختطاف قربانیان از مناطق جنگ زده، آسیب زده و فقر زده؛ ضروریات این ثروت مندانی را مهیا و بدین وسیله بازار تجارت انسان و اعضای بدن آنان، گرمتر می‌گردد:

ارتکاب جرایم قاچاق انسان به منظور تجارت اعضای بدن آنان، غالباً به دو طریقه ذیل صورت می‌گیرد:

الف: برخی از کارمندان شفاخانه‌ها، تحت پوشش تبرع و صدقه، اعضای سالم برخی از مریضان را با اجرای عملیات‌های جراحی، کشیده و آنرا بالای مریضان دیگر به فروش می‌رسانند.

ب: در حالات دیگری، قاچاقیان، انسان‌های متعددی را با استفاده از تهدید و قوه، اختطاف، حيله و نیرنگ و ... قاچاق نموده و سپس اعضای بدن آنان را بالای شفاخانه‌ها و داکترانی که با آنان شریک و همکار اند به فروش می‌رسانند.^۲

گفتار سوم: خدمت در منازل، کارخانه‌ها و مزرعه‌ها:

استخدام اشخاص قاچاق شده برای خدمات جبری در منازل و کارخانه‌ها، هدف دیگری از اهداف قاچاق انسان است، هرچند قاچاق انسان به گونه مخفی صورت گرفته و گرفتن آمار دقیق از قربانیان آن کار آسانی نیست، با آن هم برخی از آمارگیری‌ها نشان می‌دهد که از میان مجموع قربانیان قاچاق، تخمیناً ۱۸٪ آنان در کارهای اجباری، استخدام می‌گردند.

۱ - مرجع سابق، ص: ۲۴.

۲ - الدوغانی، الاتجار بالبشر و موقف الشريعة الإسلامية منه، ص: ۲۸ - ۳۰.

تحقیقات برخی از نهادهای ذی ربط نشان می‌دهد، که قاچاق انسان برای استخدام و کار اجباری، در کشورهای مختلف و برای اغراض و مقاصد مختلف صورت می‌گیرد، به طور نمونه، دیده می‌شود که اطفالی که در کشورهای غرب افریقا قرار دارند، به گونه غیر قانونی به تمامی کشورهای منطقه انتقال داده شده و بصورت جبری در کارهای مختلفی استخدام می‌گردند، زن‌های چینی و ویتنامی، به بعضی از جزایر باسفیک انتقال داده شده و برای ساعت‌های طولانی در ساخت تولیدات تجارتي مورد نیاز بازارهای امریکایی، به کار گرفته می‌شوند، بسیاری از مردان مکزیکی به امریکا قاچاق گردیده و از آن‌ها برای کار جبری در مزرعه‌ها و باغ‌های امریکای استفاده می‌گردند.^۱

نوعی دیگری از انواع قاچاق و بهره‌گیری از قاچاق شده‌گان، انتقال و استخدام آنان به صفت خدمه منازل، کارمند کارخانه‌ها و مزرعه و سایر محلات کار است که با مزد ناچیز و معامله ظالمانه استخدام و نه تنها حقوق و وظیفوی شان، بلکه حقوق انسانی شان نیز به شیوه‌های مختلف، پامال می‌گردد، مزد ناچیز، بودوباش در اتاق‌ها و همچنان کار در محیط غیر انسانی و غیر صحی، محروم ساختن از رخصتی‌ها و اجازه ندادن برای برگشت به کشور و خانواده، گروگان‌گیری پاسپورت و سایر اسناد شخصی رسمی و انواع ظلم و رفتارهای بیرحمانه دیگر، همه شواهدی برای برده‌گی معاصر امروزی و قاچاق هزاران انسان ستم‌دیده در اطراف و اکناف جهان است.^۲ به طور نمونه گفته می‌شود که بیش از (۶۶۰۰۰۰) زن سریلانکائی، به صفت خدمه منازل در خارج از کشورشان کار می‌کنند که گروگان گرفتن پاسپورت و اسناد رسمی شان، کار تا حدود ۲۰ ساعت در روز و نداشتن رخصتی هفته وار و حتی سالانه از جمله بدرفتاری‌های است که اغلب زنان یاد شده بدان مواجه می‌گردند.^۳

گفتار چهارم: کسب منافع مالی:

چنانچه گفته شد، قاچاق و تجارت انسان از جمله جرایم پر در آمدی است که بعد از تجارت مخدرات و سلاح، بیشترین عواید را داشته و قاچاقیان از این راه مبالغ مالی هنگفتی را بدست می‌آورند، در این

^۱ - <https://socio.yooV.com/t۲۱۷۱-topic> ، الجنابی ، لیلی ، جرائم الاتجار بالبشر، موقع الحوار المتمدن.

^۲ - الدوغان، الاتجار بالبشر و موقف الشريعة الاسلامية منه، ص ۲۵ ، <https://www.alukah.net/culture/۰/۲۷۳۶۸/#ixzz۶ETFPwKW>

^۳ - الشاعر، رامیا، الاتجار بالبشر، ص: ۱۳

داودستد، رونق بازار و تفاوت قیمت انسان همانند سایر اموال تجارتي، بين جهش و کاهش عرضه و تقاضا، بيشتري يا کمتر گرديده، و با شيوه جديد و معاصر بردگي، در بازارهاي جهان، خريد و فروش مي گردد.

بنابر گزارش تهيه شده از جانب سازمان كار جهاني كه در سال ۲۰۰۵ به نشر رسيد، مكاسب مالي غير مشروع كه از تجارت و قاچاق انسان بدست مي آيد، سالانه به بيشتري از ۳۲ ميليارد دالر ميرسد، كه درين ميان، بيشتري از ۲۸ ميليارد دالر آن، از بهره برداري جنسي از اطفال و زنان بدست مي آيد.^۱

گفتار پنجم: استخدام در ميادين جنگ:

قربانيان قاچاق، آتش داغ جنگ هاي نيابتي و تجارتي مي گردند كه در نقاط مختلف جهان، توسط تجار سلاح و يا اربابان قدرت و سياست شعله ور گرديده، هزاران انسان زجر كشيده ديگر، به گونه جبري و ياهم جيره خواران جنگي، به ميدان هاي چنين جنگ سوق داده مي شوند.

گسترش جنگ هاي مسلحانه در مناطق مختلف جهان، علت ديگري شيوع قاچاق انسان است، بررسي ها نشان مي دهد كه بيشتري از صدها هزار اطفال زير سن ۱۸ سالگي براي اشتراك در جنگ هاي مسلحانه و كار در اردوگاه هاي نظامي، با مليشه هاي مسلح و گروه هاي شورشي، قاچاق و به كار گرفته مي شوند، برخي از آنها براي استخدام اجباري در چنين موارد، اختطاف و عده ديگري به وسيله تهديد، تطميع و يا هم وعده هاي فريبنده و كاذبانه، در دام قاچاقچيان مي افتند.^۲

بر اساس گزارش ارايه شده توسط سازمان جهاني حمايت از اطفال (يونيسيف): در حال حاضر بيشتري از ۳۰۰ هزار طفل تحت سن ۱۲ سالگي در بيشتري از ۳۰ منطقه و نزاع مسلحانه در سطح جهان، مشغول جنگ اند، در مجموع هرچند سن اطفال استخدام شده در جنگ ها بين ۱۵ و ۱۸ سال است، اما در ميان آنها اطفالي كه سن آنان بين ۷ و ۸ سال است نيز ديده مي شوند.

^۱ - جرائم الاتجار بالبشر تغزو العالم / ۱۶۰ / <https://sudaneseonline.com/board/>

^۲ - <http://www.ahewar.org/debat/show.art.asp?aid=۵۸۸۷۰۷>

اطفال مذکور در حالی که هیچ گونه تمرین نظامی ندیده اند، در ساحات جنگ سوق داده شده و در بسا موارد، پیشاپیش جنگجویان نظامی روی کشتزارهای ماین برده می‌شوند، انجام عملیات‌های انتحاری و مجبور ساختن آنان برای حمله بر اعضای خانواده یا نزدیکان آنان و یا هم حمله بر برخی از چهرهای نامدار سیاسی و نظامی نیز هدف دیگری از اهداف استخدام چنین اطفال در ساحات جنگ است.

معامله قساوت بار و فجیع با چنین اطفال، بالخصوص دختران و اغتصاب آن‌ها در ساحات جنگ، مبتلا شدن آنان به انواع مختلف امراض ساری جنسی، حمل اجباری، و اجازه ندادن خانواده‌های آنان برای برگشت به دامن خانواده و جامعه، از خوف اعتیاد به خشونت و ارتکاب جرایم، از جمله آثار و نتایج ویرانگری است که اطفال مذکور بدان مواجه و یا سردچار اند و زندگی و سرنوشت آینده و معمولی آنان را به شدت دگرگون می‌سازد.^۱

در طی چهار دهه جنگ اخیر در افغانستان نیز استخدام اطفال در میادین جنگ، پیشینه سیاه و زیادی داشته به صدها طفل (زیر سن قانونی) در دوره‌ها و حاکمیت‌های مختلف با جبر و تهدید یا ترغیب و تطمیع، وارد کارزار میدان جنگ گردیده و در این راه قربانی گردیده اند. اخیراً در گزارش که از طرف وزارت امور خارجه امریکا، در مورد قاچاق انسان در افغانستان، به نشر رسیده است، گفته شده است که: افغانستان در عرصه قاچاق انسان در سال ۲۰۱۶ بر اساس نظارت در درجه دوم قرار داشت، اما در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ بدون نظارت در درجه دوم قرار دارد. بر اساس گزارش یاد شده، از برج اپریل سال ۲۰۱۷ الی برج جون همان سال، از جذب ۷۹ تن زیر سن در صفوف نیروهای امنیتی جلوگیری به عمل آمده است،^۲ که مسلماً اطفال موجود در ساحات جنگی خارج از کنترل دولت افغانستان، شامل این گزارش نبوده است. مخالفین مسلح دولت همچنان متهم به قاچاق اطفال و استخدام آنها در جنگ به ویژه در حملات انتحاری هستند. گزارشات گاه و ناگاه رسانه‌یی از گرفتاری اطفال انتحاری این اتهام را تأیید می‌کند.

^۱ - الشاعر، رمیا، الاتجار بالبشر، ۱۰ - ۱۱.

^۲ - <https://www.pajhwok.com/dr/2018/07/30>

گفتار ششم: تگدی یا صدقه خواستن :

گداگری یعنی صدقه خواستن از مردم در راه‌ها، سرک‌ها و سایر اماکن عامه، هدف دیگری از اهداف قاچاق انسان است، طوری که باندهای جرمی که در این عرصه فعالیت دارند، اشخاص مذکور را قاچاق و از آن‌ها در جمع آوری پول از مردم تحت عنوان صدقه خواستن و سوالگری، استفاده می‌نمایند. سوالگری یا خواستن صدقه از مردم، بالخصوص به شکل حرفوی و عادت و بدون داشتن ضرورت شدید، در شریعت اسلامی ممنوع^۱، و در قوانین اکثر کشورها نیز جرم شناخته شده است. باندهای قاچاق انسان، گاهی با اختطاف کردن اشخاص، بالخصوص، اطفال و سپس تطمیع یا تهدید آن‌ها را مجبور می‌سازند تا بطور مداوم دست به تگدی زده و اموال جمع آوری شده را به اربابان و روسای باندهای شان تسلیم نمایند. این باندها گاهی به منظور جلب توجه و عاطفه صدقه دهندگان، برخی از اعضای سالم بدن اختطاف شده گان، مثل دست، پا و چشم را قطع یا معیوب ساخته و سپس آنان را برای برانگیختن احساسات و عواطف مردم و جمع آوری بخشش، ارسال می‌نمایند.^۲

۱ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم درین مورد می فرماید: من سئل الناس أموالهم تكثرأ فإنما يسأل جمرأ فليستقل أوليستكثر" کسی که بخاطر زیاد شدن دارای اش، از مردم سوال میکند (صدقه می خواهد) پس در حقیقت توتة آتش را از ایشان میخواهد، پس مختار است که از آن (قطعة آتش) کم میخواهد یا زیاد، النووی، صحیح مسلم، ۱۹۹۱م، کتاب الزکاة، باب کراهة مسألة الناس، مؤسسة قرطبة، الطبعة الأولى، الجزء السابع، بیروت، لبنان، ص ۱۸۴.

۲ - الجنابی، لیلی، جرائم الاتجار بالبشر، <http://www.ahewar.org/debat/nr.asp>

مبحث پنجم: اضرار جرم قاچاق انسان:

قاچاق انسان، منحصراً یک پدیده جهانی و جرم فراگیر، آثار متعدد اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و اخلاقی را در سطح جامعه انسانی به بار آورده و می آورد، که تحت این مبحث تلاش می گردد، به هرکدام اشاره کوتاهی صورت گیرد:

گفتار اول: اضرار اجتماعی:

عمده ترین اضرار اجتماعی قاچاق انسان در موارد ذیل خلاصه می گردد:

- تجاوز بر حقوق انسان، مانند، حق زندگی، حق آزادی، و ازدواج اختیاری و طبیعی، که این حق کیان اجتماع را فرو ریخته و گراف صحت عمومی و روانی جامعه را به شدت ضربه می زند.
- از هم پاشیدن نظام خانوادگی در نتیجه قاچاق اطفال، که در نتیجه اطفال قربانی شده، شخصیت و هویت طبیعی خود را از دست داده و با آغشته شدن با گروه‌ها و رفتارهای مجرمانه آنان، به جای رشد و تربیت سالم، به جنایتکاران و مجرمین حرفه وی مبدل می گردند.
- تجارت اعضای بشری، افزون بر اضرار صحتی آن، تهدید اجتماعی برای جامعه نیز دانسته شده، در ازدیاد افراد معلولی که باردوش جامعه می گردند، تأثیر گذار خواهد بود.
- انتشار فساد اخلاقی و برهم زدن نظام اخلاقی و آداب عمومی کشور، در نتیجه شیوع مراکز فحشا، قمارخانه‌ها و میخانه‌ها، بیراهه ساختن جوانان از تعلیم و کسب کار، و همچنان برگشت برخی از قاچاق شده گان و قربانیان بازار جنسی به انحراف اخلاقی و جنسی چون دیگر برای آنان به شغل و حرفه ثابت مبدل گشته است.

گفتار دوم: اضرار سیاسی و اقتصادی:

اضرار جرم قاچاق در عرصه سیاست و اقتصاد نیز کمتر از ساحات دیگر نیست، و مهمترین آن‌ها عبارتند از:

- سهمگیری در رشد و تقویه جرایم سازمان یافته، کشورهای که مصدر قاچاق انسان می باشند، به

جای این که در امر مبارزه جهانی با قاچاق سهیم گردند، بصورت مستقیم یا غیر مستقیم، در تقویه و رشد جرایم سازمان یافته همکار و شریک پنداشته می شوند، که در نتیجه این سهل انگاری و یاهم با برگشت افراد گروه های جرمی به این کشورها، گراف چنین جرایم بالاتر رفته و خطورت آن بیشتر می گردد.

- بالارفتن میزان بیکاری، افزایش جرایم پول شویی، گسترش پروژه های وهمی و جعلی و مختل ساختن بازار کار.
- راه یافتن مجرمین حرفه وی در مناصب علیا و مؤثر اقتصادی کشور، و راه اندازی پروژه ها و معامله های مشبوه و صوری.
- تلاش باندهای جرمی برای دست یافتن به پست های علیای امنیتی و پولیس، بالخصوص در سرحدات و مداخل کشور، جهت آسان شدن تحرکات و انتقال قربانیان.
- تلاش کشورهای عقب مانده، برای دستیابی به سرمایه های خارجی، بدون در نظر داشت مشروعیت مصادر و منابع آن ها.
- انتشار و توسعه اقتصاد مخفی، بدور از نظارت دولت و بدون ثبت و پرداخت هیچ گونه مالیات.
- به میان آمدن شبکه ها غول پیکری تجارتي و راه یابی اعضای آن به پست های کلیدی دولتی و مراکز تصمیم گیری، استخدام رشوت و فساد برای نفوذ یابی بالای وزراء و سایر مقامات بلند پایه دولتی، غرض تداوم و حمایت از مصالح مادی شان، که در نتیجه فساد اداری طغیان نموده و پیکر و کیان دولت شدیدترین ضربات را متحمل می شود.
- از دست دادن نیروی بشری، طوری که در میان قربانیان قاچاق، اطفال قاچاق شده، ارقام درشتی داشته و تعداد شان به هزاران طفل می رسد، اطفالی که نه تنها از حقوقی طبیعی تعلیم، رشد و توسعه مهارت های زندگی و سهمگیری در آبادی کشور شان، محروم می گردند، بلکه با آلوده ساختن آنان با محیط جرمی و تبدیل نمودن آنان به مجرمین حرفه وی، مستقبل سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور شان را نیز تیره می سازند. که بدون شک از دست دادن آنان منحصیث نیروی آینده یک کشور، صدمه بزرگی بر اقتصاد و سیاست یک کشور خواهد بود.

گاهی هم جمع آوری اموال و سرمایه‌های هنگفت از طریق مشارکت در گروه‌های جرایم سازمان یافته، چور و چپاول از ساحات جنگ و غیره، معیارهای و دیدگاه‌های بقیه افراد جامعه را در مقابل اخلاق و ادبیات عمومی و در مجموع در مقابل جرایم و ارتکاب آن، متزلزل می‌سازد، زیرا مشاهده چنین وضعیت بر روان اشخاص دیگری که با پیش برد زندگی عادی در جامعه نتوانسته اند برای امرار زندگی عادی خویش، مدرکی را دریابند، تأثیر گذار بوده و آنان را نیز به پیوستن به جمع قاچاقچیان و گروه‌های جرمی، تشویق خواهد کرد.

گفتار سوم : اضرار روانی و صحتی:

جرم قاچاق انسان آثار روانی زننده و سنگینی را بر روح و روان قاچاق شده‌گان، به جا می‌گذارد، خسته‌گی های روانی، منزوی شدن، نگرانی و ترس دایمی از دیگران، خجالت زده‌گی همیشه‌گی، کتمان رنج‌ها و مصایبی که بدان مواجه شده اند، و سایر اذیت‌های روانی که به اثر تعذیب بدنی، تجاوز جنسی، محرومیت از غذا، نظافت، خواب، آسودگی و اشکال دیگری از بیرحمی‌ها و بد رفتاری‌ها در ذهن و روان مجنی علیه باقی می‌ماند، روح و روان وی را به شدت صدمه رسانیده و دیگر نمی‌تواند منحیث یک فرد عادی، در جامعه حضور داشته باشد.

افزون بر آثار روانی یاد شده، گاهی به قربانیان قاچاق، آسیب‌های خطرناک جسمی و صحتی نیز می‌رسد که بصورت مداوم شخص و جامعه هردورا متضرر و متأثر می‌سازد، تعذیب جسمی، سوختاندن، و سایر شیوه‌ها و وسایل خشونت، قطع و فروش اعضای بدن، نگهداری در اماکن غیر صحتی، مبتلا شدن به امراض مهلک، ساری و مزمن دیگر در نتیجه اشتغال در بازارهای جنسی، و سایر عوارض صحتی از جمله آثاری است که صحت فرد و جامعه را صدمه می‌رساند و هردو در دراز مدت از آن رنج می‌برند.^۱

^۱ - <http://fisaliashoole.hooxs.com/t/۱۴۳-topic> ، الاتجار بالبشر وسبل مکافحته، قراءة فی الاستراتيجيات والاتفاقيات الدولية،

<http://www.ahewar.org/debat/show.art.asp?aid=۵۱۰۳۳۰> ، Toggle navigation

مبحث ششم: آمار قربانیان و اشخاص دخیل در قاچاق:

قاچاق انسان در جهان، به یک جرم فراگیر و فرامرزی مبدل گردیده و آمار قربانیان آن به طور روز افزون در حال افزایش است، از سوی دیگر، اشخاص متعددی به طور آگاهانه و یا نا آگاهانه در ارتکاب و ازدیاد این جرم دخیل اند، که تحت این مبحث ابتدا، اشاره کوتاهی به آمار و ارقام قربانیان این جرم و سپس به اشخاص دخیل در ارتکاب و گسترش این جرم خواهیم داشت:

گفتار اول: آمار قربانیان قاچاق:

ازینکه روند قاچاق انسان، در مجموع به گونه سری و تحت پوشش فعالیت‌های مرموز و فریبنده، انجام می‌یابد، لذا دانستن آمار دقیق قربانیان و قاچاق شده‌گان در جهان، کار ساده نیست، با آن هم طبق تخمینات و برررسی‌های که انجام شده، گفته می‌شود که تعداد مجموعی قاچاق شده گان در سال ۲۰۰۳م بین ۶۰۰,۰۰۰ الی ۸۰۰,۰۰۰ نفر بوده است که حدود ۸۰٪ آنان را زنان تشکیل داده است. البته این تخمین گذاری‌ها در رابطه به آن عده قاچاق شده‌گانی است که از طریق بنادر و سرحدات بین المللی کشورها تبادل و عبور می‌یابند، اما آنانی که در داخل کشورها قاچاق می‌گردند، شامل این ارقام نبوده و با علاوه نمودن تعداد آن‌ها، ممکن است تعداد مجموعی قربانیان بین دو الی چهار میلیون انسان برسد.^۱

بر اساس یکی از گزارش‌های سازمان بین المللی کار، سالانه در حدود سه میلیون انسان در جهان قاچاق می‌شوند، که تقریباً ۱,۲ میلیون آن طفل بوده و بین ۴۵ - ۵۰ هزار آن تنها به امریکا قاچاق می‌شوند. سائر نقاط و کشورهای دنیا نیز از این پدیده شوم خالی نیست، در یکی از گزارش‌های که در سال ۲۰۰۶م از جانب ایالات متحده امریکا به نشر رسیده است، گفته شده است که جرم قاچاق انسان در ۱۳۹ کشور جهان انتشار یافته و در این جمله ۱۷ کشور عربی چون: سعودی، قطر، کویت عمان، امارات، بحرین، یمن، اردن، سوریه، لبنان، مصر، الجزایر، تونس، المغرب، لیبیا، موریتانیا و سودان نیز شامل اند.

^۱ - <https://gawda2010.yooV.com/t40-topic>

در این گزارش که در حدود ۲۹۰ صفحه آماده شده است، گفته شده است که در سال ۲۰۰۶ حدود هشتصد هزار انسان قربانی قاچاق گردیده است که بیشترین آنها زنان و اطفال بوده اند، کشورهای چون: وینزویلا، کوریای شمالی، ایران، سوریه، سودان و سعودی، نیز در صدر کشورهای قرار دارند که از حیث میزان و چگونگی قاچاق انسان، در وضعیت بسیار بدی قرار دارند.^۱

در گزارشی که در سال ۱۹۷۸ از جانب کمیسیون حقوق بشر، نشر گردید، گفته شده است که در حال حاضر حدود ۵۲ میلیون طفل، در حرفه‌ها و وظایفی بدنی کار می‌کنند که با نظام بردگی شباهت نزدیکی دارد، از این میان، تقریباً ۹۰٪ آنان اتباع کشورهای جهان سوم و از جمله کسانی اند که خانواده آنان، آنها را به فروش رسانیده و یا آنان را ترک نموده اند.

سازمان عفو بین الملل نیز در یکی از گزارش‌های خویش گفته است که در حال حاضر حدود ۱۲،۳ میلیون انسان، در جهان قربانی قاچاق و کار اجباری اند، که از این میان تقریباً ۲،۴ میلیون آن، از کشورهای شان انتقال یافته و مورد تبادله و فروش قرار می‌گیرند.^۲

گفتار دوم: اشخاص دخیل در جرم قاچاق:

هرچند عاملین و مرتکبین اصلی جرم قاچاق انسان باندهای سازمان یافته و غیر سازمان یافته حرفه وی و مجرمین اند که در سطح جهان دست به ارتکاب این جرم می‌زنند، اما در کنار این مجرمین حرفه وی، اشخاص دیگری گاهی آگاهانه و در اکثر اوقات بطور نا آگاهانه، زمینه ساز ارتکاب این جرم گردیده و یا به نحوی در تحقق آن، دخیل می‌باشند، جالب این است که سیمای ظاهری و سمت وظیفوی آنانی که بطور آگاهانه در ارتکاب این جرم دست دارند، شباهتی با مجرمین حرفوی نداشته و کمتر مورد سوء ظن قرار می‌گیرند.

ارتکاب جرم قاچاق توسط اشخاص مذکور، علاوه بر اینکه جرم اضافی دیگر یعنی سوء استفاده از موقف و وظیفه دانسته می‌شود، در رابطه به کشف و ارتکاب جرم قاچاق نیز چالش‌های را ایجاد می‌نماید، چون

^۱ - الشاعر، رامیا، الاتجار بالبشر، ص ۲۱-۲۲،

^۲ - الدوغان، الاتجار بالبشر و موقف الشريعة الإسلامية منه، ص: ۲۰ - ۲۱، <http://www.acrseg.org/41360>

ظاهراً گمان نمی‌رود، اشخاص مذکور فاعل، شریک و معاون این جرم شنیع بوده و یا به نحوی از انحاء در ارتکاب آن دخیل باشند.

بصورت عموم، اشخاصی که عمداً و یا اشتبهاً در تحقق و وقوع جرم قاچاق دخیل می‌گردند، شامل اشخاص ذیل اند:

- ۱- موظفین و کارمندان فاسد و یا غافل دولتی به شمول، پولیس عمومی، پولیس سرحدی، توزیع کننده گان ویزه و مسؤولین سفارت خانه‌ها .
- ۲- کارشناسان اجتماعی، کارمندان موسسات غیر حکومتی که به چگونگی وقوع این جرم پی نمی‌برند و یا با قربانیان این جرم، همکاری لازم نمی‌کنند.
- ۳- دفاتر و مؤسساتی که در بخش‌های ازدواج و همسریابی، یا کار یابی فعالیت دارند، به ویژه دفاتری که برای خانواده‌های ثروت مند، خدمه منازل را توظیف می‌نمایند.
- ۴- داکتران، پرستاران و سایر کارمندان بخش صحتی که با قاچاقچیان همدست و شریک بوده در سرقت مریضان یا اعضای بدن آنان، با مجرمین همکاری و توطئه دارند.
- ۵- رسانه‌ها و دفاتر تبلیغاتی که در رابطه به کاریابی، تسهیلات سفر و سیاحت یا ازدواج، بدون تدقیق یا مشوره با مشتریان، وبدون در نظر داشت پیامدها، هر نوع اعلان را، به نشر می‌سپارند و در مقابل پول دریافت می‌کنند.
- ۶- قانون نگاران و سائر اشخاصی که در تسوید و تصویب قوانین ذی ربط، تساهل و یا غفلت نموده، قوانین جامع و پاسخگویی را آماده نمی‌سازند.

مبحث هفتم: چگونگی مبارزه علیه قاچاق انسان در سطح ملی و بین‌المللی:

کشور افغانستان که شاهد چند دهه جنگ طولانی بوده و به اثر آن اتباع این کشور بیشترین امار مهاجران در دنیا را دارند، همانند سایر کشورهای جهان، یکی از متضررین عمده جرم قاچاق انسان به شمار می‌آید. البته با آغاز سال‌های جنگ، این کشور مبدأ یا مصدر قاچاق مهاجران شناخته می‌شد، و سالانه هزاران تبعه کشور، در دام قاچاقچیان انسان و قاچاقچیان مهاجرین افتیده و سرنوشت فلاکت باری را مواجه می‌گردیدند، اما از مدتی بدینسو، که جرم قاچاق انسان در سطح جهانی شیوع و امتداد بیشتری یافته است، حالا دیگر افغانستان نیز تنها کشور مصدر نبوده بلکه در میدان گسترش جرم قاچاق انسان، به کشور پیشتاز یعنی کشور مصدر، معبر و مقصد؛ مبدل گشته است.^۱ از همین جاست که جمهوری اسلامی افغانستان در راستای مبارزه و جلوگیری از قاچاق انسان و قاچاق مهاجران، در عرصه‌های مختلف، گام‌های متعددی را برداشته است که می‌توان آن را در دو بخش قانونی و عملی تقسیم کرد، بدین معنی که از یک سو دولت افغانستان در راستای جرم‌انگاری قاچاق انسان، فعالیت‌های مثبتی داشته و آنرا طی چند قانون اختصاصی جرم دانسته و برای مرتکبین آن مجازات را تعیین نموده است، و از سوی دیگر برای مبارزه و جلوگیری از قاچاق انسان، نهادها و ادارات اختصاصی را ایجاد نموده است تا بتواند به گونه مسلکی و تخصصی، درین راستا مبارزه مؤثر و مثمر خویش را به پیش برد.

از سوی دیگر، کشورهای مختلف جهان نیز با توجه به شیوع و خطورت این جرم، اقدامات پیشگیرانه را در سطح ملی و بین‌المللی، براه انداخته و برای مقابله با این جرم در مبارزه دوامدار اند، در عرصه بین

^۱ - براساس یکی از گزارش‌های وزارت خارجه امریکا، پسران به ویژه آنانی که به تنهایی راهی سفرهای خارج می‌گردند، آسیب پذیرترین قشر افغان برای قاچاق انسان تلقی شده اند، همچنان زنان و دخترانی فلیپینی، پاکستانی، ایرانی، تاجکستانی، سریلانکایی و چینیایی نیز در افغانستان از قربانیان قاچاق انسان بوده اند. پیشرفت و چالش‌های افغانستان در مبارزه با قاچاق انسان، قدیر مشرف، ۷ سرطان ۱۳۹۶ ه.ش.

همچنان دیده <https://www.darivoa.com/a/us-department-of-state-trafficking-afghansitan-children-women/۳۹۱۹۱۶۱.html>

شود: ۶۳۸/۱۰ <http://old.moi.gov.af/fa/news/>

المللی نیز افزون بر کنوانسیون‌ها و مصوبات متعدد، نهادها و سازمان‌های نیز در راستای محو و مبارزه با این جرم ایجاد گردیده است که در صفحات بعدی، موضوع بحث ما خواهد بود.

تحت این مبحث فعالیت‌های قانونی و ادارات یا نهادهای مرتبط به مبارزه با جرم قاچاق انسان در سطح ملی و بین‌المللی، به گونه کوتاه به معرفی گرفته خواهد شد:

گفتار اول: اقدامات ملی:

دولت افغانستان برای مبارزه با جرم قاچاق انسان، یک سلسله اقدامات قانونی و عملی ملموسی را برداشته است که تحت این گفتار روی مهم‌ترین نقاط آن بحث خواهد شد:

مطلب اول: اقدامات قانونی:

اقدامات قانونی، در مقابله با قاچاق انسان چون جرم انگاری و پیگیری قضایی آن، در افغانستان سابقه چندانی ندارد، که این امر ممکن است ناشی از عدم استقرار اوضاع سیاسی و نبود دولت قوی مرکزی باشد، اما در نزدیک به دو دهه اخیر که کشور شاهد ثبات و پیشرفت نسبی سیاسی بوده است، اقدامات قانونی در راستای مبارزه با جرم قاچاق انسان، جدی تر و منسجم تر گردیده و درین عرصه برخی قوانین اختصاصی تصویب گردیده است که ذیلاً به آن‌ها اشاره خواهیم داشت:

البته قبل از پرداختن به تاریخچه قانونی مبارزه با جرم قاچاق انسان در کشور، قابل تذکر میدانم که: در ارتباط به موضوع قاچاق انسان و شبیه به آن، ممکن است قدیمی‌ترین متن قانونی که دولت مداران افغانستان پای آن امضاء و در دفاع از کرامت و آزادی انسان‌ها، خود را بدان ملزم ساخته اند، تصدیق و تعهد به توافقنامه بین‌المللی برای لغو بردگی منعقد ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۶ و ضمیمه امحای غلامی؛ می‌باشد که کشور افغانستان - بالترتیب - در سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۴۵ ه.ش، بدان‌ها ملحق گردیده است.

ضمیمه میثاق بین‌المللی امحای غلامی، که در ۷ سپتمبر ۱۹۵۶ (معادل ۱۶ سنبله ۱۳۳۵) در ژنیو منعقد و دارای ۶ فصل و ۱۵ ماده بوده است، هرچند به محو بردگی اختصاص یافته و در آن، از قاچاق انسان با مفهوم معاصر و صریح آن، نامی برده نشده است، اما ملاحظه می‌گردد که ماده‌های ۳، ۵ و ۶ آن عملاً

هرگونه اقدام به برده گیری یا روش های مشابه آن را جرم انگاری و مرتکب آن را قابل مجازات دانسته است، که شبیه به این حکم، برخی صاحب نظران معاصر نیز، برخی از رفتارهای جرمی قاچاق انسان را نوعی از " بردگی مدرن و معاصر " خوانده اند، زیرا از حیث شیوه، نتایج و آثار، با همان بردگی قبلی همسان می باشد.

دولت شاهی وقت، بنابر فیصله شماره ۲۰۷۹ مؤرخ ۴ میزان ۱۳۴۵ مجلس وزراء (مطابق ۲۶ سپتمبر ۱۹۶۶) و طی فرمان تقنینی شاهانه شماره ۶۴۴ - ۲۳۵۰ مؤرخ ۶ میزان ۱۳۴۵، به این ضمیمه میثاق بین المللی ملحق و الحاق افغانستان به میثاق مذکور در جریده رسمی شماره ۷۳ مؤرخ ۱۵ حوت ۱۳۴۵، به نشر رسیده است.

اما در رابطه به جرم انگاری قاچاق انسان و مجازات آن در قوانین جزایی کشور، طی سطور بعدی بحث خواهد شد:

فرع اول: قانون جزای افغانستان:

قانون جزای افغانستان در سال ۱۳۵۵ تصویب و نشر رسید، اما در آن هیچ رفتاری تحت جرم قاچاق انسان، جرم انگاری نگردیده است، هرچند ضمن ماده های ۴۱۸ - ۴۲۵ خویش که به جرم اختطاف تخصیص یافته است، از رفتارهای مشابه به آنچه که امروز وصف جرمی قاچاق انسان را به خود می گیرد، نام برده و آن را جرم انگاری نموده است، مانند اختطاف بدون حیله و اکراه (ماده ۴۲۰) و یاهم اختطاف با حیله و اکراه (ماده ۴۲۱)، اما چنانچه گفته شد، بازهم وصف جرمی اختطاف بدان نسبت داده شده است.

فرع دوم: فرمان شماره ۴۷ رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در مورد تشدید مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق اطفال:

این فرمان که به شماره ۴۷ و به تاریخ ۱۳۸۳/۴/۱۳ از طرف رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان، توشیح گردیده است، می توان گفت که اولین فرمان تقنینی اختصاصی در رابطه به قاچاق انسان، به شمار

می آید، طی این فرمان ۸ ماده ای، برای اولین بار از قاچاق اطفال نام برده شده و مرتکبین آن مستوجب مجازات دانسته شده اند.

اما قابل ذکر است که جرم جدید مندرج این فرمان یعنی قاچاق اطفال، از جمله جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به شمار آمده و توسط خانونالی و محاکم اختصاصی امنیت داخلی و خارجی، قابل پیگرد و محاکمه دانسته شده بود.

ماده دوم این فرمان تصریح میدارد که: "قضایای اختطاف و قاچاق اطفال که از جانب باندهای جنایتکار و سازمان یافته به سطح بین المللی ارتکاب می یابد، بحيث جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور پنداشته شده و صلاحیت رسیدگی آن به محکمه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی تفویض می گردد.

ماده چهارم این فرمان نیز به تطبیق حالات مشدده مندرج ماده های ۱۸ و ۱۹ قانون جزا، در حق مرتکبین قاچاق اطفال و همچنان ماده ششم این فرمان به محرومیت آنان از تخفیفات قضائی، حکم می کند، که این روش یعنی تشدید مجازات اختطاف کننده گان و قاچاقچیان اطفال، جدیت و قاطعیت دولت وقت در امر مبارزه با قاچاق اطفال را انعکاس می دهد.

فرع سوم: قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان:

این قانون که حاوی ۴ فصل و ۲۳ ماده بوده و طی فرمان شماره ۵۲ مؤرخ ۱۳۸۷/۴/۲۴ رئیس جمهوری اسلامی افغانستان توشیح و به تاریخ ۲۵ سرطان ۱۳۸۷ در جریده رسمی شماره (۹۵۲) به نشر رسیده است؛ در حقیقت اولین قانون اختصاصی و جامع برای مبارزه و جلوگیری از قاچاق انسان، در کشور به شمار می آید.

قانون مذکور افزون بر تعریف قانونی جرایم اختطاف و قاچاق و تعیین مجازات مرتکبین آن، در رابطه به حمایت و کمک به مجنی علیه نیز احکامی را تنظیم نموده بود. ماده ۲۳ قانون مذکور نیز حکم نموده بود که با انفاذ قانون مذکور ماده های ۳۵۶ و ۴۱۸ الی ۴۲۴ قانون جزا و همچنان فرمان شماره ۴۷، مؤرخ ۱۳۸۳/۴/۱۳ رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در مورد تشدید مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق اطفال و سایر احکام مغایر آن، ملغی شمرده می شود.

ناگفته نماند که ماده چهارم این قانون، به منظور مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان و تأمین هماهنگی درین زمینه، میان مراجع ذیربط، برای اولین بار به ایجاد کمیسیون عالی مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان در کشور، تحت ریاست وزیر عدلیه، حکم نموده بود.

فرع چهارم: قانون مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران:

این قانون که حاوی ۶ فصل و ۲۹ ماده است، به تاریخ ۱۰ دلو ۱۳۹۵ در جریده رسمی شماره ۱۲۴۴، نشر و نافذ و با انفاذ آن، قانون قبلی مبارزه با اختطاف و قاچاق انسان سال ۱۳۸۷ ملغی گردید.

در این قانون برای جلوگیری و مبارزه با قاچاق انسان، موارد بهتر و بیشتری نسبت به قانون سال ۱۳۸۷ در نظر گرفته شده و موارد ذیل از جمله شاخص‌ها و نکات عمده مندرج این قانون به شمار می‌آید:

- ا. ازدیاد وصف جدید جرمی تحت وصف قاچاق مهاجران.
- ب. تعریف اصطلاحات قانونی ذیربط با دقت و توسعه بیشتر.
- ج. ایجاد کمیسیون عالی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران با ترکیب اعضای بیشتر.
- د. ارتقای موقف رسمی اعضای آن از نمایندگان برخی وزارت‌ها به معینان آن وزارت.
- ه. ایزاد مکلفیت‌ها و صلاحیت‌های بیشتر برای کمیسیون مذکور.
- و. ایجاد کمیسیون‌های ولایتی مبارزه با قاچاق انسان و مهاجران.
- ز. تعیین مکلفیت و تأمین همکاری و هماهنگی میان ادارات ذیربط در سطح ملی و بین‌المللی.
- ح. ایجاد حساب بانکی خاص برای جمع‌آوری وجوه عائده از جرایم قاچاق انسان، و تخصیص آن برای مبارزه با قاچاق انسان.

فرع پنجم: کود جزا:

با صدور کود جزای کشور (منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۶۰ مؤرخ ۲۵ ثور ۱۳۹۶) احکام و مجازات جرایم قاچاق انسان و قاچاق مهاجران، بار دیگر تحت فصل‌های سوم و چهارم باب ششم (جرائم سازمان یافته) و ضمن ماده‌های (۵۱۰ الی ۵۲۸) این کود تنظیم گردید. ضمناً بر اساس فقره (۳۰) ماده ۹۱۶ کود جزا، با صدور این کود، مواد دهم تا بیست و یکم و فقره‌های (۲) و (۳) ماده بیست و دوم قانون مبارزه

با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۴۴ سال ۱۳۹۵ ه.ش، ملغی گردیده است.

مواد فوق الذکر، فصل سوم این قانون و احکام مجازات قاچاق انسان و قاچاق مهاجران را احتوا نموده بود که بموجب کود جزا لغو گردیده است، بدین معنی که سایر احکام مندرج این قانون، همزمان با کود جزا قابل تطبیق و مرعی الاجرا می باشد.

قابل ذکر است که در کنار احکام سایر ماده‌های این قانون که بعد از صدور کود جزا، مرعی الاجراء می باشد، یکی هم ماده سوم این قانون است که به تعریف اصطلاحات این قانون اختصاص یافته است، اما چنانچه دیده می شود در تعریف جرم قاچاق انسان، میان تعریف وارده در این قانون و تعریف وارده در کود جزا، تفاوت‌های اندکی دیده شده و ممکن است اشکالات را در تعریف و تحقق این جرم ایجاد نماید. که ان شاء الله در فصل دوم این چپتر به جزئیات آن پرداخته خواهد شد.

مطلب دوم: اقدامات عملی:

دولت جمهوری اسلامی افغانستان در راستای مبارزه با قاچاق انسان، ادارات ویژه را به صورت مستقل و یاهم تحت چتر ارگان‌های عدلی و قضایی ایجاد نمود، تا از یک طرف در امر مبارزه با این پدیده شوم، به صورت مسلکی و اختصاصی به پیش‌رود و از سوی دیگر در هماهنگ ساختن و مؤثریت تلاش‌های ادارات ذیربط، ارتقای مسلکی کارمندان مربوط و توحید فعالیت‌های مطلوب، نقش بهتری را ادا نماید. ازین‌رو ایجاد کمیسیون‌ها و ادارات مستقلی چون: کمیسیون عالی مبارزه با قاچاق انسان در مرکز، کمیسیون‌های ولایتی در سطح ولایات و شبکه ملی مبارزه با قاچاق انسان را می توان از جمله اقدامات دانست که تا به حال در کشور ایجاد گردیده و تحت این مطلب تلاش خواهد شد تا ادارات یاد شده را که عملاً در عرصه مبارزه با قاچاق انسان فعالیت دارند، مختصراً به معرفی گرفته شود:

فرع اول: کمیسیون عالی مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان:

این کمیسیون اساساً به موجب ماده چهارم قانون مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان سال ۱۳۸۷، و به منظور مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان و تأمین هماهنگی میان مراجع ذیربط، تحت

ریاست وزیر عدلیه به ترکیب و عضویت ۱۴ تن از نمایندگان وزرات‌ها، ادارات مستقل و نهادهای ذیربط تشکیل گردیده و وظایف و صلاحیت این کمیسیون نیز در ماده پنجم همین قانون مشخص گردید.

اما کمیسیون مذکور عملاً در سال ۱۳۹۰ تشکیل و در همین سال به کار خویش آغاز نمود.^۱ سپس با صدور قانون جدید مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران در سال ۱۳۹۵، و براساس ماده چهارم این قانون، تعداد اعضای این کمیسیون از ۱۴ عضو به ۱۶ عضو ازدیاد یافته و همزمان با آن سطح حضور ممثلین وزرات‌ها و وظایف آنان، در ترکیب این کمیسیون تعیین گردید.

ماده چهارم قانون مذکور در رابطه به تشکیل و ترکیب کمیسیون مذکور تصریح می‌دارد که:

" (۱) به منظور مبارزه با جرایم قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و تأمین هماهنگی میان مراجع ذیربط در زمینه، کمیسیون عالی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران که بعد از این به نام کمیسیون عالی یاد می‌شود، تحت ریاست وزیر عدلیه به ترکیب ذیل ایجاد می‌گردد:

- ۱- معین ارشد امنیتی وزرات امور داخله به حیث معاون.
- ۲- معاون لوی شارنوالی در امور تحقیق به حیث منشی.
- ۳- عضو ستر محکمه به حیث عضو.
- ۴- معین وزرات امور خارجه به حیث عضو.
- ۵- معین وزرات کار و امور اجتماعی، شهداء و معلولین به حیث عضو.
- ۶- معین وزرات ارشاد، حج و اوقاف به حیث عضو.
- ۷- معین وزرات معارف به حیث عضو.
- ۸- معین وزرات امور زنان به حیث عضو.
- ۹- معین وزرات امور مهاجرین و عودت‌کننده‌گان به حیث عضو.
- ۱۰- معین وزرات صحت عامه به حیث عضو.

^۱ - <https://www.pajhwok.com/dr/۲۰۱۷/۱۲/۱۱>

- ۱۱- معین وزارت اطلاعات و فرهنگ به حیث عضو.
 - ۱۲- معاون ریاست عمومی امنیت ملی به حیث عضو.
 - ۱۳- عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به حیث عضو.
 - ۱۴- رئیس اتحادیه حقوق دانان به حیث عضو.
 - ۱۵- رئیس انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان به حیث عضو.
 - ۱۶- رئیس یکی از نهادهای جامعه مدنی ذیربط به انتخاب کمیسیون عالی، به حیث عضو.
- با مقایسه ماده‌های چهارم هردو قانون، دیده می‌شود که عضو ستره محکمه، رئیس اتحادیه حقوق دانان، رئیس انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان و رئیس یکی از نهادهای جامعه مدنی ذیربط به انتخاب کمیسیون عالی؛ به حیث اعضای جدید، و معینان برخی از وزارت‌ها به جای نمایندگان آنان، شامل این کمیسیون گردیده‌اند. البته سکرتریت این کمیسیون نیز به موجب بند دوم همین ماده به عهده وزارت عدلیه گذاشته شده است.

همزمان با تغییر ترکیب و اعضای این کمیسیون، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مذکور نیز در ماده پنجم قانون مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران ۱۳۹۶ تعدیل یافته و طبق این ماده، کمیسیون مذکور دارای وظایف و صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

- ا. طرح برنامه‌ها به منظور مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و حمایت از مجنی علیه بخصوص زنان، اطفال و مهاجران قاچاق شده و نظارت از آن.
- ب. تأمین هماهنگی بین ادارات و مراجع ذیربط در امر مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران.
- ج. جمع‌آوری معلومات و اطلاعات در مورد قضایای مرتبط به قاچاق انسان و قاچاق مهاجران در سطح کشور و نشر آن.
- د. ارزیابی عوامل قاچاق انسان و قاچاق مهاجران در سطح کشور و نشر یافته‌ها و نتایج آن.
- ه. طرح و تطبیق برنامه‌ها به منظور بلند بردن سطح آگاهی مردم جهت جلوگیری از قاچاق انسان و قاچاق مهاجران.
- و. ارائه پیشنهاد مبنی بر تعدیل احکام این قانون و طی مراحل مقرر.

- ز. وضع طرزالعمل‌ها به منظور تطبیق احکام این قانون.
- ح. بررسی فعالیت‌های کمیسیون عالی و کمیسیون‌های ولایتی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و اتخاذ تصمیم لازم در زمینه.
- ط. ترتیب گزارش سالانه فعالیت کمیسیون عالی و کمیسیون‌های ولایتی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و ارائه آن به حکومت.
- ی. اجرای سایر وظایف که از طرف حکومت به آن محول می‌گردد.

بر اساس ماده ششم این قانون، جلسات عادی کمیسیون عالی در هر سه ماه یک بار و جلسات فوق العاده آن به پیشنهاد یک ثلث اعضاء و یا تصمیم رئیس کمیسیون عالی دایر شده می‌تواند. ضمناً اعضای کمیسیون عالی مکلف اند، گزارش ربعوار فعالیت‌های اداره مربوط را به سکرتریت کمیسیون عالی ارایه نمایند. البته طرز فعالیت کمیسیون عالی نیز توسط طرزالعمل تنظیم می‌گردد.^۱

ماده هفتم این قانون نیز حکم می‌نماید تا به منظور تسهیل فعالیت کمیسیون عالی، یک کمیته تخنیکی متشکل از نمایندگان با صلاحیت ادارات عضو کمیسیون تشکیل گردیده و طرز فعالیت آنان نیز در طرزالعمل تنظیم گردد.

از جمله دست آوردها و فعالیت‌های این کمیسیون و نهادهای همکار با آن، می‌توان از موارد ذیل به حیث نمونه یاد آوری کرد:

- پیگیری ۵۶۸ قضیه قاچاق انسان، محاکمه ۲۴۵ تن (زن و مرد) در پیوند به این قضایا، شناسایی ۳۷۶ شبکه قاچاق انسان، و جلوگیری از فرار ۷۲۰ تن از نوجوانان به خارج از کشور، در سال ۱۳۹۵ هـ.ش.^۲

^۱ - لایحه طرزالعمل کمیسیون عالی مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان در جلسه که روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۹ تحت ریاست ثارنپوه حبیب الله غالب وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان در تالار کنفرانس های آن وزارت دایر گردیده بود، توسط کمیسیون مذکور به تصویب رسید.

• بازداشت و معرفی ۹۵ قاچاقبر به نهادهای عدلی، شناسائی بیش از ۱۰۶ شبکه قاچاق انسان با هماهنگی و همکاری امنیت ملی کشور، و اجرای عملیات بالای ۲۸ شبکه آن در سال ۱۳۹۶ هـ.ش^۱.

• کشف و تعقیب ۱۲۲ قضیه قاچاق انسان و بازداشت ۱۶۳ تن در پیوند به این قضایا، شناسائی ۵۵ شبکه قاچاق انسان و بازداشت ۴۱ نفر از اعضای شبکه های مذکور در سال ۱۳۹۷ هـ.ش^۲.

همچنان بر اساس یک معلومات دیگر که از جانب اداره محترم لوی څارنوالی کشور مطالبه و تهیه گردیده است، از سال ۱۳۹۵ الی ختم سال ۱۳۹۸ هـ.ش، مجموعاً ۴۹۵ نفر ضمن ۳۹۹ قضیه جرایم قاچاق انسان و مهاجران، از طرف این اداره مورد پیگرد و رسیدگی قرار گرفته و در نتیجه ۲۳۳ تن آنان، از جانب محاکم کشور، درین راستا محکوم و ملزم شناخته شده اند. همچنان مجموع قربانیان قاچاق در این مدت، به ۴۲ نفر بزرگسال و ۳۲ طفل، می رسد که همه آنان اتباع کشور افغانستان اند.^۳

فرع دوم: کمیسیون های ولایتی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران:

کمیسیون های ولایتی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران نیز به موجب ماده هشتم قانون مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران (۱۳۹۵) به منظور مبارزه مؤثر با این جرم در سطح ولایات کشور، تحت ریاست والی هر ولایت و و به ترکیب ذیل ایجاد شده است:

۱- قوماندان امنیه به حیث معاون.

۲- رئیس عدلیه به حیث منشی.

۳- رئیس محکمه استیناف به حیث عضو.

۱- <http://old.moj.gov.af/fa/page/spokesperson-office/۱۰۴۳۹۳>، <https://www.dw.com/fa->

۲- http://www.dailyafghanistan.com/national_detail.php?post_id=۱۴۹۷۱۹

۳- معلومات یاد شده، بر اساس مطالبه دیپارتمنت کریکولم موسسه (IDLO) در هنگام بازنگری این چپتر و به وسیله محترم جمشید رسولی، سخنگوی و مشاور ارشد مقام محترم لوی څارنوالی، و همکاران محترم شان در ریاست عمومی سارنوالی مبارزه علیه جرایم امنیت داخلی و خارجی، که مسؤولیت پیگیری جرایم قاچاق انسان را نیز به عهده دارد، به تاریخ ۵ مه می ۲۰۲۰م تهیه و ارائه شده است، که از همکاری و لطف شان ممنون و متشکریم.

- ۴- رئیس خازنوالی مبارزه با جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به حیث عضو.
 - ۵- رئیس کار و امور اجتماعی، شهداء و معلولین به حیث عضو.
 - ۶- رئیس ارشاد، حج و اوقاف به حیث عضو.
 - ۷- رئیس امنیت ملی به حیث عضو.
 - ۸- رئیس امور زنان به حیث عضو.
 - ۹- رئیس امور مهاجرین و عودت کننده گان به حیث عضو.
 - ۱۰- رئیس معارف به حیث عضو.
 - ۱۱- نماینده امور خارجه (در صورت موجودیت) به حیث عضو.
 - ۱۲- رئیس اطلاعات و فرهنگ به حیث عضو.
 - ۱۳- رئیس صحت عامه به حیث عضو.
 - ۱۴- نماینده اتحادیه حقوق دانان به حیث عضو.
 - ۱۵- رئیس ساحوی یا ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به حیث عضو.
 - ۱۶- نماینده انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان به حیث عضو.
 - ۱۷- نماینده جامعه مدنی به انتخاب کمیسیون ولایتی به حیث عضو.
- و سکرتریت کمیسیون ولایتی نیز به موجب بند دوم همین ماده به عهده ریاست عدلیه ولایت مربوطه می‌باشد.

جلسات عادی کمیسیون‌های ولایتی نیز طبق ماده نهم این قانون در هر سه ماه یک بار و جلسات فوق العاده آن‌ها به پیشنهاد یک ثلث اعضا و یا تصمیم رئیس کمیسیون ولایتی دایر شده می‌تواند. اعضای کمیسیون‌های ولایتی نیز مکلف اند تا گزارش ربع وار فعالیت‌های اداری مربوط شان را به سکرتریت کمیسیون ولایتی ارایه نمایند.

فرع سوم: شبکه مبارزه علیه قاچاق انسان در افغانستان: (ANCTIP)

شبکه مبارزه علیه قاچاق انسان یا (Afghanistan Network for Combating Trafficking in Persons) یک نهاد غیر دولتی می‌باشد که متشکل از نهادهای جامعه مدنی و سازمان‌های غیر حکومتی بوده و در

ماه جولای ۲۰۱۷ به کمک و همکاری موسسه بین المللی مهاجرت در افغانستان، تشکیل شده است. غرض از ایجاد این شبکه، مبارزه علیه قاچاق انسان در گستره ملی و بین المللی و هم‌رسانی تجارب نهادهای مرتبط، می‌باشد.

شبکه مبارزه علیه قاچاق انسان در افغانستان (ANCTIP) مجموعه‌ای از سازمان‌های مسلکی جامعه مدنی (CSOs) بوده و تلاش دارد تا واکنش افغانها علیه قاچاق انسان را تقویت بخشیده و در مبارزه با قاچاق انسان، از دولت افغانستان حمایت خوبی بتواند. ساحه فعالیت این سازمان ملی و فراملی می‌باشد.

این شبکه به عنوان یک سامانه غیر دولتی و غیر انتفاعی اهداف ذیل را هم رسانی می‌کند:

۱. ایجاد هماهنگی میان نهادهایی که در راستای مبارزه علیه قاچاق انسان فعالیت می‌کنند.
۲. دادخواهی از حقوق نهادها و افراد دخیل در این فرایند.
۳. پیشبرد اهداف انکشاف پایدار در راستای مبارزه علیه قاچاق انسان در افغانستان.

فعالیت‌های این شبکه در عرصه‌های ذیل خلاصه می‌گردد:

۱. آگاهی عامه برای مبارزه علیه قاچاق انسان در افغانستان و ریشه کن نمودن آن برای یک آینده بهتر.
۲. تلاش برای حاکمیت قانون مبارزه علیه قاچاق انسان در جامعه.
۳. بلندبردن سطح آگاهی مردم در مورد قانونمندی و ارزش آن برای ترقی و سعادت در کشور.
۴. ارائه داده‌های اطلاعاتی در مورد قاچاق انسان.
۵. مبارزه در راستای از میان بردن تمامی انواع قاچاق انسان و فعالیت‌های مرتبط به آن.
۶. ظرفیت پروری نهادهای عضو بخاطر تطبیق بهتر برنامه‌های مؤثر در این راستا.
۷. هم‌رسانی معلومات و تجارب میان اعضاء در رابطه به وضعیت زنان، مردان، جوانان و اطفال.
۸. ایجاد روابط کاری میان شبکه و نهادهای همگون دولتی یا غیر دولتی، ملی یا بین دولتی.
۹. تشویق ترغیب و تقدیر نمودن نهادهای فعال و مبتکر در راستای مبارزه علیه قاچاق انسان.

۱۰. آگاهی دهی حقوقی در بستر سازمان‌های فعال و همچنان به صورت گسترده در بستر اجتماعی در راستای مبارزه علیه قاچاق انسان.

۱۱. امضاء تفاهم نامه‌ها با نهادهای حکومتی و غیر حکومتی، ملی و بین‌المللی بخاطر پیشبرد اهداف شبکه.^۱

گفتار دوم: اقدامات بین‌المللی:

قاچاق انسان، یک مشکل جهانی و فراگیری است که اغلب کشورهای عضو این کره خاکی، در صدد مقابله و مبارزه با آن، برآمده اند، تصویب قوانین داخلی، صدور و تصدیق معاهدات و پیمان‌های بین‌المللی، ایجاد ادارات و نهادهای ویژه ملی و بین‌المللی برای مقابله عملی با این جرم را، را می‌توان از جمله فعالیت و اقدامات دانست که در سطح جهان برای از میان برداشتن این جرم، برداشته شده و می‌شود. تحت این گفتار، ابتدا به اقدامات قانونی و سپس به معرفی ادارات و نهادهای بین‌المللی که برای مبارزه با قاچاق انسان ایجاد شده است، پرداخته خواهد شد.

مطلب اول: قوانین و معاهدات بین‌المللی:

مبارزه با قاچاق انسان در اسناد و مصوبات بین‌المللی تاریخچه قدیمی دارد و دیده می‌شود که کشورهای جهان چه به صورت ملی و چه به صورت بین‌المللی درین راستا توجه شایانی نموده و قوانین و مصوبات متعددی را تدوین، امضاء و به آن ملحق گردیده اند که ذیلاً به آن‌ها اشاره خواهد شد:

فرع اول: معاهده محو برده گی، منعقد ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۶ در ژنو:^۲

^۱ - این معلومات به اساس تماس با مسؤولین محترم شبکه نهادهای جامعه مدنی، و همکاری و ایمیل ارسالی پروگرام افسر ارشد موسسه OFRD ، به تاریخ ۲۸ اپریل ۲۰۲۰م، بدست آمده است، که با اندک تصرف در اینجا نقل گردید.

^۲ - ازینکه بردگی، قاچاق انسان و قاچاق مهاجران، از جمله موضوعاتی است که باهم ارتباط تنگاتنگی داشته و گاهی یکی وسیله و یا نتیجه دیگر قرار می‌گیرد، ویا به شیوه‌های مشابه و توسط گروه‌ها و باندهای مشترک په پیش برده می‌شود، ازین رو در راستای اقدامات عملی برای مبارزه با

این معاهده هرچند به محو بردگی اختصاص یافته است، اما در متن آن از منع خرید و فروش، کار اجباری و برخی رفتارهای دیگری نام برده است که در عصر حاضر وصف جرمی قاچاق انسان بدان داده می‌شود و در همه احوال، این معاهده در سطح بین‌المللی برای محو بردگی و جلوگیری از مجموعه رفتارهای جرمی که کرامت انسانی را پامال و آزادی وی را به گونه کلی یا جزئی سلب می‌کرد، گام مهم و تاریخی دانسته می‌شود.

این معاهده به تاریخ ۲۳ اکتوبر ۱۹۵۳ و بموجب قرار شماره ۷۹۴ اجتماع عمومی ملل متحد، طی ۵ ماده دیگر تعدیل، و تعدیلات متذکره از تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۵۳ قابل تنفیذ دانسته شد.

فرع دوم: معاهده کار اجباری، ۱۹۳۰ و منع کار اجباری ۱۹۵۷:

معاهده کار اجباری به تاریخ ۲۸ جون ۱۹۳۰ از جانب کنگره عمومی سازمان جهانی کار مورد اعتماد قرار داده شده و از تاریخ اول می ۱۹۳۲ مرعی الاجراء دانسته شد.

ماده اول این توافقنامه ۳۳ ماده ای، کشورهای عضو را ملزم می‌سازد تا تمامی اشکال و شیوه‌های کار اجباری و استخدام جبری کارمندان را ممنوع قرار داده و در طی سال‌های آینده برای ازبین بردن نهائی آن، مساعی جدی شان را به خرج دهند.

در ماده دوم آن نیز کار اجباری و شیوه‌های آن تعریف و در عین حال، حالات استثنائی چون تمرینات نظامی، تطبیق احکام قضائی، مکلفیت‌های قانونی شهروندان، مسلط شدن حالات اضطراری و...، نیز وضاحت یافته است.

بادرنظرداشت این معاهده و سایر معاهدات مرتبط به حقوق و آزادی‌های انسان، کنگره عمومی سازمان بین‌المللی کار در ۲۵ جون ۱۹۵۷ توافقنامه دیگری را تحت عنوان (معاهده منع کار اجباری) در طی

قاچاق انسان نیز گاهی از معاهدات و مصوبات بین‌المللی نام برده می‌شود که مختص به بردگی بوده و برخی از رفتارهای جرمی در آن درج گردیده است که در عصر حاضر وصف جرمی قاچاق انسان را به خود می‌گیرد، لذا در معرض معرفی از اقدامات عملی برای مبارزه با قاچاق انسان در سطح بین‌المللی ناگزیریم ازهمجو فعالیت‌ها، قوانین و نهادها نیز نام ببریم.

۱۰ ماده، به تصویب رسانید، که بر اساس آن کشورهای عضو این سازمان جهانی ملزم گردیدند تا تمامی اشکال و شیوه‌های کار اجباری را غیر مجاز دانسته و به هیچ سببی از اسباب سیاسی، نژادی، جزائی و یا علت دیگری، به استخدام اشخاص در کارهای اجباری متوسل نشوند.^۱

معلومات بدست آمده نشان میدهد که افغانستان از جمله ده کشوری است که تاهنوز این توافقنامه را امضاء نکرده است.^۲

فرع سوم: پرتوکول الحاقی کنوانسیون بین المللی بالیرمو در مورد قاچاق انسان:

سازمان ملل متحد در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰م، مصوبه^۳ را در مورد جرایم سازمان یافته بین المللی به امضاء رسانید، که به تعقیب آن پرتوکول الحاقی در مورد منع، کاهش و مجازات قاچاق انسان، به ویژه زنان و اطفال، را نیز به تصویب رسانید که ضمیمه و تکمیل مصوبه قبلی در مورد جرایم سازمان یافته، به شمار می آید.

در این پرتوکول، افزون برینکه جرم قاچاق انسان تعریف و جزئیات مرتبط به آن توضیح داده شده است، به کشورهای عضو تأکید گردیده است تا در رابطه به جرم انگاری قاچاق انسان قوانین لازم را تصویب و برای مبارزه با این جرم، اقدامات لازمه را روی دست گیرند، در رابطه به حمایت از قربانیان قاچاق انسان، برگشتاندن آنان به کشورهای مصدر، همکاری و تبادل معلومات و سایر اقدامات لازم برای محو و جلوگیری این جرم، رهنمودها و اقدامات پیشگیرانه لازم، نیز در نظر گرفته شده است.

قابل ذکر است که کشور افغانستان به تاریخ ۱۳۹۳/۴/۲۱، بعد از تصویب مجلسین، طی فرمان شماره ۵۸ رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، به این پرتوکول ملحق، والحق مذکور در جریده رسمی شماره ۱۱۶۵ مؤرخ ۱۲ حوت ۱۳۹۳ ه.ش، نشر گردیده است.^۳

مطلب دوم: اقدامات و برنامه‌های عملی:

^۱ - الشاعر، رامیا، الاتجار بالبشر، ۸۹ - ۱۷۰.

^۲ - <https://ar.wikipedia.org/wiki>، تاریخ بازدید ۲۸ اپریل ۲۰۲۰.

^۳ - جریده رسمی شماره ۱۱۵۶، مؤرخ ۱۲ حوت ۱۳۹۳، متن معاهده بالیرمو ۲۰۰۰، نسخه PDF گرفته شده از سایت ملل متحد.

افزون بر تشریح قوانین و انعقاد پروتوکول‌ها و معاهدات در سطح بین‌المللی، در راستای مبارزه با قاچاق انسان و حمایت از آزادی‌ها و حقوق انسان، برخی از اقدامات و برنامه‌های عملی دیگر از طریق سازمان‌ها و نمایندگی‌های چون، مجمع عمومی، کمیسیون حقوق بشر، دفتر ملل متحد برای مهاجرین، سازمان ملل متحد برای اطفال (یونیسف) و سائر جهات ذیربط، صورت گرفته است که ذیلاً به آن‌ها اشاره خواهد شد:

فرع اول: صندوق اعتماد داوطلبانه سازمان ملل برای مبارزه با اشکال معاصر بردگی: (UNVTFCS) صندوق اعتماد داوطلبانه سازمان ملل برای مبارزه با اشکال معاصر بردگی یا (The United Nations Voluntary Trust Fund on Contemporary Forms of Slavery) در سال ۱۹۹۱ و بموجب قرار شماره ۴۶/۱۲۲ مجمع عمومی ملل متحد، ایجاد گردید. بیشتر از ۴۰۰ سازمان در ۹۵ کشور جهان با این صندوق همکاری داشته و در نتیجه آن، به هزاران قربانی کمک شده است تا بتوانند دوباره به زندگی طبیعی شان در جامعه، برگردند.

هدف از ایجاد این صندوق، تقدیم مساعدات لازم برای آن عده اشخاصی است که حقوق انسانی آنان در نتیجه قاچاق انسان یا بردگی معاصر، صدمه دیده است، این صندوق کمک‌های مستقیم انسانی، قانونی و مالی خویش را برای قربانیان و سازمان‌های غیر دولتی تقدیم و در عین حال کمک‌های دولتی، سازمان‌های غیر دولتی و نهادهای خصوصی و عمومی را جمع‌آوری می‌کند.

تنظیم یک مسابقه سالانه و اعطای جوایز برای برندگان آن و همچنان دعوت به ارایه پیشنهادات سالانه جزء دیگری از فعالیت‌های این صندوق به شمار می‌آید.

اداره این صندوق توسط کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، و تحت نظر هیئت امناء، که از کارشناسان مستقل پنج منطقه جهان تشکیل شده است. به پیش برده می‌شود، هیئت مذکور سالانه یک

بار برای تعیین اولیت‌های کاری و تصویب رهنمایی‌ها لازم، جمع می‌شود. این شورا سالی یک بار برای تعیین اولویت‌ها و اتخاذ اجراءات لازم، تشکیل جلسه می‌دهد.^۱

فرع دوم: گروه جهانی مهاجرت یا (Global Migration Group):

در آغاز سال ۲۰۰۶ م سرمنشی ملل متحد، بنابر توجیحات کمیسیون ویژه جهانی مهاجرت بین المللی، اقدام به تشکیل گروه ویژه مهاجرت زد، تا گروه مشترک از مسؤولین بلند پایه نهادها و سازمان‌های ملل متحد، در رابطه به فعالیت‌های مربوط به مهاجرت گرد هم آیند.

تقویت حقوق بشر، حقوق کارگران، ابعاد عدالت جزائی و مدیریت مهاجرت‌ها، حمایت از حقوق ورفاهیت مهاجران و ترکیز روی حقوق قربانیان قاچاق انسان، در صدر اهداف و کارکردهای این گروه قرار دارد:

این گروه متشکل از ده سازمان ذیل است که با جدیت در رابطه به مسایل متعلق به مهاجرت جهانی و امور مربوط به آن فعالیت دارد:

- ۱- سازمان جهانی کار (ILO)
- ۲- سازمان جهانی مهاجرت (IOM).
- ۳- کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (UNCTAD).
- ۴- سازمان انکشافی بین الملل (UNCTAD).
- ۵- دفتر ملل متحد برای امور اجتماعی و اقتصادی (UN-DESA).
- ۶- صندوق جمعیت سازمان ملل (UNFPA).
- ۷- کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل (OHCHR).
- ۸- کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان (UNHCR).
- ۹- دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC).
- ۱۰- بانک جهانی.

^۱ - <https://www.ohchr.org/AR/Issues/Slavery/UNVTFCS/Pages/WhattheFundis.aspx>

مهمترین اهداف و فعالیت‌های این گروه را امور ذیل تشکیل می‌دهد:

- ❖ سهمگیری و آماده‌گیری برای مذاکرات در سطوح بلند مجمع عمومی ملل متحد، در امور مهاجرت و انکشاف و همچنین پیگیری نتایج این گفتگوها.
- ❖ تبادل اطلاعات، نتایج تحقیقات و آمارگیری‌ها، به ویژه در موضوعات مربوط به مهاجرت و توسعه.
- ❖ تشکیل یک شبکه مشترک برای تحقیق در مورد مهاجرت و موضوعات انکشافی، با تأکید ویژه بر ایجاد ظرفیت‌های تحقیقی و مطالعوی در کشورهای در حال توسعه.
- ❖ راه‌اندازی آموزش‌های مشترک و تدویر برنامه‌های ارتقای ظرفیت در زمینه‌هایی چون: مدیریت مهاجرت، قانون مهاجرت، حقوق انسانی مهاجران، حمایت از پناهندگان، و مبارزه با قاچاق انسان و همچنین ایجاد ارتباط میان: مهاجرت، تجارت و انکشاف.^۱

فرع سوم: برنامه جهانی مبارزه با قاچاق انسان: (UNGIFT):

برنامه جهانی مبارزه با قاچاق انسان یا (United Nations Global Initiative to Fight Human Trafficking)، یکی از ابتکارات دیگر جهانی برای مبارزه با قاچاق انسان است. این برنامه در ماه مارس ۲۰۰۷ توسط:

- a. سازمان بین‌المللی کار (ILO)
 - b. دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR)
 - c. صندوق کودکان سازمان ملل (UNICEF)
 - d. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC)
 - e. سازمان مهاجرت بین‌المللی (IOM)
 - f. و سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE).
- در برازیل راه‌اندازی و آغاز گردید.

^۱ - <https://www.unhcr.org/ar/4be7cc2777v7v.html>

هدف از ایجاد این برنامه تقویت مبارزه جهانی علیه قاچاق انسان، بر اساس توافقنامه‌های جهانی، بالخصوص پروتوکول الحاقی بالیرمو در مورد منع، کاهش و مجازات قاچاق انسان، به ویژه زنان و اطفال، است که تا به حال ۱۴۰ کشور جهان، آنرا امضا و بدان ملحق گردیده و نظارت از این پروتوکول را کشور برازیل به عهده دارد.

در این برنامه که به مدیریت دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) و همکاری سایر اعضای یاد شده، به پیش برده می‌شود، تلاش می‌گردد تا حکومت‌های محلی، نهادهای مدنی و سایر موسسات ذیربط، دست به دست هم داده و برای مبارزه و معالجه تمامی قضایای قاچاق انسان چون استخدام، نقل، بهره برداری جنسی و غیره، مساعی مشترک شان را به خرج دهند.

البته انگیزه راه اندازی این برنامه از این جا نشأت نمود که موج روز افزون معلومات، پیش رفت سریع تکنالوژی، گسترش نظام جهانی سازی، و در عین حال ازدیاد سرسام آور نفوس در عصر کنونی، ارتکاب قاچاق انسان را نسبت به صد سال گذشته به مراتب آسانتر و سریعتر ساخته است، لذا سازمان‌ها و کشورهای یاد شده، در صدد آن گردیدند تا همگام با دوام و پیش رفت عوامل یاد شده؛ اقدامات و احتیاطات موازی، لازم و مقتضی را با راه اندازی این برنامه بین المللی، روی دست گیرند.^۱

^۱ - <https://www.unodc.org/lpo-brazil/en/trafico-de-pessoas/ungift.html>

نتیجه گیری

در خاتمه این فصل، خوانندگان محترم به نتایج ذیل دست خواهند یافت:

○ قاچاق انسان یکی از جرایم جهانی است که در کشور افغانستان نیز جرم انگاری گردیده و ماده ۵۱۰ کود جزای کشور، آنرا چنین تعریف نموده است:

(۱) قاچاق انسان: استخدام یا تحت تسلط قرار دادن، انتقال، حمل و نقل، نگهداری یا دریافت

شخص است به منظور بهره کشی با استفاده از شیوه‌های ذیل:

۱- تهدید یا استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار.

۲- اختطاف.

۳- حيله و فریب.

۴- سوء استفاده از نفوذ.

۵- سوء استفاده از حالت آسیب پذیری یا مجبوری.

۶- پرداخت یا دریافت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه جرم قاچاق انسان یا سرپرست وی.

(۲) تحت تسلط قرار دادن طفل به مقصد بهره کشی، گرچه از شیوه‌های مذکور استفاده نشده باشد، قاچاق انسان شناخته می‌شود.

(۳) بهره کشی: کسب منفعت از مجنی علیه از طریق خرید، فروش، بهره کشی جنسی، رقصانیدن، به خدمت گرفتن در تهیه تصاویر یا فلم‌های منافی اخلاق (پورنوگرافی)، بردگی، گماشتن به کار اجباری، گدایی، جنگ مسلحانه، برداشت عضو یا انساج بدن، آزمایشات طبی اجباری یا وادار نمودن به سایر فعالیت‌های غیر قانونی می‌باشد.

○ قاچاق انسان به شیوه‌ها و وسایل مختلفی چون: تهدید، استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار، اختطاف، حيله و فریب، سوء استفاده از نفوذ، سوء استفاده از حالت آسیب پذیری یا مجبوری و به وسیله انترنت، ارتکاب می‌یابد.

- کسب اموال و سرمایه‌های هنگفت، نبود قوانین بازدارنده در برخی کشورها، ضعف ایمان و غیاب وجدان، گسترش فقر و بیکاری، استبداد سیاسی و فقدان عدالت اجتماعی، عرف ناپسند و حاکم بر جامعه و توسعه پروژه‌های سیاحتی، از مهمترین اسباب و انگیزه‌های وقوع این جرم شناخته شده است.
- عمده ترین اهداف و مقاصد قاچاق انسان را بهره برداری جنسی، تجارت اعضای بدن، خدمت در منازل، کار خانه‌ها و مزرعه‌ها، کسب منافع مالی، استخدام در میداین جنگ، تگدی یا صدقه خواستن، تشکیل می‌دهد.
- عمده ترین اضرار اجتماعی قاچاق انسان را تجاوز بر حقوق انسان، از هم پاشیدن نظام خانوادگی، ازدیاد افراد معلول و باردوش جامعه، انتشار فساد اخلاقی و برهم خوردن آداب عمومی کشور، در نتیجه شیوع مراکز فساد و برگشت برخی از قاچاق شده گان و قربانیان بازار جنسی به جامعه، تشکیل می‌دهد.
- سهمگیری در رشد و تقویه جرایم سازمان یافته، بالا رفتن میزان بیکاری، افزایش جرایم پول شویی، تلاش و راه یافتن مجرمین حرفه وی در مناصب علیا و مؤثر اقتصادی وامینتی کشور، جستجوی سرمایه‌های خارجی، بدون در نظر داشت مشروعیت منابع آن‌ها، انتشار و توسعه اقتصاد مخفی بدون پرداخت مالیات و از دست دادن نیروی بشری، نیز از جمله اضرار سیاسی و اقتصادی؛ قاچاق انسان دانسته می‌شود.
- همچنان، خسته‌گی‌های مداوم روانی، منزوی شدن، خجالت زده گی همیشه‌گی، مبتلا شدن به امراض مهلک، ساری و مزمن دیگر در نتیجه اشتغال در بازارهای جنسی، از جمله بارزترین آثار روانی و صحتی جرم قاچاق انسان به شمار می‌آید.
- شمار قربانیان قاچاق انسان در جهان، به میلیون‌ها نفر می‌رسد که حدود ۸۰٪ آنان را زنان و اطفال تشکیل می‌دهند، حدود ۵۲ میلیون طفل، در حرفه‌ها و وظایفی بدنی کار می‌کنند که با نظام بردگی شباهت نزدیکی دارد، از این میان، تقریباً ۹۰٪ آنان اتباع کشورهای جهان سوم و از جمله کسانی اند که خانوادهٔ آنان، آنها را به فروش رسانیده و یا آنان را ترک نموده اند. از حدود ۱۲,۳ میلیون انسانی

که در جهان قربانی قاچاق و کار اجباری اند، تقریباً ۲,۴ میلیون آن، از کشورهای شان انتقال یافته و مورد تبادل و فروش قرار می‌گیرند.

○ موظفین و کارمندان فاسد و یا غافل دولتی به شمول، پولیس عمومی، پولیس سرحدی، توزیع کننده گان ویزه و مسؤلین سفارت خانه‌ها؛ کارشناسان اجتماعی، گردانندگان دفاتر ازدواج و همسریابی یا کار؛ داکتران و پرستاران؛ رسانه‌ها و دفاتر تبلیغاتی و برخی از قانون نگاران از جمله کسانی اند که آگاهانه یا ناآگاهانه در جرم قاچاق انسان دخیل می‌باشند.

○ مبارزه با جرم قاچاق انسان در سطح ملی و بین المللی به گونه دوامدار و منظم به پیش برده شده و این مبارزه شامل اقدامات قانونی و عملی مختلف می‌گردد.

○ از جمله اقدامات قانونی که در سطح ملی، در کشور اتخاذ گردیده است می‌توان از تدوین قوانین اختصاصی برای مبارزه با این جرم چون: فرمان شماره ۴۷ مؤرخ ۱۳۸۳/۴/۱۳ رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان، در رابطه به قاچاق انسان، قانون مبارزه علیه اختطاف و قاچاق انسان سال ۱۳۸۷، قانون مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران سال ۱۳۹۵، و کود جزای سال ۱۳۹۶ یاد آوری کرد.

○ همچنان ایجاد کمیسیون عالی مبارزه علیه جرایم اختطاف و قاچاق انسان، کمیسیون‌های ولایتی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و ایجاد شبکه مبارزه علیه قاچاق انسان در افغانستان (ANCTIP) را میتوان از جمله اقدامات عملی دانست که در راستای مبارزه با قاچاق انسان اتخاذ گردیده است.

○ در سطح بین المللی، معاهدات، کنوانسیون‌ها و مصوبات متعددی در رابطه به مبارزه با قاچاق انسان، منعقد و تصویب گردیده است که درین میان از معاهده محو بردگی، ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۶ ژنو، معاهده کار اجباری، ۱۹۳۰ و منع کار اجباری ۱۹۵۷ و پروتوکول الحاقی کنوانسیون بین المللی بالیرمو در مورد قاچاق انسان، نام برد.

ایجاد صندوق اعتماد داوطلبانه سازمان ملل برای مبارزه با اشکال معاصر بردگی (UNVTFCFS)، گروه جهانی مهاجرت یا (Global Migration Group) و برنامه جهانی مبارزه با قاچاق انسان: (UNGIFT)، را نیز میتوان از مهم‌ترین گام‌های عملی دانست که در سطح بین المللی، در عرصه مبارزه با قاچاق انسان، برداشته شده است.

فصل دوم

جرم قاچاق انسان و مجازات آن در کود جزای افغانستان

اهداف:

در پایان این جلسه آموزشی اشتراک کنندگان قادر به اجرای موارد زیر خواهند بود:

- ☞ تفکیک میان جرایم قاچاق انسان، قاچاق مهاجران و اختطاف.
- ☞ تشخیص عناصر جرم قاچاق انسان و اعطای وصف صحیح برای قضایای جرمی قاچاق انسان.
- ☞ تطبیق صحیح کود جزای افغانستان در رابطه به قضایای جرمی قاچاق انسان.

عناوین:

- تعریف قاچاق انسان مطابق کود جزا و فرق آن با قاچاق مهاجران و اختطاف.
- عناصر جرم قاچاق انسان
 - عنصر قانونی.
 - عنصر مادی.
 - عنصر معنوی.
- مجازات جرم قاچاق انسان
- معافیت مجنی علیه قاچاق انسان از تعقیب عدلی
- معافیت از مسئولیت جزایی و تخفیف مجازات

فصل دوم

جرم قاچاق انسان و مجازات آن در کد جزای افغانستان

کود جزای افغانستان در فصل سوم، باب ششم (کتاب دوم) که به جرایم سازمان یافته اختصاص داده شده است، احکام و مجازات جرم قاچاق انسان را ضمن یازده ماده قانونی (۵۱۰ الی ۵۲۰) تنظیم و بیان نموده است، که ماده ۵۱۰ آن به تعریف این جرم، و متباقی به بیان مجازات مرتکبین این جرم و سائر احکام ذیربط، پرداخته است.

در این فصل تلاش خواهد شد تا در روشنائی تعریف قانونی این جرم، ابتدا عناصر این جرم و سپس مجازات تعیین شده بر ارتکاب این جرم، مورد بحث و بررسی قرار داده شود.

مبحث اول: تعریف قاچاق انسان و فرق آن با قاچاق مهاجران و اختطاف:

نخست قاچاق انسان را تعریف سپس فرق آن با قاچاق مهاجران و اختطاف را بیان می‌کنیم تا اشتراک‌کننده‌ها نکات فرق میان این جرایم را شناسایی نموده و قضایای مشابه را وصف جرمی صحیح بدهند.

گفتار اول: تعریف قاچاق انسان:

ماده (۵۱۰) کد جزای افغانستان، قاچاق انسان را چنین تعریف می‌کند:

" (۱) قاچاق انسان: استخدام یا تحت تسلط قرار دادن، انتقال، حمل و نقل، نگهداری یا دریافت شخص است به منظور بهره‌کشی، با استفاده از شیوه‌های ذیل:

۱- تهدید یا استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار.

۲- اختطاف.

۳- حیله و فریب.

۴- سوء استفاده از نفوذ.

۵- سوء استفاده از حالت آسیب پذیری یا مجبوریت.

۶- پرداخت یا دریافت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه جرم قاچاق انسان یا سرپرست وی.

(۲) تحت تسلط قرار دادن طفل به مقصد بهره کشی، گرچه از شیوه‌های مذکور استفاده نشده باشد، قاچاق انسان شناخته می‌شود.

(۳) بهره کشی: کسب منفعت از مجنی علیه از طریق خرید، فروش، بهره کشی جنسی، رقصانیدن، به خدمت گرفتن در تهیه تصاویر یا فلم‌های منافی اخلاق (پورنوگرافی)، بردگی، گماشتن به کار اجباری، گدایی، جنگ مسلحانه، برداشت عضو یا انساج بدن، آزمایشات طبی اجباری یا وادار نمودن به سایر فعالیت‌های غیر قانونی می‌باشد.

شرح تعریف:

برای فهم بیشتر تعریف قاچاق انسان مندرج ماده ۵۱۰ کود جزا، بهتر است آنرا قرار ذیل تجزیه کنیم:

قاچاق انسان عبارت است از:

- ا. استخدام شخص بمنظور بهره کشی با استفاده از یکی از وسایل زیر:
 - تهدید، قوه، اختطاف، حيله و فریب، نفوذ، حالت آسیب‌پذیری، مجبوریت، پراخت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه یا سرپرست وی.
- ب. تحت تسلط قرار دادن شخص بمنظور بهره کشی با استفاده از یکی از وسایل زیر:
 - تهدید، قوه، اختطاف، حيله و فریب، نفوذ، حالت آسیب‌پذیری، مجبوریت، پراخت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه یا سرپرست وی.
- ج. انتقال شخص بمنظور بهره کشی با استفاده از یکی از وسایل زیر:
 - تهدید، قوه، اختطاف، حيله و فریب، نفوذ، حالت آسیب‌پذیری، مجبوریت، پراخت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه یا سرپرست وی.
- د. حمل و نقل شخص بمنظور بهره کشی با استفاده از یکی از وسایل زیر:

- تهدید، قوه، اختطاف، حيله و فریب، نفوذ، حالت آسیب پذیری، مجبوریت، پراخت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه یا سرپرست وی.
- ه. نگهداری شخص بمنظور بهره کشی با استفاده از یکی از وسایل زیر:
 - تهدید، قوه، اختطاف، حيله و فریب، نفوذ، حالت آسیب پذیری، مجبوریت، پراخت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه یا سرپرست وی.
 - و. دریافت شخص بمنظور بهره کشی با استفاده از یکی از وسایل زیر:
 - تهدید، قوه، اختطاف، حيله و فریب، نفوذ، حالت آسیب پذیری، مجبوریت، پراخت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه یا سرپرست وی.
- اجتماع حالات فوق الذکر شرط تکمیل جرم قاچاق انسان نیست، بلکه این جرم با تحقق یکی از این حالات، تکمیل می گردد.

گفتار دوم: تعریف قاچاق مهاجران:

ماده ۵۲۱ کود جزا، جرم قاچاق مهاجران را چنین تعریف می کند:

«(۱) فراهم نمودن زمینه ورود غیر قانونی برای تبعه دولت خارجی یا شخص بدون تابعیت به کشور یا فراهم نمودن زمینه خروج برای تبعه کشور یا شخص بدون تابعیت یا تبعه دولت خارجی از افغانستان به کشور دیگر، بدون اسناد مسافرت یا با اسناد تزویر شده مسافرت به منظور دریافت پول یا منفعت، جرم قاچاق مهاجران شناخته شده، مرتکب مطابق احکام این فصل مجازات می شود.

برای فهم تعریف جرم قاچاق مهاجران، لازم است تعریف را قرار ذیل تجزیه کنیم:

- أ. فراهم نمودن زمینه ورود غیر قانونی برای تبعه دولت خارجی به افغانستان بدون اسناد مسافرت یا با اسناد تزویر شده مسافرت به منظور دریافت پول یا منفعت.
- ب. فراهم نمودن زمینه ورود غیر قانونی برای شخص بدون تابعیت به افغانستان بدون اسناد مسافرت یا با اسناد تزویر شده مسافرت به منظور دریافت پول یا منفعت.

- ج. فراهم نمودن زمینه خروج برای تبعه کشور از افغانستان به کشور دیگر، بدون اسناد مسافرت یا با اسناد تزویر شده مسافرت به منظور دریافت پول یا منفعت.
- د. فراهم نمودن زمینه خروج برای شخص بدون تابعیت از افغانستان به کشور دیگر، بدون اسناد مسافرت یا با اسناد تزویر شده مسافرت به منظور دریافت پول یا منفعت.
- ه. فراهم نمودن زمینه خروج برای تبعه دولت خارجی از افغانستان به کشور دیگر، بدون اسناد مسافرت یا با اسناد تزویر شده مسافرت به منظور دریافت پول یا منفعت.

گفتار سوم: تعریف جرم اختطاف:

ماده ۵۹۰ کود جزا، جرم اختطاف را چنین تعریف می‌کند:

(۱) اختطاف عبارت است از ربودن شخص با استفاده از تهدید یا استعمال قوه (زور) یا انواع دیگر ارباب یا کار برد حيله و فریب یا با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی یا تبدیل نمودن طفل نوزاد با طفل نوزاد دیگر یا دور نمودن طفل از والدین یا سرپرست قانونی وی یا رها نمودن طفل در محل غیر مسکون است اعم از اینکه چنین اعمال به مقصد بهره کشی باشد یا رسانیدن ضرر.

برای فهم تعریف جرم اختطاف، لازم است تعریف را قرار ذیل تجزیه کنیم:

هریک از حالات ذیل، اختطاف شمرده می‌شود:

- أ. ربودن شخص با استفاده از تهدید یا استعمال قوه (زور) یا انواع دیگر ارباب یا کار برد حيله و فریب یا با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی، خواه به مقصد بهره کشی باشد یا رسانیدن ضرر.
- ب. تبدیل نمودن طفل نوزاد با طفل نوزاد دیگر، خواه به مقصد بهره کشی باشد یا رسانیدن ضرر.
- ت. دور نمودن طفل از والدین یا سرپرست قانونی وی، خواه به مقصد بهره کشی باشد یا رسانیدن ضرر.
- ث. رها نمودن طفل در محل غیر مسکون، خواه به مقصد بهره کشی باشد یا رسانیدن ضرر.

فعالیت شماره (۱)

کار گروهی:

اشتراک کننده ها تعریف قاچاق انسان، تعریف قاچاق مهاجران و تعریف اختطاف را مطالعه کنند سپس نقاط فرق میان آنها را ذکر نمایند.

مبحث دوم: عناصر جرم قاچاق انسان:

عناصر جرم قاچاق انسان شامل عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی می باشد. مواد ۵۱۰ تا ۵۲۰ کود جزای ۱۳۹۶، عنصر قانونی جرم قاچاق انسان را تشکیل می دهد. عنصر مادی و عنصر معنوی این جرم قرار ذیل شرح می شود.

گفتار اول: عنصر مادی جرم قاچاق انسان:

از تعریف قاچاق انسان در کود جزا چنین استنباط می گردد که عناصر مادی جرم قاچاق انسان شامل (فعل) رفتارهای معین جرمی، موضوع جرم (انسان) و وسیله یا شیوه ارتکاب جرم، می گردد:

مطلب اول: فعل یا رفتار جرمی:

کود جزا از افعال و رفتارهای معین جرمی چون: استخدام، تحت تسلط قرار دادن، انتقال، حمل و نقل، نگهداری یا دریافت، نام برده است که ارتکاب هر یک از آنها یکی از ارکان مادی این جرم شناخته می شود، رفتارهای فوق، ذیلاً به معرفی گرفته می شود:

فرع اول: استخدام:

استخدام که ریشه عربی دارد، در لغت به معنای به خدمت گرفتن کسی یا گماشتن وی به شغلی است، اما در اصطلاح، برخی از دانشمندان حقوق، استخدام را به " رابطه کار بین دولت و یا مؤسسات عمومی

و اختصاصی باکسی یا کسانی بدون اینکه مشمول مقررات عقد اجاره باشد،^۱ تعریف نموده است. استخدام گرچه غالباً در برابر پرداخت پول مزد یا معین^۲ صورت گرفته و در قدم اول همین مفهوم در ذهن شنونده خطور می‌کند، اما ممکن است گاهی استخدام بدون پرداخت یا تعیین مزد بوده و یا هم در مقابل مزد ناچیز یا برخلاف میل و اختیار یک شخص، صورت گیرد، که با در نظر داشت اطلاق این کلمه از جانب قانون‌گذار، ارتکاب هر گونه استخدامی که با وسایل تعیین شده در قانون و به منظور اهداف تعیین شده در قانون (انواع بهره‌کشی) صورت گیرد، از دیدگاه قانون‌گذار افغانی جرم قاچاق انسان تلقی می‌شود، بدون اینکه داشتن و یا نداشتن مزد و یا ناچیز بودن و مناسب بودن آن، مطرح باشد.

فرع دوم: تحت تسلط قرار دادن:

قانون‌گذار در اینجا هیچ تعریف یا تفسیری را برای این رفتار جرمی، بیان نکرده است، اما تحت تسلط قراردادن شخص مجنی علیه در جرم قاچاق، ممکن است ابعاد و اهداف مختلفی داشته باشد، مانند تحت تسلط قراردادن من حیث یک متاع تجارتي و مقید ساختن آزادی و حرکت وی، به منظور اعمال مراحل بعدی قاچاق انسان چون فروش یا انتقال و "تحت تسلط قراردادن" و بکارگیری وی برای انواع بهره‌برداری‌های یاد شده در قانون، بدون هیچ مقابل.

از سوی دیگر، "تحت تسلط قراردادن" ممکن است در مراحل آغازین ارتکاب جرم قاچاق انسان بیشتر متصور باشد، مانند اینکه قاچاق‌کننده بتواند با بکارگیری حيله و فریب، وعده‌های دروغین کاریابی، قناعت دهی برای ازدواج و یا سائروش‌ها، شخص مجنی علیه را به منظور قاچاق در اختیار و زیر تسلط خویش قرار داده و در صدد اكمال مراحل بعدی این جرم چون، انتقال، فروش، استخدام یا بهره‌گیری باشد.

ظاهراً تعبیر قانون‌گذار و ذکر رفتارهای متعدد چون "استخدام"، "تحت تسلط قراردادن"، "حمل و نقل" و.... این مفهوم را میرساند که هرکدام از رفتارهای فوق‌الذکر مفهوم و مدلول مختلف و متفاوت از

^۱ - لنگرودی، محمد جعفر جعفری، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، ص ۳۱۲، هران، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.

^۲ - <https://www.vajehyab.com/?q=> استخدام.

همدیگر دارد، اما اگر دقت شود، "تحت تسلط قرار دادن" عملی است که تمامی رفتارهای یاد شده را شامل می‌گردد، و یا به عبارت دیگر هریک از رفتارهای یاد شده متضمن "تحت تسلط قرار دادن" نیز بوده و بدون آن تحقق استخدام، حمل و نقل، نگهداری و یا دریافت مجنی علیه، امکان پذیر نیست.

البته آنچه که این نظریه را تایید می‌نماید، صیغت و سیاق متن قانون مبارزه علیه قاچاق انسان و قاچاق مهاجران (سال ۱۳۹۵) است که حین تعریف این جرم در بند اول ماده سوم خویش، بعد از کلمه استخدام، کلمه "تحت تسلط قراردادن" را در میان دوقوس () ذکر نموده است، که این عمل نشان می‌دهد از دیدگاه قانون‌گذار، میان کلمه "استخدام" و "تحت تسلط قراردادن" تفاوتی وجود نداشته و هر دو مرادف یک دیگر اند، اما چنانچه دیده می‌شود، صیغت تعریف مذکور در کود جزا تغییر شکل یافته و متن ماده طوری نگاشته شده است که "تحت تسلط قراردادن" کلمه جداگانه و مستقل از "استخدام" است.

بناءً محتوی این ماده قانونی و اصطلاحات مندرج آن، در مطالب بعدی نیز قابل مناقشه و تحلیل بوده، در جاهای مناسب روی آن بحث خواهد شد.

فرع سوم: انتقال :

انتقال دادن مجنی علیه در جرم قاچاق انسان به معنای اینکه مجرم، مجنی علیه را از یک جای به جای دیگری انتقال دهد، بدین معنی که خود انتقال دهنده، قاچاق کننده و یا هم تسلیم شونده است، خواه به هر وسیله و نقلیه - قانونی یا غیر قانونی - باشد، و چه در داخل کشور باشد یا خارج از مرزها.

فرع چهارم: حمل و نقل:

قانون‌گذار در اینجا هم زمان با انتقال، از حمل و نقل نیز نام برده است، بدین معنی که هرچند این دو کلمه از حیث معنی باهم نزدیک است، اما حمل و نقل فعل دیگری غیر از انتقال است، بدین معنی که گاهی نقل دهنده یا حمل کننده قربانیان قاچاق، مجرد اجیر و نقل دهنده است که مسؤولیت حمل و نقل قاچاق شده گان به وی سپرده شده است، بدون اینکه در رابطه به مصدر، مقصد یا منظور از قاچاق قربانیان، معلوماتی داشته باشد، که در آن صورت مسؤولیت یا عدم مسؤولیت جرمی وی نیز حسب حالات، متفاوت خواهد بود.

در اینجا نیز در رابطه به داخلی بودن یا خارجی بودن حمل و نقل و هم چنان استفاده از شیوه‌های قانونی و مشروع در حمل و نقل یا غیر قانونی بودن آن مانند پیمودن مسیر های غیر قانونی، استفاده از وسایل مجاز قانونی یا غیر قانونی، داشتن و یا نداشتن اسناد قانونی قاچاق شده‌گان یا وسایط نقلیه، هیچ‌گونه قیود یا شروطی گذاشته نشده و می‌توان گفت که اطلاق کلمه همه موارد یاد شده را شامل می‌گردد.

فرع پنجم: نگهداری:

نگهداری رفتار دیگری است که در جرم قاچاق انسان، فعل جرمی شناخته شده است. "نگهداری" کلمه معمول و رایجی است و قانونگذار نیز در اینجا برای آن مفهوم اختصاصی و معینی را بیان نکرده است، لذا می‌توان گفت که مراد از نگهداری در اینجا در اختیار داشتن و مقید کردن حرکات مجنی علیه جرم قاچاق انسان است بطوری که نتواند به اراده خود مکانی را که در آن جا نگهداری می‌شود ترک، یا تبدیل نماید.

گاهی هم ممکن است نگهداری مرحله وسطی در عملیه قاچاق انسان شمرده شود، بدین معنی که قاچاق شدگان تا حین میسر شدن فرصت انتقال، فروش، استخدام و سائر انواع بهره‌گیری، در جای معین و موقتی نگهداری شده و درین حالت شخص نگه‌کننده و یا قاچاق‌کننده، در صدد پیشبرد مراحل بعدی عملیه قاچاق انسان باشد.

فرع ششم: دریافت:

دریافت قاچاق شده‌گان در عملیه جرمی قاچاق انسان، ممکن است آخرین مراحل اجرایی جرم قاچاق را تشکیل داده و قاچاق شده‌گان بعد از رسیدن به مقصد نهائی، برای کسانی تسلیم داده شود تا مورد انواع مشخص از بهره‌گیری قرار گیرند. یا این‌که دریافت‌کننده قربانیان را به منظور نگهداری، میسر شدن زمینه حمل و نقل و یا اهداف و مقاصد دیگر دریافت و در پی تطبیق مراحل بعدی آن باشد. یا این‌که اطفال و اشخاص، از فامیل و همراهان خود جدا گردیده و در چنگال قاچاقچیان انسان بیافتند.

مطلب دوم: شیوه ارتکاب جرم:

تنها وقوع رفتارهای جرمی برای شکل گیری جرم قاچاق انسان کافی نیست، بلکه این رفتارها باید به یکی از شیوه های خاص مذکور در ماده ۵۱۰ انجام شده باشد، در غیر آن رفتارهای متذکره قاچاق انسان شمرده نمی شود. بنابراین، گفته می توانیم که شیوه انجام فعل از عناصر اختصاصی جرم قاچاق انسان است. این شیوه ها شامل شش مورد می شود که عبارت اند از: تهدید، استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار؛ اختطاف، حيله و فریب، سوء استفاده از نفوذ، سوء استفاده از حالت آسیب پذیری یا مجبوریت و پرداخت یا دریافت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه جرم قاچاق انسان یا سرپرست وی می گردد.

قابل ذکر است، در صورتیکه قربانی جرم قاچاق انسان طفل باشد، استفاده از شیوه های فوق الذکر شرط وقوع جرم شمرده نمی شود، بلکه مطلق وقوع فعل برای تحقق جرم کافی است چه به شیوه های فوق واقع شده باشد و یا کدام شیوه دیگر (فقره ۲ ماده ۵۱۰ کود جزا). ذیلاً این شیوه های مختصراً شرح می گردد.

فرع اول: تهدید، استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار:

تهدید، استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار؛ یکی از شیوه های است که بکارگیری آن در جرم قاچاق انسان، یکی از عناصر این جرم شناخته شده است، تهدید که لغتاً به معنای ترسانیدن از چیزی است، در ذات خود نیز نوعی از جرایم علیه اشخاص دانسته می شود که کود جزای کشور در ماده ۶۲۳ خویش آن را جرم انگاری نموده است، اما برای آن تعریف مشخص اصطلاحی را ارایه نکرده بلکه تحت عنوان تهدید گفته شده است که: "(۱) شخصی که دیگری را به ارتکاب جنایت علیه نفس یا مال خود او یا علیه نفس یا مال غیر کتباً تهدید نماید یا تهدید به استناد امور مخل شرف یا افشای آن باشد، به حبس طویل محکوم می گردد. مشروط بر این که تهدید توأم با مطالبه يك شی یا اجرای يك فعل یا امتناع از آن باشد".

در ماده بعدی کود جزا (۶۲۴) نیز از تهدید قولی یا فعلی توسط شخص تهدید کننده یا اشخاص دیگر، نام برده شده است، بدین معنی که از لابلای ماده های کود جزا، این نتیجه را می توان بدست آورد که مراد از تهدید، ترسانیدن و ایجاد رعب و وحشت در نفس شخص با ارتکاب جنایت در حق نفس و مال

شخص تهدید شده، یا ارتکاب امور مخل به شرف شخص یا افشای امور مربوط به شرف وی باشد، تهدید به گونه قولی یا فعلی بوده و به منظور رسانیدن ضرر به شخص یا یکی از وابسته گان نزدیک وی می‌باشد.

استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار نیز به همین منظور ترسانیدن و وادار نمودن شخص به تسلیم شدن به مرتکب جرم قاچاق است تا مرتکب بتواند به قاچاق شخص مذکور موفق گردد.

فرع دوم: اختطاف:

ارتکاب جرم قاچاق انسان با استفاده از اختطاف، روش دومی است که در تعریف جرم قاچاق انسان، پیش بینی شده است، بدین معنی که مرتکب جرم قاچاق انسان، یکی از رفتارهای جرمی قاچاق انسان چون، انتقال، حمل و نقل، نگهداری و دریافت، را با بکارگیری اختطاف، عملی نموده باشد.

فعل اختطاف در ذات خود جرم مستقلی است که در ماده ۵۹۰ کود جزا، چنین تعریف گردیده است: "اختطاف عبارت است از ربودن شخص با استفاده از تهدید یا استعمال قوه (زور) یا انواع دیگر ارباب یا کار برد حيله و فریب یا با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی یا تبدیل نمودن طفل نوزاد با طفل نوزاد دیگر یا دور نمودن طفل از والدین یا سرپرست قانونی وی یا رها نمودن طفل در محل غیر مسکون است اعم از این که چنین اعمال به مقصد بهره کشی باشد یا رسانیدن ضرر".

بناءً هرگاه قاچاق کننده انسان، شخصی را :

- با استفاده از تهدید، یا استعمال قوه یا انواع دیگری از ارباب، اختطاف نموده و سپس آن را قاچاق نماید.
- یا با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی مجنی علیه، وی را اختطاف نموده و سپس قاچاق نماید.
- یا طفل نوزادی را با طفل نوزاد دیگر تبدیل نموده و سپس قاچاق نماید.
- یا طفلی را از والدین یا سرپرست قانونی وی دور نموده و سپس قاچاق نماید.
- یا طفلی را ربوده و در محل غیر مسکونی رها نماید و سپس آن را قاچاق نماید.

پس شخص مذکور مرتکب جرم قاچاق انسان با استفاده از بکارگیری وسیله اختطاف گردیده است.

با دقت در تعریف جرم اختطاف و قاچاق انسان، ملاحظه می‌گردد که رفتارهای جرمی مشابهی در تعریف موضوعی هردو جرم گنجانیده شده، تفکیک حالات و تعیین اوصاف جرمی دقیق برای هر یک از افعال ارتکاب یافته نیازمند فحص و تدقیق بیشتری می‌باشد.

فعالیت شماره (۲)

کار گروهی:

اشتراک کنندگان به چند گروه تقسیم شده، با مقایسه تعریف‌های قانونی "اختطاف" و "قاچاق انسان" در کود جزا، وجوه اشتراک و افتراق هردو جرم را بررسی و تشخیص دهند.

فرع سوم: حيله و فریب:

حيله و فریب که غالباً به گونه مترادف به کار برده می‌شوند، در ادبیات جزائی کشور، مفهوم و کاربرد مشابهی داشته و کمتر می‌توان میان حيله و فریب تفکیک کرد. بکارگیری وسایل خدعه آمیز برای قناعت دهی طرف مقابل و یا دسترسی به جرم معین و موفق شدن به ارتکاب آن، مفهوم کلی حيله و فریب را احتوا می‌کند.

بکارگیری حيله و فریب در جرم قاچاق، روش مستقل دیگری است که یکی از عناصر جرم قاچاق انسان شناخته شده است، مشخصاً حيله و فریبکاری در قوانین جزائی کشور، تعریف معینی ندارد، اما فریبکار در فقره اول ماده (۷۲۵) کود جزا، من حیث مرتکب یک جرم مستقل (فریبکاری) چنین تعریف گردیده است:

(۱) شخصی که با کار برد اسم، صفت یا سمت کاذب یا سوء استفاده از سمت واقعی یا دادن اطلاع غلط در حادثه معین یا امیدوار کردن به یک امر غیر واقعی یا ترساندن از یک امر غیر واقعی یا سایر وسایل فریب کارانه، شخص دیگری را به تسلیمی یا انتقال حیازت پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت برای خود یا برای شخص دیگری وادار سازد، مرتکب جرم فریب کاری شناخته شده به حبس متوسط محکوم می‌شود.

(۲) به مقصد فقره (۱) این ماده وسایل فریب کارانه عبارت از وسایلی است که به اثر آن مجنی علیه فریب خورده به تسلیمی یا انتقال حیازت پول یا مال یا منفعت یا اجرای خدمت، وادار گردد.

ملاحظه می‌گردد که جرم فریبکاری از جمله جرایمی است که علیه اموال واقع می‌گردد، از همین رو در تعریف این جرم، هدف از بکار گیری وسایل فریبکارانه بدست آوردن منافع مالی، تعیین گردیده است، اما در اینجا، وسایل فریبکارانه مندرج این ماده، به منظور ارتکاب جرم قاچاق انسان به کار برده می‌شود، طوریکه مجرم با یکی از شیوه های ذیل به قاچاق مجنی علیه دست می‌زند:

- بکار گیری اسم، صفت یا سمت کاذب
- سوء استفاده از سمت واقعی
- دادن اطلاع غلط در حادثه معین
- امید و ار کردن به یک امر غیر واقعی
- ترساندن از یک امر غیر واقعی
- سایر وسایل فریب کارانه

در فصل گذشته از بکار گیری همچو روش‌ها چون، وعده دادن به ایجاد وظایف شغلی پر درآمد، امید وار ساختن به زندگی مرفه، دادن اطلاعات غلط در مورد مهاجرت و قبولی در کشورهای پیش رفته، امید وارساختن به ازدواج با اشخاص ثروت مند و غیره موارد....، یاد آوری گردیده و نکته اخیر یعنی " سایر و سایل فریبکارانه" تمامی روش‌های فریبکارانه دیگری را شامل می‌گردد که در جرم قاچاق انسان، از آن استفاده گردیده و بدین گونه عناصر مادی این جرم، تکمیل می‌گردد.

فرع چهارم: سوء استفاده از نفوذ:

اصطلاح سوء استفاده از نفوذ، خود جرم مستقل بوده و در ماده ۳۹۹ کود جزا، چنین تعریف شده است:

"شخصی که یکی از اعمال ذیل را انجام دهد، مرتکب جرم سوء استفاده از نفوذ، شناخته می‌شود:

۱- تقاضا یا قبول مستقیم یا غیر مستقیم منفعت نا مشروع توسط موظف خدمات عامه یا مؤظف دولت خارجی یا سازمان بین المللی یا مؤسسه بین الحکومتی یا مؤسسه غیر دولتی و یا شخص دیگر طوری که اشخاص مذکور از نفوذ واقعی یا فرضی خود یا دیگری به منظور کسب منفعت نا مشروع مادی یا معنوی از یک اداره یا مقام دولتی سوء استفاده نمایند.

۲- وعده یا پیشنهاد یا اعطای مستقیم یا غیر مستقیم منفعت نا مشروع به موظف خدمات عامه یا مؤظف دولت خارجی یا سازمان بین المللی یا بین الحکومتی یا مؤسسه غیر دولتی و یا شخص دیگر طوری که اشخاص مذکور از نفوذ واقعی یا فرضی خود یا دیگری به منظور کسب منفعت نا مشروع از یک اداره یا مقام رسمی به نفع تحریک کننده اصلی یا شخص دیگری سوء استفاده نمایند.

۳- هرگاه موظف خدمات عامه یا شخص دارای نفوذ به منظور استخدام یک شخص از موقف خود سوء استفاده نماید".

ملاحظه می‌گردد که مدلول بند سوم این ماده - نسبت به بندهای اول و دوم آن - در رابطه به وقوع جرم قاچاق انسان، کار برد و مورد استعمال بیشتر دارد، زیرا چنانچه در فصل گذشته نیز تذکر داده شد، برخی از حالات جرم قاچاق انسان، در جوامع و کشورهای معین، توسط اشخاصی دارای نفوذ اجتماعی عرفی یا غیر رسمی چون بزرگان خانواده، بزرگان و شیوخ اقوام و یا هم زورمندان حاکم بر سرنوشت افراد قبیله یا جامعه، صورت گرفته و روی همین اسباب، قربانیان قاچاق در دفاع از خود، اندکترین حرکت یا اقدامی را تبارز نمی‌دهند و یا هم نمی‌توانند، و مانند آله یا متاع بازاری، توسط اشخاص با نفوذ یاد شده، مورد تبادل و فروش، استخدام، تن دهی به فحشا، و سایر مقاصد جرم قاچاق انسان، قرار می‌گیرند.

افزون بر حالات یاد شده، وقوع یا ارتکاب جرم قاچاق انسان با استفاده از نفوذ به مفهوم وارده در بند های اول و دوم این ماده کود جزا، نیز بعید به نظر نمی رسد، بلکه ممکن است جرم قاچاق انسان توسط موظفین خدمات عامه، موظفین کشورهای خارجی و مؤسسات بین المللی نیز صورت گیرد، مانند کارمندان مؤسسات و سازمان های طبی و امداد رسانی، پولیس و نیروی های امنیتی و دفاعی - به ویژه قوای سرحدی - ، کارمندان سفارت ها، مأمورین گمرکات و سایر موظفینی که به نحوی از انحاء در عملیه انتقال و حمل و نقل قاچاق شده گان، و یا در استخدام یا بهره گیری از قربانیان این جرم؛ دخیل و سهیم اند، چنانچه در فصل گذشته از ارتکاب جرم قاچاق انسان یا سهم گیری در آن، توسط داکتران و پرستاران، کارمندان بخش ویژه در سفارت خانه ها و یاهم تحت پوشش برنامه های کمکی و خیریه و سایر موارد، مثال ها و نمونه های ذکر گردید.

فرع پنجم: سوء استفاده از حالت آسیب پذیری یا مجبورت

سوء استفاده از حالت آسیب پذیری یا مجبورت قربانیان جرم قاچاق انسان، روش فریبکارانه دیگری است که در بسا اوقات برای ارتکاب این جرم، از این شیوه استفاده می گردد، البته بیشترین قربانیان این روش را اشخاص بی بضاعت و آنانی تشکیل می دهند که در تلاش یافتن وظایف برای امرار معاش و یا عوائد بیشتر اند.

قاچاقچیان انسان، گاهی تحت نام شرکت های حقیقی یا وهمی توظیف و اشتغال و یا با استفاده از فقر و تنگدستی قربانیان، با امید وار ساختن قربانیان به دریافت شغل و در آمد مناسب آنان را در چنگال و تحت تسلط خویش قرار می دهند، و یاهم مالکین شرکت های تولیدی، صنعتی و اربابان کشتزارها و باغ ها، با استخدام عملی اشخاص فقیر در مقابل هیچ مزدی و یاهم مزد اندک و ناچیز، به نحوی مرتکب جرم قاچاق انسان می گردند.

مراد از "آسیب پذیری" نیز معلولیت جسمی یا روانی قربانیان قاچاق است که گاهی توسط قاچاق کنندگان مورد سوء استفاده قرار می گیرد، طوری که مرتکبین این جرم، از حالات و وضعیت اشخاصی که توانائی جسمی یا ذهنی دفاع از خود را ندارند، و یا هم اطفال یا نوجوانانی که با اندکترین تشویق و ترغیب، فریب

می‌خورند، سوء استفاده نموده و بدین وسیله آنان را در دام و تحت تسلط خویش قرار داده و قاچاق می‌نمایند.

فرع ششم: پرداخت یا دریافت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه جرم قاچاق انسان یا سرپرست وی

همانطوری که در فصل گذشته تذکر داده شد، جرم قاچاق انسان گاهی با علم و رضایت مجنی علیه و یا اولیای امور آنان صورت می‌گیرد، قاچاقچیان تلاش می‌کنند تا با اغوا و فریب، شخص مجنی علیه را متقاعد سازند تا در امر پیشبرد عملیه قاچاق، با قاچاقچیان همکاری نمایند، در برخی حالات، برای دریافت شغل، یا رسیدن به کشورهای مرفه، قربانیان خود با قاچاقچیان همگام و همراه گردیده و بدین وسیله در دام آن‌ها می‌افتند.

گاهی هم قاچاق‌بران تلاش می‌نمایند تا با طرح موضوع با اولیای امور یا سرپرست قربانیان قاچاق، آنان را تطمیع یا قانع سازند تا در سپردن اشخاص زیر سلطه شان، با قاچاق‌بران همکاری شوند، قاچاق انسان، تحت نام ازدواج با اشخاص ثروت مند، یا دریافت کار برای خدمه منازل و کارخانه‌ها، از جمله موارد آن به شمار می‌آید.

فعالیت شماره (۳)

تحلیل و مناقشه بند دوم ماده ۵۱۰ :

بند دوم ماده ۵۱۰ کود جزا تصریح میدارد که: "(۲) تحت تسلط قرار دادن طفل به مقصد بهره کشی، گرچه از شیوه‌های مذکور استفاده نشده باشد، قاچاق انسان شناخته می‌شود."

"تحت تسلط قراردادن" قاچاق شده‌گان، یکی از رفتارهای جرمی است که رکنی از ارکان مادی این جرم به حساب می‌آید، هرچند روی مفهوم "تحت تسلط قراردادن" در صفحات گذشته بحث و تذکر داده شد که قانون‌گذار برای آن مفهوم یا تفسیر مشخصی را بیان نکرده است، اما دیده می‌شود که تحت تسلط قراردادن مجنی علیه در جرم قاچاق، امری است که ضمناً هر یک از رفتارهای جرمی دیگر چون "استخدام"

، " حمل و نقل"، " انتقال"، " نگهداری" و " دریافت" مجنی علیه را شامل می‌گردد، بدین معنی که تحت تسلط قرار گرفتن مجنی علیه در هریک از رفتارهای یاد شده، امر لازمی و حتمی بوده و بدون آن، هیچ یک از رفتارهای فوق الذکر ممکن و عملی نخواهد بود.

با در نظر داشت این نکته، در رابطه به بند دوم ماده ۵۱۰ سوالات و مناقشات ذیل مطرح می‌گردد:

۱. آیا میان " تحت تسلط قرار دادن" و سایر رفتارهای جرمی، تفاوتی وجود دارد یا خیر؟ و اگر جواب مثبت باشد، پس تفاوت آن‌ها در چه است؟

۲. آیا ممکن است هریک از رفتارهای جرمی فوق الذکر، بدون اینکه مجنی علیه " تحت تسلط" قاچاق کننده " قرار" گیرد، عملی گردد؟

۳. آیا اعمال سایر رفتارهای جرمی چون " استخدام"، " حمل و نقل" و " نگهداری" طفل به مقصد بهره کشی، بدون بکارگیری شیوه‌های یاد شده، نیز جرم قاچاق انسان به حساب می‌آید یا خیر؟

۴. اگر به جای طفل، اشخاص بالغ بدون استفاده از شیوه‌های یاد شده، به مقصد بهره کشی " تحت تسلط" قرار داده شود، آیا جرم قاچاق انسان متحقق خواهد بود یا خیر؟

۵. بکارگیری شیوه‌های یاد شده در قانون، به معنای فقدان رضایت مجنی علیه در جرم قاچاق انسان است، بدین معنی که شخص قاچاق شده تحت تأثیر وسایل فریبکارانه قرار گرفته است و هیچگونه رضایتی به وقوع جرم علیه خویش ندارد، از همین رو قانون‌گذار موجودیت رضایت طفل در جرم قاچاق را نادیده گرفته و حکم می‌کند که در صورتی که غرض از تحت تسلط قرار دادن طفل، " بهره کشی باشد" جرم قاچاق انسان واقع شده است، اما اگر اشخاص رشید و بالغ، در واقع شدن تحت تسلط قاچاق کنندگان و انواع مختلفی از بهره کشی راضی باشند، آیا بازهم جرم قاچاق تحقق یافته است یا خیر؟

مطلب سوم: موضوع جرم قاچاق انسان:

جرم قاچاق انسان، نظر به تعریف این جرم در ماده ۵۱۰ کود جزا بالای "شخص یا انسان" واقع می‌گردد، لذا قاچاق هر چیزی دیگری غیر از "شخص" از محدوده این جرم خارج است، لذا برای شناسائی بهتر

مجنی علیه یا موضوع جرم قاچاق انسان، تحت این مطلب، ابتدا به تعریف "شخص" و سپس به شرط بودن یا نبودن رضایت شخص مجنی علیه در این جرم، پرداخته خواهد شد:

فرع اول: مفهوم و تعریف شخص:

مراد از "شخص" در قانون، هر انسان زنده است. لذا اشیای جامد، نباتات، حیوانات و حتی جنین از تعریف شخص خارج می‌گردد. چون جنین شخص نیست. هرچند حیات دارد.

آغاز شخصیت یک فرد، طبق ماده ۳۶ قانون مدنی کشور، از تکمیل ولادت (زنده) وی و انجام آن، از وفات وی، اعتبار داده می‌شود، چنانچه ماده مذکور تصریح میدارد که: "(۱) شخصیت انسان با ولادت کامل وی به شرط زنده بودن آغاز و با وفات انجام می‌یابد".

بناءً موضوع جرم قاچاق را مطلق "انسان" تشکیل می‌دهد، یعنی از وقتی که زنده تولد شده است تا وقتی که وفات وی تثبیت نشده باشد، می‌تواند موضوع جرم قاچاق انسان قرار گیرد، خواه طفل باشد یا جوان، مرد باشد یا زن، عاقل و سالم باشد یا معتوه و معلول، در همه صورت‌ها ممکن است در جرم قاچاق انسان مجنی علیه قرار گیرد.

افزون بر این نکته، کنجکاوای بیشتر روی کلمه (شخص) سوال‌های قانونی دیگری را ایجاد می‌کند، از جمله اینکه:

أ. علائم زنده تولد شدن یا آغاز زندگی از نگاه قانونی چه است؟

ب. علائم وفات چه است؟ و چه وقت میتوانیم یک شخص را از دیدگاه قانونی، وفات شده

حساب کنیم؟

در رابطه به سوال اول می‌توان گفت که هرچند زندگی یا زنده بودن، در قوانین افغانی تعریف مشخصی ندارد، اما از نظر فقهاء، زنده بودن انسان یا جنین، با استهلال (صدا کشیدن) وی، بعد از تولد، ثابت می‌گردد، برخی دیگری از فقهاء در کنار "صدا کشیدن یا چیغ زدن" علائم و حرکات دیگری، چون: نفس کشیدن، عطسه زدن، گریان کردن، شیرخوردن، حرکت دادن اعضاء، و یا هر حرکت و یا علامه دیگری که به زنده بودن وی دلالت نماید، را نیز از جمله علائم زنده گی دانسته اند.^۱

۱ - مجموعه از علماء، الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۴، ص ۱۳۰ و مابعد آن، کلمه "استهلال"، وزارت اوقاف، کویت. (نسخه پی دی یف).

از دیدگاه دانشمندان حقوق، زندگی یا حیات، "حالتی است که در آن اعضای بدن انسان، وظایف خویش را حسب قوانین معین طبیعی به پیش می‌برد"^۱. اما در رابطه به آغاز آن، که از ابتدای ولادت، شروع می‌شود یا از انتهای آن (ختم مرحله جنین)؟ میان دانشمندان حقوق اختلاف نظر وجود دارد.^۲

در مورد تحقق مرگ یا علائم آن نیز، در قوانین افغانستان، نصی وجود ندارد. فقهاء، موت یا مرگ را به جدائی روح از جسد تعریف نموده اند.^۳ اما در مورد نشانه‌های تحقق آن، اختلاف نظر داشته و علائم مختلفی چون: توقف تنفس، افتیدن پاها و استاد نشدن آن، میلان بینی، و....، را از جمله علامات مرگ دانسته اند.

(از نظر دانشمندان حقوق، مرگ با توقف تنفس، یا خروج آخرین نفس انسان تحقق می‌یابد.^۴ "حسب دیدگاه مشهور، این حالت زمانی رخ می‌دهد که تمام وظایف حیاتی سیستم‌های بدن انسان به شکل کامل و غیر قابل برگشت متوقف گردد.^۵ در گذشته‌ها، توقف ضربان قلب و توقف تنفس، نشانه مرگ پنداشته می‌شد، و این توقف ظرف چند دقیقه منجر به مرگ سلول‌های مغز نیز می‌گردید.^۶ اما در عصر حاضر، این امکان میسر است که با وجود مرگ مغز، تنفس مریض و ضربان قلب وی، از طریق دستگاه‌های ویژه و در شرایط خاص، دوباره به فعالیت ادامه دهد. حالتی که به نام "مرگ دماغی" یا "مرگ مغزی" یاد می‌شود، اما حیات طبیعی وی دیگر قابل برگشت نیست.^۷

در قوانین بسیاری از کشورهای جهان، ضمن اینکه این حالت را صراحتاً و یا ضمناً مرگ گفته اند، برای تأکید از تحقق مرگ مغز، شرایطی را وضع نموده اند تا مریضان کومائی که بهبودی شان ممکن است،

۱ - نجیب حسنی، شرح قانون العقوبات: القسم الخاص، ص: ۳۲۱.

۲ - نجیب حسنی، شرح قانون العقوبات: القسم الخاص، ص: ۳۲۲-۳۲۵، ماهر عبد شویش الدر، شرح قانون العقوبات: القسم الخاص، ص: ۱۳۱.

۳ - مجموعه از علماء، الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۳۹، ص: ۲۵۴ و ما بعد آن.

۴ - نجیب حسنی، شرح قانون العقوبات: القسم الخاص، ص: ۳۲۵..

۵ - Steven Laureys, Death, unconsciousness and the brain, (۲۰۰۵) Nature Reviews Neuroscience, Volume 6, p. ۸۹۹-۹۰۹.

برای مزید معلومات در این خصوص مراجعه شود به گزارش تحقیقی مفصل تقدیم شده به کانگرس و دولت آیالات متحده آمریکا تحت عنوان:

Defining Death: A Report on the Medical, Legal and Ethical Issues in the Determination of Death, July ۱۹۸۱.

۶ - واین آر، لفیو سبیت و قتل در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا، ترجمه آقای نیا؛ حسین ص: ۱۰۰ به نقل از ۱۹۸۰ IN re Bowman

۷ - توکلی، محمد مهدی، مرگ مغزی از منظر حقوق اسلامی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۸۸ ص ۶۳-۸۸؛

مرده شمرده نشده و دستگاه‌های طبی از آنها قطع نشود^۱. باثبوت مرگ مغز، مرگ شخص نیز ثابت و بعد از آن، دورساختن دستگاه تنفسی از مریض که باعث قطع تنفس و توقف ضربان قلب وی می‌شود، قتل خوانده نمی‌شود. همچنان در کشورهایی که انتقال اعضای بدن قانونی است، نقل اعضای بدن مریض به دیگران در همین مرحله صورت گرفته و جرم پنداشته نمی‌شود^۲.

فعالیت شماره (۴)

فرضیه‌ها و سوالات مناقشوی:

با در نظرداشت آنچه که در رابطه به آغاز و ختم زندگی یک شخص، گفته شد، قضایای ذیل مورد بحث و مناقشه قرار گیرد:

قضیه اول:

شخصی خانم حامله را با استفاده از تهدید و اجبار می‌رباید، سپس خود وی را در جای نگهداری و جنین نه ماهه وی را با اجرای عملیات جراحی اخراج و آن را غرض اجرای آزمایشات طبی، به گروه دیگری می‌فروشد. شخص مذکور بعد از فروختن جنین مذکور دستگیر می‌گردد.

سوالات:

الف: شخص مذکور چند و کدام جرائمی را مرتکب گردیده است؟

ب: اخراج جنین از بطن مادر و فروش آن، کدام وصف جرمی را به خود می‌گیرد: اختطاف؟ سقط

جنین؟ قاچاق انسان؟ همه؟ هیچ کدام؟

ج: رفتار، وسیله و مقصدی که درین جرم بکار رفته است، کدام‌ها و متعلق به کدام یکی از جرائم

می‌گردد؟

قضیه دوم:

۱ - مراجعه شود به: عباس نعیم عبد الجلیل، الطبیعة القانونية للموت الدماغی فی القانون العراقی مقارناً بالقانون الأمريكي والمصری، صص ۱۴-۱۶.

۲ - آنچه که بین قوسین () ذکر شده است، از چپتردرسی "جرائم علیه حیات و تمامیت جسمی اشخاص" تهیه شده توسط تیم کریکولم موسسه بین المللی (IDLO) و نهاد های عدلی و قضائی افغانستان، صص ۱۱ و مابعد آن، با اندک اختصار و تصرف، اقتباس گردیده است.

خانمی در یکی از شفاخانه‌های شهر در حالت کوما قرار داشته و توسط ماشین طبی، نفس می‌کشد، داکتران بعد از اجرای آزمایش‌ها، گفته‌اند که مغز وی مرده و از کار افتیده است، در همین حال شاکر که پدرش مریض است، بختیار شوهر این خانم را ذریعه پرداخت پول تطمیع می‌کند تا اجازه دهد داکتران گرده خانم مریض وی را قبل از مردن وی کشیده و به پدر مریض شاکر نقل و پیوند نمایند، جواد یکی از داکتران جراح این شفاخانه، گرده این خانم را کشیده و به شاکر می‌سپارد. برادران این خانم وقتی که از موضوع خبر می‌شوند، بختیار، شاکر و جواد همه را به جرم قاچاق انسان، متهم و علیه آنان اقامه دعوی می‌نمایند.

سوالات:

الف: توجیه اتهام جرم قاچاق در حق هر یک از متهمین درست خواهد بود؟

ب: از دیدگاه قوانین کشور، آیا وصف "شخص" بالای خانم مذکور صدق نموده و وی درین حالت قربانی جرم قاچاق انسان قرار می‌گیرد؟ یا خیر؟

ج: اگر توجیه اتهام قاچاق انسان بالای همه متهمین درست باشد، لطفاً عناصر مادی و معنوی جرم هریک را مشخص کنید؟

د: صفت جرمی هریک از اشخاص فوق الذکر از حیث فاعل بودن، معاون بودن، و شریک بودن، را

بیان دارید؟

فرع دوم: رضایت یا عدم رضایت مجنی علیه در جرم قاچاق انسان:

رضایت یا عدم رضایت مجنی علیه در جرم قاچاق انسان، یکی از موضوعات عمده و مهمی است که متأسفانه در کود جزا، به آن پرداخته نشده است. به استثناء آنچه که در بند دوم ماده ۵۱۰ کود جزا در رابطه به تحت تسلط قرار دادن طفل بدون استفاده از وسایل یاد شده در تعریف قاچاق انسان، به آن اشاره شده است، طوری که مفهوم فقره قانونی فوق الذکر، این مطلب را افاده می‌نماید، که رضایت یا عدم رضایت طفل در جرم قاچاق انسان، اعتباری نداشته، و قاچاق طفل در همه حالات، جرم قاچاق انسان به حساب می‌آید، خواه در قاچاق وی، از وسایل فریبکارانه و یا تهدید استفاده شده باشد یا خیر.

مطالعهٔ سیاق و دقت در صياغت کلی تعريف این جرم در ماده ۵۱۰ کود جزا، پرسش‌های بی پاسخی را ایجاد می‌کند، زیرا از یک طرف، شرط گذاشتن استفاده از روش‌های فریبکارانه، استفاده از تهدید و اجبار، و سوء استفاده از نفوذ و مجبوری و آسیب‌پذیری شخص، این مفهوم را افاده می‌کند که جرم مذکور طوری واقع می‌گردد که قربانی این جرم، هیچگونه رضایتی به وقوع جرم ندارد و اعمال روش‌های مذکور، خلاف اراده و رضایت، وی صورت می‌گردد.

از سوی دیگر، محتوای بند دوم ماده ۵۱۰ کود جزا که چنین تصریح میدارد که: "(۲) تحت تسلط قرار دادن طفل به مقصد بهره‌کشی، گرچه از شیوه‌های مذکور استفاده نشده باشد، قاچاق انسان شناخته می‌شود"، این مفهوم را میرساند، که عدم استفاده از شیوه‌های جرمی یاد شده، در برابر طفل، و رضایت وی در تحقق این جرم، اعتبار قانونی نداشته و بازهم قاچاق انسان به شمار می‌آید. بدین معنی که حسب مفهوم مخالف این ماده، تحت تسلط قرار دادن اشخاص بالغ و رشید بدون استفاده از شیوه‌های مذکور، نباید جرم قاچاق انسان به شمار آید، و عین حکم را داشته باشد.

به نظر میرسد که این نکته یکی از خلاهای است که در کود جزای کشور به مشاهده میرسد، در حالی که این مفهوم در اسناد بین‌المللی، به صورت صریح و واضح، بیان و گفته شده است که در صورتی که از روش‌های معین در جرم قاچاق انسان استفاده شده باشد، رضایت قربانی این جرم، هیچگونه اعتبار قانونی ندارد.

فقره (ب) ماده سوم، پروتوکول الحاقی کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فرا ملی در مورد منع، کاهش و مجازات قاچاق انسان به ویژه زنان و اطفال، سال ۲۰۰۰م، در زمینه تصریح میدارد که: در صورتی که در جرم قاچاق انسان، از یکی از روش‌ها و وسایل مندرج فقره (الف) این ماده استفاده شده باشد، موافقه قربانی جرم قاچاق انسان به بهره‌کشی وارده در فقره (الف) این ماده، هیچ اعتباری ندارد.^۱

^۱ - ترجمه متن فقره (ب) ماده سوم، پروتوکول الحاقی مذکور. گرفته شده از سایت:

<http://hrlibrary.umn.edu/arab/P\orgCRIME.html>

قابل ذکر است که افغانستان به پروتوکول مذکور ملحق، و متن پروتوکول مذکور و موافقه و تصدیق کشور افغانستان، در جریدهٔ رسمی شماره ۱۱۶۵ مورخ ۱۲ حوت ۱۳۹۳، نشر گردیده است، که متاسفانه متن منتشر شدهٔ ادلا این جریده رسمی، حاوی رکاکت و شکستگی ادبی بوده و ترجمهٔ دقیق

ازینکه افغانستان یکی از کشورهای است که به پروتوکول مذکور ملحق، و الحاق آن از جانب مجلسین ملی تصدیق و ذریعه فرمان شماره ۵۸ رئیس جمهور کشور به تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۱ ه.ش، توشیح گردیده است، بناءً می توان گفت که قضات و خانونالان کشور، به رعایت و تطبیق این بند نیز ملزم بوده، و در صورت بکارگیری روش های مندرج فقره اول ماده ۵۱۰ کود جزای کشور، به رضایت یا عدم رضایت قربانی قاچاق انسان، اعتباری نداده و جرم مذکور را تام و متحقق بشمارند.

نشده است، غرض اطلاع بیشتر، متن فقره مذکور درین جا حرفاً نقل می گردد: " رضایت قربانی قاچاق انسان به بهره کشی مورد نظر در بند (الف) این ماده در حالاتی که ابزار های مندرج بند (الف) به کار گرفته شده باشد بی ارتباط و نامربوط می باشد."

گفتار دوم: عنصر معنوی جرم قاچاق انسان:

عنصر معنوی جرم قاچاق انسان، شامل قصد عام و خاص می گردد که تحت مطالب بعدی به آن پرداخته خواهد شد:

مطلب اول: قصد عام:

در جرم قاچاق انسان، - همانند سایر جرایم - قصد عام در علم و اراده شخص مجرم خلاصه می گردد که شامل علم به غیر قانونی بودن رفتار جرمی، و داشتن اراده برای ارتکاب آن است. اگر خواسته باشیم در اینجا وضاحت بیشتری داده شود، میتوان گفت که تحقق عناصر معنوی جرم قاچاق انسان در حالات ذیل تصور می گردد:

- علم به غیر قانونی بودن استخدام شخص به منظور بهره کشی، و قصد انجام دادن آن.
- علم به اینکه تحت تسلط قرارداد دادن شخص، به منظور بهره کشی، غیر قانونی است، و قصد آن را انجام دهد.
- علم به غیر قانونی بودن انتقال شخص به منظور بهره کشی و قصد انجام آن.
- علم به غیر قانونی بودن حمل و نقل شخص، به منظور بهره کشی و قصد انجام آن.
- علم به غیر قانونی بودن نگهداری شخص، به منظور بهره کشی و قصد انجام آن.
- علم به غیر قانونی بودن دریافت شخص، به منظور بهره کشی، و قصد انجام آن.

مطلب دوم: قصد خاص:

در جرم قاچاق انسان، در کنار قصد عام، توافر قصد خاص نیز مهم است که همانا ارتکاب رفتار های جرمی تعیین شده، به منظور بهره کشی یا کسب منفعت غیر قانونی از مجنی علیه، است که در بند سوم ماده ۵۱۰ کود جزا تذکر داده شده است.

بناء گاهی اگر شخصی یکی از رفتار های جرمی مندرج فقره اول ماده ۵۱۰ کود جزا را بالای شخصی دیگری به منظور رسانیدن اذیت و ضرر یا قصد نجات دادن از ضرر احتمالی که متوجه وی است و یا هر

قصد دیگری غیر از بهره کشی یا کسب منفعت غیر قانونی از مجنی علیه، اعمال میکند، پس عمل وی جرم قاچاق انسان به شمار نمی آید.

دیده می شود که قانونگذار در تعریف جرم قاچاق انسان، در کنار بیان رفتارهای جرمی و شیوه های ارتکاب جرم، هدف از ارتکاب جرم و قصد جرمی که همانا "بهره کشی" از مجنی علیه است را نیز بیان و سپس در بند سوم این ماده "بهره کشی" را تعریف و در رابطه به آن تصریح میدارد که:

"(۳) بهره کشی: کسب منفعت از مجنی علیه از طریق خرید، فروش، بهره کشی جنسی، رقصانیدن، به خدمت گرفتن در تهیه تصاویر یا فلم های منافی اخلاق (پورنوگرافی)، بردگی، گماشتن به کار اجباری، گدایی، جنگ مسلحانه، برداشت عضو یا انساج بدن، آزمایشات طبی اجباری یا وادار نمودن به سایر فعالیت های غیر قانونی می باشد".

در رابطه به متن این بند قانونی، نکات ذیل قابل طرح و تذکر دانسته می شود:

اول: قانونگذار درین جا "بهره کشی" یا "کسب منفعت از مجنی علیه" را در جرم قاچاق انسان، هدف یا قصد جرمی تعیین نموده و برای توضیح آن مثال های مشخصی را نیز ذکر نموده است، اما درج جمله "یا وادار نمودن به سایر فعالیت های غیر قانونی" نشان میدهد که ذکر مثال های معین از بهره کشی، به منظور انحصار آن در موارد یاد شده نبوده بلکه کسب هر نوع منفعت غیر قانونی از مجنی علیه، میتواند منحنیث رکن از ارکان این جرم تلقی شود.

دوم: قید "منفعت غیر قانونی" بعد از ورود مثالهای معینی از "بهره کشی" نشان دهنده آن است که مثال های یاد شده همه موارد غیر مجاز یا غیر قانونی از کسب منفعت است.

قابل ذکر است که موارد و مثال های بهره کشی از مجنی علیه در جرم قاچاق انسان که در متن این فقره قانونی آمده است، همه یکسان نبوده و برخی از موارد آن نیاز به تعلیق، ملاحظات و گاهی هم قابل نقد، خواهد بود که در سطور بعدی بدان پرداخته خواهد شد:

فرع اول: خرید و فروش :

خرید و فروش انسان، امر غیر شرعی و غیر قانونی است.

از دیدگاه شریعت اسلامی فروش انسان آزاد از جمله گناهان بزرگ و سنگین به شمار می آید، چنانچه از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت شده است که فرمودند: « قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ثَلَاثَةٌ أَنَا خَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: رَجُلٌ أَعْطَى بِي ثَمَّ غَدْرًا، وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا، فَأَكَلَ ثَمَنَهُ، وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا، فَاسْتَوْفَى مِنْهُ وَلَمْ يَعْطِهِ أَجْرَهُ»^۱. ترجمه: الله متعال فرمودند: سه نفر اند که در روز قیامت، من خصم آنان می باشم: شخصی که به نام من شخصی دیگری را امان داد و سپس در حق وی غدر کرد، مردی که شخص آزادی را به فروش رسانید و قیمت آن را خورد، و مردی که اجیری را استخدام و خدمت را از وی حصول کرد، اما مزدش را نپرداخت".

البته طرف بودن الله متعال به صفت خصم شخص گناهگار، دلالت بر خطورت گناه و تشدید مجازات مرتکب آن داشته و دارد.

همچنان، ماده (۲۴) قانون اساسی کشور نیز آزادی را حق طبیعی و مصؤون انسان دانسته و دولت را به احترام و حمایت از آزادی و کرامت انسانی، مکلف نموده است.

متن ماده مذکور در زمینه تصریح میدارد که: " آزادی حق طبیعی انسان است . این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است . دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد".

فرع دوم: بهره کشی جنسی:

ارتباطات و بهره برداری های جنسی میان زن و مرد ، خارج از چوکات ازدواج شرعی و قانونی، امر غیر شرعی و در کشور ما غیر قانونی نیز بوده و می باشد، جرم انگاری زنا، لواط، قوادی و سایر رفتارهای

^۱ - ابن حجر، احمد بن علی، العسقلانی، فتح الباری ج ۴ ص ۴۱۷، حدیث رقم ۲۲۲۷،، المكتبة السلفية.

منافی عفت و اخلاق عمومی مصداق همین امر می باشد، لذا قاچاق انسان به منظور بهره کشی جنسی که در این ماده کود جزا نیز غیر مجاز دانسته شده است، کسب منفعت غیر قانونی از مجنی علیه شناخته شده و از جمله مقاصد و ارکان جرم قاچاق انسان شناخته می شود.

فرع سوم: رقصانیدن:

رقصانیدن درین فقره قانونی از جمله مصادیق بهره کشی، یا کسب منفعت غیر قانونی از مجنی علیه قاچاق انسان دانسته شده است، اما ورود این اصطلاح درین جا و شمردن آن از جمله اعمال غیر قانونی، خود سوالات و اشکالات را ایجاد می کند، زیرا تا آنجائیکه جستجو گردید، عمل رقص یا رقصانیدن در متون قوانین جزائی کشور - جز در حق اطفال مذکر و مؤنث - در حق دیگران چون: اطفال مؤنث و یا مردان یا زنان رشید و بالغ، ممنوع یا غیر قانونی گفته نشده است. مگر اینکه برای غیر مجاز بودن " رقصانیدن" روی همین فقره قانونی استناد گردد، که این عمل نیز خالی از ملاحظات و تناقضات نبوده و پرسش های ذیل مطرح خواهد شد:

- ۱- آیا میتوان با استناد با متن همین ماده، فعل " رقصانیدن" به طور مطلق در حق مردان و زنان، اطفال و اشخاص رشید، مذکر و مؤنث همه، را غیر قانونی خواند؟
- ۲- در صورتیکه برای غیر قانونی بودن عمل " رقصانیدن" روی این فقره اتکا گردد، آیا عمل " رقصانیدن" در تمامی حالات - حالات عادی و قاچاق انسان - امر غیر قانونی خواهد بود یا اینکه در حالات عادی مجاز بوده و تنها " رقصانیدن" قربانیان قاچاق انسان، جرم تلقی می گردد؟
- ۳- آیا عمل رقص یا رقصیدن برای عموم اشخاص، - حتی در حالات عادی و یا هم در محافل خوشی - ممنوع و غیر قانونی خواهد بود یا خیر؟ اگر جواب مثبت باشد، مجازات آن چه خواهد بود؟
- ۴- آیا رقصیدن فعل مجاز و قانونی و " رقصانیدن" غیر مجاز و غیر قانونی خواهد بود؟.

فرع چهارم: تهیه تصاویر یا فلم های منافی اخلاق (پورنوگرافی):

تهیه تصاویر یا فلم های منافی عفت و اخلاق یا پورنوگرافی، عمل جرمی است که ماده ۸۷۶ کود جزا، صریحا آن را جرم انگاری و برای آن مجازات تعیین نموده است. فقره دوم این ماده نیز پورنوگرافی را چنین تعریف نموده است: « به مقصد فقره (۱) این ماده، پورنوگرافی عبارت از وسایل پورنوگرافیکی ای است که شخص یا اشیای ذیل را قابل رویت می سازد:

۱- شخص در حالت عمل جنسی آشکار.

۲- تصاویر واقعی نمایش دهنده شخص در حالت عمل جنسی آشکار».

بناء هرگاه مجنی علیه یا قربانیان جرم قاچاق انسان، به منظور تهیه تصاویر یا فلم های منافی اخلاق، قاچاق گردند، عمل مذکور جرم شمرده شده و قصد جرمی خاص در اینجا متحقق گشته است.

فرع پنجم: بردگی:

بردگی یا به بردگی گرفتن، به معنای سلب آزادی انسان و تجرید وی از حق انسانی آزاده بودن است، که پس از بردگی همانند اموال و ممتلكات شخصی، قابل معامله و تبادل قرار می گیرد.

بند ۳ ماده ۳۳۲ کود جزا نیز " به بردگی گرفتن " را با مفهوم مشابهی تعریف نموده و چنین می گوید: " اعمال اختیارات مربوط به حق مالکیت بر انسان، و مشتمل است بر اعمال چنین اختیاری در جهت خرید و فروش انسان به خصوص زنان و اطفال".

ازینکه افغانستان معاهدات الغاء بردگی و ضمیمه آن را عملا امضا و بدان تعهد نموده و از سوی دیگر برده گیری را در ماده ۳۳۵ کود جزا، در زمره جرایم ضد بشری، تصنیف نموده است، بناء برده گیری در جرم قاچاق انسان، رکن از ارکان این جرم یعنی کسب منفعت غیر قانونی از مجنی علیه و نوعی از بهره کشی به شمار می آید.

فرع ششم: گماشتن به کار اجباری:

گماشتن به کار اجباری نوعی دیگری از بهره کشی از قربانیان قاچاق و رکنی از ارکان این جرم شمرده شده است، مشروط بر اینکه گماریدن اجباری شخص مذکور به کار، به صورت غیر قانونی بوده و جهت اجبار کننده حق اجبار وی به کار را نداشته باشد.

بناء گماشتن اشخاص به کار اجباری، و استخدام یا نگهداری آنان در ساحات کار در موارد خاص یا عامی که قانون اجازه دهد، جرم قاچاق انسان تلقی نمی گردد مانند کار اجباری در قطعات نظامی که طبق اصول و اجراءات قانونی نظامی عملی می گردد یا به کار گیری و استخدام اجباری اشخاص و افراد در حالات اضطراری که بنابر عوامل و حوادث طبیعی یا حالات جنگ و تهاجم کشور های خارجی صورت می گیرد، از این امر مستثنی خواهد بود.

گماشتن به کار اجباری در قوانین افغانستان ممنوع است، ماده چهارم قانون کار افغانستان^۱ ضمن تأکید بر ممنوعیت کار اجباری، کار اجباری را تعریف و گماشتن به کار های قانونی را از دایره ممنوعیت خارج ساخته است، متن ماده مذکور تصریح میدارد که: " (۱) کار اجباری ممنوع است. کار وقتی اجباری پنداشته می شود که کارکن به وسیله تهدید یا به نحو دیگر خلاف اراده وی، به اجرای آن مکلف گردد. (۲) کاریکه کارکن به حکم قانون به اجرای آن مکلف گردد، اجباری پنداشته نمی شود".

در قوانین بین المللی نیز گماشتن به کار اجباری تعریف مشابهی دارد، چنانچه بند اول ماده دوم معاهده کار اجباری ۱۹۳۰ سازمان جهانی کار، در تعریف آن، چنین می گوید: " مراد از کار اجباری تمامی اعمال و خدماتی است که به گونه جبری و تحت تهدید به نوعی از انواع مجازات، بالای اشخاص تحمیل گردیده و شخص آن را به میل و اختیار خود انجام ندهد".

در ضمن تعریف، بند دوم ماده مذکور، حالات دیگری را که از تعریف کار اجباری مستثنی دانسته می شود، نیز بیان نموده است، این حالات عبارتست از:

^۱ - منتشره جریده رسمی شماره ۹۶۶ مؤرخ ۱۳۸۷/۹/۱۶ ه.ش.

- أ. هرگونه اعمال و خدمات که بموجب قوانین نظامی، و برای فعالیت های نظامی محض، بالای اشخاص امر می شود.
- ب. هرگونه اعمال یا خدماتی که از جمله واجبات مدنی عادی شهروندان یک کشور به شمار آید، مشروط بر اینکه کشور مذکور از سیادت و استقلالیت کامل، بهره مند باشد.
- ج. هر عمل یا خدمتی که از طرف سلطه قضایی بالای اشخاص تحمیل گردد، مشروط بر اینکه اعمال مذکور تحت نظارت نهاد های دولتی اجرا گردیده و شخص مذکور به هیچ یک از شرکت ها یا سازمان های خصوصی به کرایه داده نشود و یا تحت تصرف آنان گذاشته نشود.
- د. هر عمل یا خدمتی که به اثر مواجه شدن با حالات اضطراری (قوه قاهره) بالای اشخاص لازمی گردد، مانند حالات جنگ، حوادث و آفت های طبیعی چون آتش سوزی، طوفان، زلزله، گرسنگی عمومی، امراض ساری، هجوم حیوانات، حشرات یا آفت های زراعتی، یا هر آن خطری که سلامت جمعی شهروندان را به خطر مواجه سازد.
- ه. خدمات عادی و عامی که در قریه جات توسط اعضای مجتمع محلی و برای مصلحت محلی، انجام داده شده و از جمله مقتضیات همکاری های مدنی و اجتماعی افراد همان محله به شمار می آید، مشروط بر اینکه اشخاص مذکور یا نمایندگان شان، حق ارایه نظریات شان را داشته، صحت بودن و لازمی بودن اعمال مذکور را تایید نمایند.^۱

فعالیت شماره (۵)

قضیه فرضی:

شگوفه در یکی از شفاخانه های دولتی به صفت نرس "پرستار" استخدام و به کار آغاز نموده است، اما با ازدیاد مریضان کوید ۱۹ و بستری شدن چند تن آنان در این شفاخانه، نمیخواهد به وظیفه خویش ادامه دهد، اما اداره شفاخانه به وی اجازه خروج از شفاخانه را نداده و با استفاده از تهدید و نفوذ، وی را مدت یک هفته در شفاخانه نگهداری و جبرا برای پرستاری مریضان به کار می گیرد. شگوفه به حارنوالی زنگ زده و با شکایت از وضعیت خویش و استناد با همین ماده ۵۱۰ کود جزا، اداره شفاخانه را به قاچاق

^۱ - الشاعر، رامیا، الاتجار بالبشر، ۸۵-۸۶.

انسان، متهم می نماید، اما اداره حارنوالی به شکایت وی اهمیتی نداده، موضوع را یک امر اداری می داند، در این قضیه:

۱- آیا ادعای شگوفه درست بوده و متهم ساختن شفاخانه به جرم قاچاق انسان صحت دارد؟ اگر صحت داشته باشد ارکان و عناصر جرم قاچاق در اینجا کدام ها اند؟

۲- اگر چنین کاری در یکی از شفاخانه های شخصی صورت گیرد، آیا در نتایج قضیه و تحقق یا عدم تحقق جرم، تفاوتی به میان خواهد آمد؟

۳- آیا عدم پیگیری موضوع از جانب حارنوالی، تصرف قانونی و به جا بوده است یا اینکه حارنوال در اینجا مرتکب اشتباه قانونی و تخلف وظیفوی گردیده است؟

فرع هفتم: گدایی:

قانون گذار از گدایی نیز من حیث یکی از موارد بهره کشی یا کسب منفعت غیر قانونی از قربانیان قاچاق، نام برده است. گدایی در ماده سیزدهم قانون حمایت اجتماعی منتشره جریده رسمی شماره ۱۳۰۰ مؤرخ ۲۵ ثور ۱۳۹۷ ممنوع قرارداده شده است، متن ماده مذکور تصریح میدارد که: "هیچ شخص اعم از زن و مرد نمی تواند، به عمل گدائی مبادرت ورزد یا از اطفال و یا اشخاص مجنون، معلول یا معیوب به این منظور استفاده نماید".^۱

بناء با استناد به ماده قانونی یاد شده، عمل گدایی در قوانین کشور جرم بوده و شخصی که از قاچاق شده گان برای گدائی استفاده نموده و آنانرا درین کار مشغول میدارد، مرتکب جرم قاچاق انسان می گردد. چنانچه فقره (۴) ماده پانزدهم قانون مذکور نیز صریحا تأکید میدارد که: "شخصی که گروهی را به منظور

^۱ - قابل یاد آور نیست که جرم انگاری گدایی در قانون مذکور، خالی از ملاحظات و خلاهایی نیست، زیرا از یک طرف در ماده سیزدهم به منع گدایی به گونه مطلق حکم شده است، و از طرف دیگر محول ساختن گداها به مراجع عدلی و قضایی - بعد از جمع آوری آن ها - را به این شرط مقید ساخته است که ثابت گردد آنان بی بضاعت نمی باشد، از سوی دیگر هم اشخاصی را که به گونه حرفوی به عمل گداگری مبادرت می ورزند به حبس سه الی شش ماه محکوم ساخته است، با این همه، و با استناد با محتویات کلی قانون مذکور، میتوان گفت که عمل گداگری در قانون مذکور جرم دانسته شده و بکارگیری قربانیان قاچاق در گداگری، بهره کشی یا (کسب منفعت غیر قانونی) از آنها می باشد.

عمل گدائی استخدام یا سازماندهی نماید، مرتکب جرم قاچاق انسان شناخته شده و به مجازات پیشبینی شده قانون مذکور محکوم می گردد".

فعالیت شماره (۶)

قضیه فرضی:

حمید نام جمعی از از زنانی که سن شان فوق ۱۸ سال است، را تهدید و آنان را به عمل گدایی و ادار می سازد، و در اخیر روز آنانرا در موتر سراچه که دارد که از سرک ها جمع آوری و پول های جمع کرده شانرا از نزد شان می گیرد، حمید به اثر شکایت یکی ازین خانم ها، به تاریخ ۱۵ حمل ۱۳۹۷ دستگیر و اتهام قاچاق انسان به وی نسبت داده می شود، نسیمه وکیل مدافع حمید اتهام موکلش به قاچاق انسان را رد نموده و در پیشگاه محکمه استدلال می نماید که ارکان جرم قاچاق انسان در اینجا متحقق نیست، زیرا در تاریخ گرفتاری حمید، هیچ نص وجود نداشت که عمل گدایی یا وادار ساختن اشخاص بزرگ سال، به گدایی را جرم انگاری کرده باشد و قانون حمایت اجتماعی بعد از گرفتاری موکلش نافذ گردیده است بناء یکی از ارکان جرم قاچاق انسان که همانا بهره کشی یا کسب منفعت غیر قانونی از اشخاص قاچاق شده است، تحقق نیافته است؟

این قضیه را چگونه ارزیابی می نمایید؟ آیا توجیه اتهام قاچاق انسان از طرف حارنوالی درست و قانونی است و یا هم دفاعیه نسیمه وکیل مدافع متهم؟

اگر وصف جرمی قاچاق انسان درین قضیه موجه نباشد، آیا میتوان عمل حمید را جرم شمرد؟ و چه جرمی؟

فرع هشتم: جنگ مسلحانه:

جنگ مسلحانه نوعی دیگری از بهره کشی یا کسب منفعت غیر قانونی از مجنی علیه قاچاق انسان است، جنگ مسلحانه در کود جزا تعریفی نشده است، اما منازعه مسلحانه که مرادف آن است در بند (۱۲) ماده (۳۳۲) کود جزا که به اصطلاحات جرایم نسل کشی اختصاص یافته است، چنین تعریف گردیده است:

منازعه مسلحانه: عبارت است از استفاده از نیروی نظامی یا توسل به آن به شکلی که نظر به ماهیت، شدت و گستردگی آن حالت جنگ شناخته شود، بین یک یا چند دولت، یا یک یا چند گروه یا یک یا چند دولت یا بین یک یا چند گروه، بدون نظر داشت این که عملاً منازعه واقع شده یا طرفین آن را رسماً اعلام نموده باشند".

بناء ارتکاب یکی از رفتارهای جرمی یاد شده در تعریف جرم قاچاق، به وسیله یکی از شیوه های یاد شده به منظور استخدام مجنی علیه در منازعات و جنگ های مسلحانه میان کشورها یا گروه ها، مصداق دیگری از مصادیق جرم قاچاق انسان به شمار می آید. هرچند منازعه عملاً آغاز یا اعلام نگردیده باشد.

فرع نهم: برداشت عضو یا انساج بدن:

برداشت عضو یا انساج بدن، قصد خاص و مورد دیگری از بهره کشی در جرایم قاچاق انسان خوانده شده است، هرگاه عضوی از اعضای بدن مجنی علیه در جرم قاچاق، یا انسجه وجود وی، برداشته شود، جرم قاچاق انسان تحقق یافته است.

در رابطه به تعریف عضو و انساج باید گفت عضو یا انسجه بدن انسان در کود جزاء یا سایر قوانین ذیربط کشور تعریف مشخصی نشده است، اما بحث و جستجوی علمی نشان میدهد که دانشمندان برای هر کدام تعریف اصطلاحی دارند که ذیلاً نقل می گردد:

عضو:

عضو، از حیث لغوی به هر بسته یا کتله گوشتی جسم یا جزء از جسد انسان مانند دست، پا، چشم، گوش یا...، اطلاق می گردد که وظیفه معینی را در جسم انجام میدهد.

اما در اصطلاح طبی مراد از عضو، هر جزء از اجزاء بدن اعم از انساج، خلیه ها، خون و همانند آن ها است خواه متصل به جسم باشد یا منفصل از آن.

این تعریف از دیدگاه مجمع فقه اسلامی - جده - نیز مورد تأیید قرار گرفته و از دیدگاه آنان نیز کلمه "عضو" هر جزء از اجزاء بدن انسان را شامل می گردد مانند: انساج، هسته ها، خون و امثال آن، مانند قرنیه چشم، خواه به وجود انسان چسبیده باشد یا جدا.

دیده می شود که نظر به این دو تعریف، خون نیز عضوی از اعضای بدن انسان به شمار می آید، در حالیکه برخی با در نظر داشت تعریف لغوی، برین باورند که خون از جمله اعضای وجود انسان نیست، زیرا قطعه مرکب از استخوان و گوشت نمی باشد.^۱

انساج:

انساج (جمع نسیج) و مراد از آن، هر مجموعه از هسته های بدن است که دارای وظیفه و ساختار مشترک باشد، که در مجموع، انسجه بدن به بخش های مختلفی چون، انساج ظاهری (جلد و پوست)، عضلاتی (عضلات دست و پا و قلب)، ارتباطی (ارتباط دهنده عضلات با استخوان ها و یا میان سائر اعضای بدن) و عصبی (دماغ و نخاع شوکی) تقسیم می گردد.^۲

فعالیت شماره (۷)

سوال یا تفکر انتقادی:

کود جزا در حالی " برداشت عضو یا انساج بدن " را بهره کشی یا کسب منفعت غیر قانونی از مجنی علیه قاچاق انسان، میداند که حکم قانونی برای مشروعیت یا عدم مشروعیت، و یا تنظیم احکام آن، وجود ندارد^۳، پس آیا مطلق برداشت عضو یا انساج بدن انسان، کسب منفعت غیر قانونی خواهد بود؟ عضو یا نسیج در قوانین افغانستان چه تعریفی دارد و شامل کدام اجزای بدن می گردد؟ آیا رضایت یا عدم رضایت مجنی علیه در مشروعیت یا عدم مشروعیت برداشت عضو تأثیری دارد یا خیر؟ چگونه و در کدام موارد میتوان گفت که برداشت عضو یا انساج بدن " کسب منفعت غیر قانونی " به شمار می آید؟

^۱ - نعومی، عبدالکریم، مقال تحت عنوان " الحماية الجنائية للأعضاء البشرية على ضوء قانون رقم ۱۶/۹۸ " ، موقع :

<https://www.mohamah.net/law> ، تاریخ النشر: ۱۸ دسامبر، ۲۰۱۶ .

^۲ - <https://almaghfera.ahlamontada.com/t۶۲۶۱-topic/>

^۳ - در حد علم نویسنده و بعد از جستجو و تحقیق.

با در نظر داشت تفکر انتقادی فوق الذکر، قابل یادآوری میدانیم که از دیدگاه برخی دانشمندان حقوق و در پرتو قوانین اختصاصی "پیوند اعضای بدن انسان" در برخی از کشورها^۱، برداشت اعضای بدن انسان وقتی غیر قانونی و جرم پنداشته می شود که :

- به صورت مخفیانه و دزدانه گرفته شده باشد.
- عملیه برداشت عضو در خارج از مؤسسات طبی دارای مجوز قانونی، و یا برخلاف احکام قانون صورت گرفته باشد.
- تبرع (بخشش) عضو یا اخذ آن، به نحوی از انحاء، صبغه تجارتي داشته باشد.
- عملیه نقل و برداشت عضو از وساطت و پادرمیانی دلالان و سمساران تجارتي خالی نباشد.
- در مقابل اجرای عملیات انتقال و زرع عضو، مزد و فیس، پرداخته و گرفته شده باشد.^۲

فرع دهم: آزمایشات طبی اجباری:

آزمایشات طبی اجباری نوع دیگری از بهره کشی ها یا کسب منفعت غیر قانونی است که یکی از مقاصد خاص جرم قاچاق انسان دانسته می شود، هرگاه شخصی با اعمال یکی از رفتارها و شیوه های جرمی تعیین شده در ماده ۵۱۰ کود جزا، قاچاق گردیده و سپس مورد آزمایشات طبی اجباری گردد، جرم قاچاق انسان تحقق یافته است.

آزمایشات طبی اجباری ممکن است به شیوه های مختلف صورت گیرد، مانند تطبیق ادویه مختلف، اخذ نمونه ها و تطبیق معاینات لابراتواری، آزمایش وسایل و ماشین آلات طبی غرض متأكد شدن از کارکرد ماشین آلات مذکور، اجرای عملیات های جراحی یا تلقیحی وغیره.....

البته در رابطه به ممنوع بودن یا نبودن آزمایشات طبی اجباری، در قوانین اختصاصی صحی کشور، حکم صریحی وجود ندارد، اما موارد مشابهی چون اخذ موافقه کتبی مریضان یا قائم مقام قانونی آن ها در

^۱ - به طور مثال قانون تبرع، نقل و زرع اعضای بشری سال ۱۹۹۹، کشور شاهی المغرب.

^۲ - نعومی، عبدالکریم، مقاله تحت عنوان "الحماية الجنائية للأعضاء البشرية على ضوء قانون رقم ۱۶/۹۸"، <https://www.mohamah.net/law>، تاریخ نشر ۱۸ دسامبر ۲۰۱۶.

اجرای عملیات جراحی، هنگام معالجه و تداوی، در ماده بیستم قانون صحت عامه کشور^۱، و همچنان اجرای معاینات لابراتواری با موافقه مریض یا اشخاص معینی آنان، در ماده چهارم مقررہ لابراتوار های طبی شخصی^۲، تصریح و تنظیم گردیده است. از سوی دیگر، ماده (۲۱) قانون صحت عامه کشور در رابطه به تدابیر اجباری صحی چون بستر کردن و تداوی مریضان خطرناک ساری و انتانی، استثناءاتی را ذکر نموده است، متن ماده مذکور چنین حکم میکند: "ادارات و مؤسسات صحت عامه به منظور حفظ سلامت مردم در مقابل امراض خطرناک ساری و انتانی، روانی و اعتیاد به مواد مخدر، تدابیر خاص و قایوی و معالجوی را اتخاذ می نمایند. در صورت لزوم مصابین به چنین امراض، به صورت اجباری بستر و تداوی می گردند". که درین صورت گاهی ممکن است "بستر و تداوی اجباری" همچو مریضان، آزمایشات طبی اجباری را نیز در پی داشته باشد که خلاف قانون نمی باشد.

فرع یازدهم: وادار نمودن به سایر فعالیت های غیر قانونی:

قانونگذار بعد از موارد معینی از بهره کشی در جرم قاچاق انسان، از وادار نمودن به سایر فعالیت های غیر قانونی، نام برده است، که این وصف بیانگر آن است که موارد قبلی، به گونه مثال ذکر شده است نه انحصاری.

بناء هرگونه منفعت غیر قانونی دیگری که از قاچاق شده گان، بدست آورده می شود، شامل این وصف گردیده و از جمله مقاصد خاص جرم قاچاق انسان یعنی بهره کشی، تلقی می گردد، که این خود یکی از مزایای کود جزا، به شمار می آید.

^۱ - قانون صحت عامه، منتشره جریده رسمی شماره ۱۰۰۴ مؤرخ ۲۱ قوس ۱۳۸۸ ه.ش.

^۲ - مقررہ لابراتوار های طبی شخصی، منتشره جریده رسمی شماره ۹۱۶ مؤرخ ۵ حوت ۱۳۸۵ ه.ش.

مبحث دوم: مجازات جرم قاچاق انسان:

کود جزا در ماده ۵۱۱ و ما بعد آن، مجازات مرتکب جرم قاچاق انسان، را بیان می‌دارد، این مجازات حالات عادی و مشدده جرم قاچاق انسان را شامل گردیده، از حبس طویل آغاز و تا حبس دوام درجه ۲ و درجه ۱، امتداد می‌یابد. گاهی هم در حالاتی که جرم قاچاق و اختطاف باهم خلط گردد، مجازات جرم اختطاف نیز برای مرتکب جرم قاچاق، در نظر گرفته شده است، برای اشخاص حکمی نیز جرایم نقدی و سلب جواز فعالیت، پیش‌بینی شده است.

تحت این مبحث، ابتدا مجازات جرم قاچاق انسان در حالات عادی، سپس مجازات حالات مشدده آنرا بیان خواهیم کرد، همچنان مجازات اشخاص حکمی، شریک، معاون و سایر کسانی که به نحوی در ارتکاب این جرم سهیم و دخیل اند بیان می‌کنیم، و مسایل مربوط به معافیت از مجازات و عدم تعقیب عدلی نیز بیان می‌شود.

گفتار اول: مجازات حالات عادی:

ماده ۵۱۱ کود جزا بیانگر حالات عادی جزای جرم قاچاق انسان است. مقدار جزای حالت عادی نظر به شخصیت مجنی علیه متفاوت است، به این معنی که اگر مجنی علیه طفل باشد، جزای مرتکب جرم، حبس طویل بیش از ده سال است، و اگر مجنی علیه شخص دیگری غیر از طفل باشد جزای آن حبس طویل تا ده سال است، مگر اینکه ماده ۵۱۲ که بیانگر حالات مشدده است طور دیگری تصریح کرده باشد.

فعالیت شماره (۸)**سوال مباحثوی:**

با وجود اینکه جزای مندرج فقره (۲) ماده ۵۱۱ و جزای مندرج جزء ۱ ماده ۵۱۲ کود جزا، یکسان هستند، یعنی (حبس طویل بیش از ده سال) پس چرا جزای مندرج جزء ۱ ماده ۵۱۲، مشدده خوانده شده است؟

گفتار دوم: مجازات حالات مشدده:

در ماده ۵۱۲ کود جزا، حالات مشدده جرم قاچاق انسان را نظر به شخصیت مرتکب و نحوه ارتکاب جرم، حسب احوال حبس طویل بیش از ده سال تا حبس دوام درجه ۱ تعیین شده است.

عواملی که در ماده ۵۱۲ کود جزا موجب تشدید جزا گردیده است قرار ذیل می‌باشد:

ا. شخصیت مجنی علیه: هرگاه مجنی علیه طفل یا زن باشد، جزای مرتکب به حبس طویل بیش از ده سال تشدید می‌یابد.

ب. شخصیت مرتکب: هرگاه مرتکب جرم قاچاق انسان، همسر، والدین یا سرپرست قانونی و یا موظف خدمات عامه باشد، به جزای حبس طویل بیش از ده سال محکوم می‌گردد، زیرا آنها بالای مجنی علیه نفوذ دارند.

ج. برخورد و رفتار قاچاقبر انسان، با مجنی علیه و ارتکاب جرم زنا یا لواط با مجنی علیه: در صورت تحقق شرایط، حد شرعی تطبیق می‌شود، در غیر آن مرتکب با رعایت قواعد مربوط به تعدد جرائم، تعزیراً مجازات می‌گردد.

د. نحوه بهره‌کشی و استفاده از مجنی علیه بعد از قاچاق (بهره‌کشی جنسی یا تهیه تصاویر و فلم).

هریک از عوامل فوق الذکر، تحت مطالب جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرد:

مطلب اول: تشدید مجازات بنا بر وضعیت و اوصاف مجنی علیه:

بدر نظر داشت آنچه که در مورد عدم تنظیم و ترتیب دقیق مواد مندرج کود جزا، تذکر داده شد، فقره (۲) ماده ۵۱۱ کود جزا حکم می‌کند که «هرگاه مجنی علیه طفل یا زن باشد یا در عمل رقصانیدن مورد بهره برداری قرار گرفته باشد، مرتکب به حبس طویل بیش از ده سال، محکوم می‌گردد.»

این فقره، وضعیت مجنی علیه و بهره‌برداری از وی را موجب تشدید مجازات مرتکب آن دانسته و جزای آنرا تا حبس طویل بیش از ده سال تعیین نموده است. ضمناً با تدقیق و تحلیل متن این ماده، ملاحظات و نکات آتی قابل ذکر است:

اول: مفهوم طفل وزن:

طفل: نظر به ماده ۳۹ قانون مدنی افغانستان و همچنان بند اول ماده چهارم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، " طفل شخصی است که سن هیجده سالگی را تکمیل نکرده باشد".^۱

زن: زن در بند اول ماده سوم قانون منع خشونت علیه زن به "اناث بالغ و نابالغ" تعریف گردیده است.^۲ با در نظر داشت تعریف "طفل" و "زن" در قوانین یاد شده، دیده می‌شود که هر چند اصطلاح "طفل" که در اینجا ذکر شده است، پسران و دخترانی که سن هیجده سالگی را تکمیل نکرده اند، هر دو را شامل می‌شود، بازهم ورود کلمه "زن" این مفهوم را افاده می‌کند که مراد از زن در اینجا تنها "اناث بالغ" خواهد بود، زیرا "اناث نابالغ" خود در تعریف "طفل" شامل گردیده است، در غیر آن مفهوم "طفل" و "اناث نابالغ" مفهوم تکراری خواهد بود.

دوم: مفهوم و تفسیر متن فقره (۲) ماده ۵۱۱:

ظاهراً از متن این فقره چنین برداشت می‌شود:

آنچه را که قانون‌گذار در اینجا موجب تشدید مجازات دانسته است، صفت موضوع جرم (طفل بودن و زن بودن مجنی علیه) یا نوعیت بهره برداری از او (رقصانیدن) است. ملاحظه می‌شود که اجتماع هر دو حالت شرط نیست، زیرا از لفظ "یا" استفاده شده است. «هرگاه مجنی علیه طفل، یا زن باشد یا در عمل رقصانیدن مورد بهره برداری قرار گرفته باشد».

بنابراین، نظر به همین فقره، می‌توان گفت که مفاد این حکم، در حالات ذیل قابل تطبیق خواهد بود:

- ✓ هرگاه پسری و یا دختری که سن هیجده سالگی را تکمیل نکرده باشد، قاچاق گردد.
- ✓ هرگاه "اناث بالغ" قاچاق گردد.
- ✓ هرگاه مرد بالغ در نتیجه عمل رقصانیدن مورد بهره برداری قرار گرفته باشد.

^۱ - قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، منتشره جریده رسمی شماره ۸۶۴ مؤرخ ۳ حمل ۱۳۸۴.

^۲ - قانون منع خشونت علیه زن منتشره جریده رسمی شماره ۹۸۹ مؤرخ ۱۰/۵/۱۳۸۸.

مرتکب جرم قاچاق در حالات فوق الذکر، به حبس بیش از ده سال محکوم خواهد شد.

چنانچه گفته شد، با در نظر داشت سیاق ظاهری این فقره، جمله طوری تفسیر می‌گردد که " طفل بودن " و " زن بودن " معنی علیه، هر کدام یک سبب از اسباب تشدید مجازات شمرده شده است. همچنان بهره برداری توسط رقصانیدن معنی علیه (غیر از زن و طفل) نیز از اسباب تشدید مجازات است. در این صورت مفهوم جمله درست خواهد بود.

فعالیت شماره (۹)

سوال مباحثوی:

ملاحظه می‌شود که هرگاه معنی علیه جرم قاچاق انسان طفل باشد، کود جزا مجرد رفتار جرمی به قصد بهره‌کشی را برای تحقق جرم کافی دانسته است و شرط نگذاشته که شیوه‌های خاصی چون اجبار، حیل و فریب و غیره استفاده شده باشد. از نظر شما آیا این امر سبب نمی‌شود که بین جرم قاچاق انسان در حق اطفال ذکور و جرم بچه بازی تداخل واقع شود، درحالیکه جزای آنها بسیار زیاد متفاوت است؟ مثلاً زمانیکه یک پسر استخدام می‌شود، یا نگهداری می‌شود از سوی شخصی به منظور رقصانیدن. این عمل هم تحت وصف جرمی قاچاق انسان و هم تحت وصف جرمی بچه بازی قرار می‌گیرد.

جالب اینست که جزء ۶ فقره ۱ ماده ۵۱۰ کود جزا کسب رضایت بزرگسال در مقابل مال را معادل اجبار خوانده و موضوع را تابع جرم قاچاق دانسته است. به این اساس هرگاه یک شخص بزرگسال که در مقابل پول راضی شده رقصانیده شود اگر از سوی شخصی استخدام و یا نگهداری می‌شود این عمل را کود جزا قاچاق انسان خوانده است. خلاصه اینکه، یگانه حالتی که عمل رقصانیدن تحت قاچاق انسان نمی‌آید این است که یک شخص بزرگسال بشکل مجانی حاضر شود برقصد.

مطلب دوم: تشدید مجازات بنابر وصف مرتکب:

فقره (۱) ماده (۵۱۲) کود جزا چنین تصریح می‌کند:

"(۱): در صورتی که مرتکب جرم قاچاق انسان، همسر، والدین یا سرپرست قانونی مجنی علیه یا موظف خدمات عامه باشد، مرتکب به حبس طویل بیش از ده سال محکوم می‌گردد".

در اینجا قانون‌گذار وصف مرتکب قاچاق انسان را موجب تشدید مجازات دانسته است. این اوصاف عبارت اند از: همسر، والدین، سرپرست قانونی و موظف خدمات عامه. پس هرگاه مرتکب جرم قاچاق انسان، یکی از اشخاص یاد شده باشد، به جزای مشدده یعنی حبس طویل بیش از ده سال محکوم می‌گردد. البته تشدید مجازات اشخاص فوق الذکر، از طرف قانون‌گذار، امر قابل درک و تقدیر است، زیرا اشخاص مذکور غالباً اشخاص امین پنداشته شده و گمان نمی‌رود که دست به قاچاق کسانی بزنند که تحت رعایت آنها قرار دارند. به همین جهت در تناسب با شدت جرم، جزای آن نیز تشدید یافته است.

در رابطه به "والدین" یک سوال مطرح است که آیا والدین منحصر به پدر و مادر است یا شامل پدر بزرگ و مادر بزرگ نیز می‌شود؟ پاسخ احتمالی این است که منحصر به پدر و مادر می‌باشد. اما در مورد اشخاص دیگر باید بحث کوتاهی داشته باشیم:

همسر: به معنای برابر، هم‌اندازه و زن یا شوهر است.^۱ به نظر می‌رسد که در ادبیات رائج کشور و از حیث معنای عرفی، کلمه "همسر" به هر یک از زن و شوهر اطلاق می‌شود؛ بناء هر یک از زوجین، طرف مقابل خود را همسر گفته می‌تواند. بنابراین، هر گاه شوهر، خانم خود را یا خانم، شوهر خود را قاچاق کند، مرتکب جرم مندرج جزء ۱ ماده ۵۱۲ کود جزا پنداشته شده و به جزای معینه آن مجازات می‌شود.

سرپرست قانونی:

مراد از سرپرست قانونی مجنی علیه، شخصی است که قانوناً مکلف به رعایت و سرپرستی اشخاص دیگری باشند که به دلیل صغر سن، مرض یا علل دیگری نمی‌توانند امور زندگی - بالخصوص اداره اموال - خویش را به درستی به پیش ببرند. سرپرست قانونی شامل ولی، وصی و قیم می‌شود. احکام مربوط به سرپرست قانونی در مواد ۲۶۸-۳۲۲ قانون مدنی افغانستان تنظیم شده است.

^۱ t=like&s=۸&همسر=https://www.vajehyab.com/?q=

بناء، هرگاه، مجنی علیه توسط سرپرست قانون او قاچاق شود، به جزای حالت مشدده (حبس طویل بیش از ده سال) مندرج جزء ۱ ماده ۵۱۲ کود جزا محکوم می‌گردد.

موظف خدمات عامه:

موظف خدمات عامه در بند (۳) ماده چهارم کود جزا، چنین تعریف است: موظف خدمات عامه شخصی است که به اجرای خدمات عامه توظیف گردیده و شامل اشخاص ذیل می‌باشد:

- کارکن دولت، تصدی ها و شرکت‌های دولتی.
- کارکن مؤسسه‌های عامه یا تشبثاتی که خدمات عامه را انجام می‌دهند.
- اعضای ارکان دولت و نهادهای انتخابی.
- قاضی، خارنوال، وکیل مدافع، حکم، اهل خبره، شهود و سایر اشخاصی که تصادیق شان معتبر شناخته شود.
- شخصی که رسماً به انجام خدمات عامه موظف شده باشد.

فعالیت های شماره (۱۰)

قضیه فرضی (الف):

جمال پرستار یکی از شفاخانه های خصوصی، دختر نوزادی را با پسر نوزاد دیگر تبدیل کرد، سپس وی را به شخص دیگری فروخت. وصف جرمی عمل جمال را مستند به کود جزا، تشخیص کنید؟

قضیه فرضی (ب):

کمال، سر معلم یک مکتب خصوصی، یکی از شاگردان اناث این مکتب را به گروه سه نفری که با پدر شاگرد مذکور دشمنی داشتند، تسلیم نمود، آنها شاگرد را با خود بردند و در محافل رقصانند، اشخاص مذکور در بدل این همکاری برای سر معلم مکتب مبلغ دو صد هزار افغانی پرداخت کردند.

وصف جرمی سر معلم و سه شخص دیگر را مستند به کود جزا مشخص کنید؟

مطلب سوم: تشدید مجازات بنابر رفتار قاچاقبر با مجنی علیه:

جزء ۲ ماده ۵۱۲ کود جزا، حالتی را پیش‌بینی می‌کند که در آن قاچاقبر انسان افزون بر ارتکاب جرم قاچاق، مرتکب لواط یا زنا با مجنی علیه نیز می‌شود. زنا یا لواط با مجنی علیه قاچاق انسان، موجب تشدید جزا گردیده و مرتکب به حد اکثر حبس طویل یا حبس دوام محکوم می‌گردند.

زنا طبق فقره (۱) ماده ۶۴۳ کود جزا عبارت از مقاربت جنسی زن و مردی است که بین آنها رابطه زوجیت موجود نباشد، و لواط مطابق فقره (۲) ماده ۶۴۶ کود جزا، عبارت است از دخول اندام تناسلی مرد در دبر زن یا مرد دیگری، به هر اندازه که باشد.

اگر قاچاقبری که با مجنی علیه، زنا یا لواط نموده است، شرایط تطبیق حد تکمیل نگردد، یا حد به یکی اسباب مسقطه ساقط شود، مرتکب مطابق جزء ۲ ماده ۵۱۲ کود جزا به حد اکثر حبس طویل یا حبس دوام درجه ۲ محکوم می‌گردد.

فعالیت شماره (۱۱)

سوالات مباحثی:

در رابطه به جرم و جزای مندرج جزء ۲ ماده ۵۱۲ کود جزا به سوالات زیر پاسخ دهید و بعد از پاسخ دادن، جزای مندرج فقره مذکور را نیز ارزیابی نمایید.

۱- جزای جرم زنا و جرم لواط مطابق کود جزا چیست؟

۲- جزای جرم قاچاق انسان مطابق کود جزا چیست؟

۳- زنا یا لواط با مجنی علیه قاچاق انسان از کدام نوع تعدد جرایم است، تعددی مادی یا معنوی؟ و جزای مرتکب مطابق قاعده تعدد جرایم، در این قضیه چقدر خواهد شد؟

۴- جزای جرم مندرج جزء ۲ ماده ۵۱۲ کود جزا را در روشنایی پاسخ‌های فوق، ارزیابی کنید؟

مطلب چهارم: تشدید مجازات بنابر نحوه بهره‌کشی از مجنی علیه:

فقره های (۳) و (۴) ماده ۵۱۲ کود جزا، نحوه بهره کشی از مجنی علیه را یکی از عوامل تشدید جزا دانسته است، در این میان، بهره کشی جنسی و استفاده از مجنی علیه در تهیه تصاویر یا افلام غیر اخلاقی (پورنوگرافی) را در یک ردیف قرار داده و برای مرتکب، حد اکثر حبس طویل را پیش بینی نموده است. فقره (۳) این ماده چنین تصریح می کند:

"(۳) در صورتی که مجنی علیه مورد بهره کشی جنسی قرار گرفته یا در تهیه تصاویر یا فلم های غیر اخلاقی (پورنوگرافی) از وی استفاده شده باشد، به حد اکثر حبس طویل".

اما فقره (۴) این ماده سه نوع بهره کشی دیگر از مجنی علیه قاچاق انسان را ذکر کرده و برای هر یک حبس دوام درجه ۲ تعیین نموده است، و در صورت مرگ مجنی علیه، حبس دوام درجه ۱ قابل تطبیق است. این حالات عبارت اند از:

أ. استفاده از مجنی علیه در جنگ مسلحانه.

ب. قطع عضو یا انساج بدن مجنی علیه که منجر به معلولیت دائمی فیزیکی یا روانی مجنی علیه گردد.

ج. اجرای آزمایشات طبی اجباری.

جزء اخیر این فقره تصریح می کند که در صورت مرگ مجنی علیه در حالات فوق الذکر، مرتکب به حبس دوام درجه ۱ محکوم می گردد.

فعالیت شماره (۱۲)

تفکر انتقادی:

متن این فقره و قرائت محتوی آن سوالات و ملاحظات ذیل را در ذهن خواننده ایجاد می کند:

۱- قانون گذار در فقره (۴) ماده ۵۱۲ کود جزا تشدید مجازات قاچاق انسان که در آن عضو یا انساج بدن مجنی علیه قطع یا برداشته شده باشد را مقید و مشروط به (معلولیت دائمی فیزیکی یا روانی مجنی علیه) نموده است. سوال قابل طرح این است که در گرفتن انساج و خلایای جسم ممکن است که انساج یا

خلایای جدید و بدیل در بدن ایجاد و رشد کند، اما در قطع و برداشت اعضای بدن، آیا می‌توان عکس این حالت را تصور کرد که در آن عضوی از اعضای بدن قطع گردد اما سبب معلولیت دائمی فیزیکی یا روانی مجنی علیه نگردد؟

۲- قید وارده در جمله "و در صورت مرگ مجنی علیه به حبس دوام درجه ۱" آیا این عبارت تنها به "آزمایش طبی اجباری" تعلق دارد یا به همه انواع بهره‌کشی‌های وارده در این فقره؟ به عبارت دیگر آیا با استناد به این فقره، احکام ذیل درست است؟

۱- در صورتی که مجنی علیه جرم قاچاق انسان به جنگ مسلحانه گماشته شده باشد، مرتکب به حبس دوام درجه ۲، و در صورت مرگ مجنی علیه (در نتیجه گماشته شدن وی در جنگ مسلحانه) به حبس دوام درجه ۱، محکوم می‌گردد؟

۲- در صورتیکه عضو یا انساج بدن مجنی علیه، قطع و برداشت شده و منجر به معلولیت دائمی فیزیکی یا روانی مجنی علیه گردد، مرتکب به حبس دوام درجه ۲، و در صورت مرگ مجنی علیه (به اثر قطع و برداشت عضو) به حبس دوام درجه ۱، محکوم می‌گردد؟

نکات فوق بعد از بحث و بررسی توسط اشتراک‌کننده‌ها، تأیید یا رد گردد و در صورت رد، پاسخ‌های جدید ارائه کنند.

گفتار سوم: مجازات فاعل قطع و برداشت عضو و انساج بدن یا آزمایشات طبی:

بعد از بیان حالات عادی و مشدده جرم قاچاق انسان، قانون‌گذار در ماده ۵۱۳ کود جزا، به بیان مجازات اشخاصی پرداخته است که در جرم قاچاق انسان، اعضا و انساج بدن انسان را برداشته و یا قطع می‌کنند، و یا آزمایشات طبی اجباری را انجام می‌دهند. متن ماده مذکور چنین تصریح می‌کند: "(۱) شخصی که عضو یا انساج بدن مجنی علیه را قطع یا برداشت نموده یا وی را مورد آزمایش طبی اجباری قرار داده و عمل مذکور منجر به معلولیت دائمی فیزیکی یا روانی مجنی علیه یا مرگ وی نگردیده باشد، مرتکب به حبس طویل بیش از ده سال، محکوم می‌گردد.

(۲): هرگاه عمل مندرج فقره (۱) این ماده، منجر به معلولیت دائمی فزیکمی یا روانی مجنی علیه گردیده باشد، مرتکب به حبس دوام درجه ۲، محکوم می‌گردد.

(۳): هرگاه هرگاه عمل مندرج فقره (۱) این ماده، منجر به مرگ مجنی علیه گردیده باشد، مرتکب به حبس دوام درجه ۱، محکوم می‌گردد.

اجرای اعمال مذکور را قانون‌گذار به سه نوع تقسیم و در تناسب به آن، برای هر یک مجازات ذیل را پیش‌بینی نموده است:

الف: هرگاه قطع یا برداشت عضو یا انساج بدن، یا اجرای آزمایش طبی اجباری، منجر به معلولیت دائمی فزیکمی یا روانی مجنی علیه یا مرگ وی نگردیده باشد، حبس طویل بیش از ده سال.

ب: هرگاه قطع یا برداشت عضو یا انساج بدن، یا اجرای آزمایش طبی اجباری، منجر به معلولیت دائمی فزیکمی یا روانی مجنی علیه گردیده باشد، حبس دوام درجه ۲.

ج: هرگاه قطع یا برداشت عضو یا انساج بدن، یا اجرای آزمایش طبی اجباری، منجر به مرگ مجنی علیه گردیده باشد، مرتکب به حبس دوام درجه ۱.

گفتار چهارم: مجازات قاچاق انسان به وسیله اختطاف:

در میان شیوه‌ها و وسائل جرمی که بکارگیری آن، در جرم قاچاق انسان، پیش‌بینی شده است، ارتکاب جرم قاچاق انسان از طریق اختطاف، حالت ویژه را به خود گرفته و قانون‌گذار ماده ۵۱۴ کود جزا را برای بیان مجازات شخصی تخصیص داده است که جرم قاچاق انسان را با بکارگیری اختطاف، مرتکب می‌گردد.

ماده ۵۱۴ کود جزا در زمینه چنین تصریح می‌کند: "هرگاه مجنی علیه قاچاق انسان از طریق اختطاف، تحت تسلط قرار گرفته باشد، مرتکب به مجازات جرم اختطاف یا قاچاق انسان هر یک که شدیدتر باشد، محکوم می‌گردد".

فعالیت شماره (۱۳)

کار گروهی:

۱- آیا جرم مندرج ماده ۵۱۴ کود جزا تعدد مادی است یا تعدد معنوی؟

۲- آیا جزای مندرج این ماده طبق قاعده تعدد جرایم پیش بینی شده است یا بر خلاف آن؟

گفتار پنجم: مجازات شخص حکمی در جرم قاچاق انسان:

شخص حکمی مطابق ماده ۳۳۷ قانون مدنی عبارت از "شخصیت معنویست که واجد اهلیت حقوقی بوده و بنابر اهداف معین بشکل مؤسسه، شرکت یا جمعیت تشکیل می گردد". نظر به ماده ۳۳۸ این قانون، شخصیت حکمی به دو نوع می باشد:

الف: شخصیت حکمی عام: که شامل دولت، ارکان، ادارات فرعی یا شعبات مربوط به آن و تأسیسات عامه می باشد.

ب: شخصیت حکمی خاص: که ناشی از اراده افراد خصوصی بوده به شکل جمعیتها، وقف، مؤسسات، شرکت های مدنی یا تجارتي و امثال آن بوجود آمده باشد، مگر اینکه قانون چنین شخصیتها را عام قرار داده باشد.

ارتکاب جرم قاچاق انسان توسط شخصیت های حکمی طوری متصور است که جرم مذکور توسط ممثلین این شخصیتها ارتکاب یابد. چنانچه ماده ۳۴۰ قانون مدنی تصریح می دارد: "هر شخص حکمی دارای ممثل می باشد که از اراده آن نماینده گی می نماید". یا اینکه جرم به نام و یا به حساب شخصیت حکمی ارتکاب یابد.^۱

^۱ - ماده ۸۵ کود جزای افغانستان.

کود جزای افغانستان در ماده ۸۵ در مورد مسؤولیت جزائی اشخاص حکمی چنین تصریح می‌کند:
 "شخص حکمی - به استثنای مؤسسه‌ها، دواير و تصدی‌های دولتی- از جرایمی که ممثلین، رؤسا یا وکلای آنها در اثنای اجرای وظیفه به نام و حساب شخص حکمی مرتکب می‌گردند، مسؤول شناخته می‌شود."

بنابر مفاد همین ماده می‌توان مسؤولیت یا عدم مسؤولیت اشخاص حکمی را در چند نکته ذیل خلاصه کرد:

- اشخاص حکمی دولتی در قبال جرایم ارتکاب یافته توسط ممثلین یا رؤسای شان مسؤولیت نداشته و قابل مجازات نیستند.
 - اشخاص حکمی خصوصی در صورتی مسؤول و قابل مجازات شناخته می‌شوند که جرم مذکور:
 - توسط رؤسا، ممثلین و وکلای این شخصیت‌ها صورت گرفته باشد.
 - در هنگام اجرای وظیفه و به نام و یا حساب این شخصیت‌ها صورت گرفته باشد.
- مجازات اشخاص حکمی را قواعد عمومی کود تعیین و آنرا در چند مورد آتی خلاصه نموده است^۱:

✓ جزای نقدی.

✓ مصادره دارایی.

✓ متوقف ساختن فعالیت تا زمان معین.

✓ انحلال با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

ماده ۵۱۵ کود جزا نیز مجازات اشخاص حکمی را به جزای نقدی و در صورت تکرار جرم به سلب جواز فعالیت، منحصر نموده و چنین تصریح می‌دارد:

" (۱) هرگاه جرم قاچاق انسان توسط شخص حکمی ارتکاب یابد، علاوه بر مجازات مرتکب، شخص حکمی به جزای نقدی از سه تا پنج میلیون افغانی محکوم می‌گردد.

^۱ - ماده ۸۶ کود جزا.

(۲) جزای نقدی مندرج فقره (۱) این ماده با نظر داشت نوسانات ارزش پولی به پیشنهاد کمیسیون عالی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و تصویب حکومت تعدیل می‌گردد.

(۳) شخص حکمی در صورت تکرار جرم مندرج فقره (۱) این ماده، علاوه بر مجازات پیش‌بینی شده به سلب جواز فعالیت نیز محکوم می‌گردد.

ناگفته نباید گذاشت که نظر به فقره (۲) ماده ۸۶ کود جزا، محکومیت شخص حکمی به مجازات تعیین شده، مانع تطبیق جزاهای پیش‌بینی شده در این قانون در مورد شخص حقیقی مرتکب جرم نمی‌گردد.

فعالیت شماره (۱۴)

سوالات مناقشوی:

اول: ماده ۸۵ کود جزا فقط "مؤسسه‌ها، دواير و تصدی‌های دولتی" را از جرایمی که ممثلین آنها مرتکب می‌شوند غیر مسؤول دانسته است. در این خصوص سوالات زیر قابل طرح است:

۱. منظور از مؤسسه، دواير و تصدی دولتی چیست؟ و آیا این سه عنوان تمام نهادهای دولتی را شامل می‌شود؟

۲. در کنار دولت، تعداد دیگری از اشخاص عمومی وجود دارد، آیا آنها مشمول این حکم می‌شوند؟ مثلاً شاروالی، دافغانستان بانک، جمعیت هلال احمر و غیره.

دوم: در ارتکاب جرم به نام و یا حساب اشخاص حکمی، چه معیارها و یا شروطی در نظر گرفته می‌شود تا بر اساس آن شخصیت حکمی را متهم ساخت؟ معیارها را در زیر مطالعه کنید:

- ارتکاب جرم توسط هر کارمند یک نهاد، در اوقات رسمی و حین اجرای وظیفه.

- ارتکاب جرم توسط تمامی کارمندان بر حال یک نهاد چه در اوقات رسمی یا غیر رسمی، مشروط بر اینکه مفاد و عوائد آن به شخص حکمی برسد.

- ارتکاب جرم توسط رؤسا - ویا تحت مدیریت و رهنمایی رؤسا- ممثلین و وکلای رسمی شخصیات حکمی.

- ارتکاب جرم به هدایت و راهنمایی اداره و رهبریت شخص حکمی چه در اوقات رسمی یا غیر رسمی.

گفتار ششم: مجازات اهمال موظف خدمات عامه در جرم قاچاق انسان:

ماده ۵۱۶ کود جزا، حالتی را پیش‌بینی می‌کند که در آن اهمال موظف خدمات عامه سبب تسهیل ارتکاب جرم قاچاق انسان گردیده باشد، به این معنی که خود موظف خدمات عامه به گونه مستقیم در ارتکاب جرم قاچاق انسان دخیل نمی‌باشد بلکه اهمال و یا غفلت و وظیفوی او منجر به وقوع این جرم و سبب سهولت در ارتکاب آن می‌گردد. در این صورت شخص مذکور طبق ۵۱۶ کود جزا به حبس متوسط تا سه سال محکوم می‌گردد.

متن ماده ۵۱۶ کود جزا، در زمینه چنین تصریح می‌کند: "هرگاه اهمال موظف خدمات عامه سبب تسهیل ارتکاب جرایم قاچاق انسان گردیده باشد، موظف خدمات عامه به^۱ حبس متوسط تا سه سال محکوم می‌گردد".

با دقت در محتوای ماده مذکور میتوان گفت که عناصر جرم مندرج این ماده عبارتست از:

شخصیت مرتکب: موظف خدمات عامه.

رفتار جرمی: اهمال^۲.

نتیجه: وقوع جرم قاچاق انسان.

رابطه سببیت: وقوع جرم قاچاق انسان در نتیجه اهمال موظف خدمات عامه.

ضمناً از محتوای ماده مذکور چنین برداشت می‌شود که جرم مذکور از جمله جرایم سلبی (ترک فعل) و نتیجه‌جوی می‌باشد، به این معنی که رفتار جرمی در اینجا اهمال یا ترک توجه توسط موظف خدمات عامه بوده و در صورت جرم دانسته می‌شود که اهمال مذکور سبب وقوع جرم قاچاق انسان گردد، در غیر آن مجرد اهمال موظف خدمات عامه که منتج به وقوع جرم قاچاق انسان نگردد، قابل مجازات نمی‌باشد.

^۲ - در تعریف اهمال گفته شده است: کاری را که یک شخص باید می‌کرد نکرد.

گفتار هفتم: مجازات معاون یا شریک جرم قاچاق انسان:

ماده ۵۱۷ کود جزا، برای تعیین مجازات معاون یا شریک جرم قاچاق انسان اختصاص یافته و مجازات همه را یکسان تعیین کرده است. طبق فقره (۱) ماده ۵۸ کود جزا، شریک جرمی شخصی است که در ارتکاب یک یا چند عمل از اعمال مادی جرم، آگاهانه و به طور مستقیم با فاعل یا فاعلین دیگر سهیم باشد.

همچنان بر اساس فقره (۱) ماده ۵۹ کود جزا، معاونت در جرم به معنی دخالت در عمل مجرمانه به شکل سببیت است طوری که معاون در ارتکاب عمل مادی جرم دخالت مستقیم نداشته باشد.

طبق قواعد و معیارهای عام کود جزا، شریک به مجازات جرمی که در آن اشتراک نموده است محکوم می‌گردد.^۱ اما معاون جرم، به جزای یک درجه پایین تر از مجازات جرم مرتکبه محکوم می‌گردد. مگر اینکه در این قانون طوری دیگری حکم شده باشد.^۲

در رابطه به مجازات شریک جرم قاچاق انسان، ملاحظه‌ای نیست و مجازات فاعل و شریک در کود جزا، یکسان دانسته شده است. اما در رابطه به "معاون"، دیده می‌شود که کود جزا در اینجا خلاف قاعده عمومی، معاون جرم قاچاق انسان را به عین جزای فاعل محکوم ساخته و جزای وی را یک درجه تنزیل نداده است. بلکه ماده ۵۱۷ کود جزا در زمینه چنین تصریح می‌کند: «معاون یا شریک جرم قاچاق انسان، به عین مجازات فاعل جرم محکوم می‌گردد».

گفته می‌توانیم که حکم این ماده، استثناء بر فقره (۳) ماده ۶۹ کود جزا است، طوریکه فقره مذکور ابتداء به گونه یک قاعده کلی و عمومی حکم می‌کند که: «معاون جرم به جزای یک درجه پایین تر از مجازات جرم مرتکبه محکوم می‌گردد» سپس آنرا چنین قید می‌سازد: «مگر اینکه در این قانون طوری دیگری حکم شده باشد».

^۱ - فقره دوم ماده ۵۸ کود جزا.

^۲ - فقره سوم ماده ۶۹ کود جزا.

خلاصه اینکه ماده ۵۱۷ کود جزا، جزای شریک و معاون جرم قاچاق انسان را برابر با جزای فاعل جرم قرار داده است.

فعالیت شماره (۱۵)

سوال مباحثوی:

بدر نظر داشت احکام مواد ۶۸ و ۵۱۵ کود جزا، هرگاه جرم قاچاق انسان توسط اشخاص حکمی صورت گیرد، برای شرکاء و معاونین اشخاص حکمی چه جزایی تعیین گردیده و در صورت محکومیت به جزای نقدی، جزای نقدی شرکاء و معاونین اشخاص حکمی، چگونه سنجش می‌گردد؟

گفتار هشتم: معافیت مجنی علیه قاچاق انسان از تعقیب عدلی:

بعد از بیان مجازات مرتکبین جرم قاچاق انسان، قانون‌گذار حالاتی را پیش‌بینی نموده است که در آن، مجنی علیه قاچاق انسان مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد، حالات مذکور عبارت اند از:

۱. ورود غیر قانونی به کشور یا خروج از آن.
۲. اقامت غیر قانونی در کشور.
۳. داشتن یا استفاده از اسناد تزویر شده مسافرت یا تذکره تابعیت (سند شناسایی).
۴. در صورتی که قاچاقبر انسان با مجنی علیه، مرتکب فعل زنا یا لواط گردیده باشد. (جرم مندرج جزء ۲ ماده ۵۱۲).
۵. در صورتی که مجنی علیه مورد بهره‌کشی جنسی قرار گرفته باشد. (جرم مندرج جزء ۲ ماده ۵۱۲).
۶. در صورتی که از مجنی علیه در تهیه تصاویر یا فلم‌های غیر اخلاقی (پورنوگرافی) استفاده شده باشد. (جرم مندرج جزء ۳ ماده ۵۱۲).
۷. سایر اعمال جرمی ایکه اجباراً بالای مجنی علیه تحمیل گردیده باشد.

با دقت در متن ماده ۵۱۸ کود جزا، چنین برداشت می‌شود که مجنی علیه جرم قاچاق انسان، مجبور گردیده تا مخالفت های قانونی را مرتکب گردد، مانند ورود، خروج یا اقامت غیر قانونی در کشور و یا در صورتی که جبراً مورد بهره برداری های جنسی قرار گرفته و یا باوی زنا و لواط صورت گرفته باشد.

عبارت "سایر اعمال جرمی ایکه اجباراً بالای مجنی علیه تحمیل گردیده باشد" چنین افاده می‌کند قانون‌گذار حالات تصریح شده را که در آن مجنی علیه مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد، حصر نکرده بلکه آنها را به گونه مثال ذکر کرده است. بنابراین، مجنی علیه جرم قاچاق انسان در هر حالتی که به کار خلاف قانون مجبور گردیده باشد، معافیت حاصل می‌کند.

متن ماده ۵۱۸ کود جزا در رابطه به این موضوع، چنین تصریح می‌کند: «مجنی علیه قاچاق انسان در حالات ذیل مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد:

۱- ورود غیر قانونی به کشور یا خروج از آن.

۲- اقامت غیر قانونی در کشور.

۳- داشتن یا استفاده از اسناد تزویر شده مسافرت یا تذکره تابعیت (سند شناسایی).

۴- در حالات مندرج اجزای (۲ و ۳) ماده ۵۱۲ این قانون.

۵- سایر اعمال جرمی ایکه اجباراً بالای وی تحمیل گردیده است."

گفتار نهم: معافیت از مسؤولیت جزایی و تخفیف مجازات:

قانون‌گذار در اینجا به گونه خاص، به معافیت از مسؤولیت جزایی و تخفیف مجازات آن عده از قاچاقبران انسان، یا اعضای گروه های جنایتکار و سازمان یافته، حکم می‌کند که اگر آنها قبل از ارتکاب جرم، اعضای باند را افشا یا با مقامات امنیتی همکاری نمایند، از مسؤولیت جزایی معاف می‌گردند.

ماده ۵۱۹ کود جزا در زمینه چنین تصریح می‌کند: " (۱) شخصی که به نحوی از انحا با قاچاقبر انسان یا گروه جنایتکار سازمان یافته^۱ ارتباط و همکاری داشته ولی قبل از ارتکاب آن مراجع مسؤول را در افشا یا گرفتاری مرتکبین مساعدت نماید، از مسؤولیت جزایی معاف می‌گردد.

(۲) هرگاه مساعدت مندرج فقره (۱) این ماده، بعد از ارتکاب جرایم قاچاق انسان صورت گرفته باشد و زمینه را طوری مساعد سازد که منجر به گرفتاری سایر اعضای گروه سازمان یافته جرمی گردد، محکمه به تخفیف مجازات پیش‌بینی شده در مورد وی حکم می‌نماید".

گروه سازمان یافته جرمی بر اساس ماده (۶۱) کود جزا، به شکل منسجم سه نفری یا بیشتر از آن اطلاق می‌گردد که به صورت منظم به هدف ارتکاب یک یا چند جرم جنایت یا جناحه جهت حصول مستقیم یا غیر مستقیم منفعت فعالیت نمایند".

جهت فهم و تطبیق بهتر این ماده توجه شما را به قواعد عمومی معافیت از مجازات مرتکبین جرایم و احکام مندرج ماده ۶۹ کود جزا^۲، معطوف می‌کنیم، طوریکه بر اساس ماده مذکور، فاعل، معاون و سازمانده، تحت شرایط ذیل مورد تعقیب عدلی قرار نگرفته و مسؤولیت جزایی آنان رفع می‌گردد:

۱- انصراف از ارتکاب جرم به اراده و رضا و رغبت آنان باشد.

۲- افزون بر انصراف از جرم، یکی از این دو امر ذیل را انجام دهد:

أ. راجع به جرم مورد نظر، به ادارات ذیربط اطلاع دهند.

ب. یا فاعل را به چنان عملی وادارد که مانع انجام عمل جرمی وی گردد.

^۱ - ماده ۶۱ کود جزا: (۱) گروه سازمان یافته جرمی عبارت است از تشکل منسجم سه نفر یا بیش از آن، که به صورت منظم به هدف ارتکاب یک یا چند جرم جنایت یا جناحه، جهت حصول مستقیم یا غیر مستقیم منفعت فعالیت نماید.

(۲) مرتکبین جرایم سازمان یافته به حد اکثر مجازات جرم مرتکبه، محکوم می‌گردند.

^۲ - ماده ۶۹ کود جزا: " هر گاه فاعل، شریک، سازمانده یا معاون از ارتکاب جرم در حال وقوع به رضای خود انصراف و امتناع ورزد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد، مشروط بر این که راجع به جرم در حال وقوع به ادارات کشف جرم اطلاع دهد یا فاعل را به چنان عملی وادارد که مانع انجام عمل جرمی وی گردد".

قابل ذکر است که برای رفع مسؤولیت جزایی انصراف کننده، اجتماع و تحقق هر دو شرط یاد شده، لازمی است، و اگر یکی از دو شرط متحقق گردد، مثلاً یک تن از فاعلین، شرکاء یا معاونین با رضا و رغبت خود از ارتکاب جرم منصرف گردد اما به ادارات کشف جرم اطلاع نداده و جرم مذکور واقع گردد، در این صورت مسؤولیت جزایی انصراف کننده رفع نمی‌گردد.

آنچه که در این ماده قابل بحث است اطلاق کلمه "ارتباط و همکاری" است که برای آن حد و حدودی تعیین نگردیده، بلکه به گونه مطلق هرگونه ارتباط و همکاری را دربر گرفته و ممکن است، فاعل، معاون و شرکای جرمی همه را شامل گردد.

سوالی قابل طرح این است که آیا انتخاب کلمات "ارتباط و همکاری" به گونه هدفمندانه و دقیق صورت گرفته و اجتماع هر دو رفتار جرمی برای الزامیت - سپس معافیت - ضروری است؟ به این معنی که اگر شخص تنها با اشخاصی که در جرایم قاچاق انسان، و سایر جرایم سازمان یافته آغشته اند، ارتباط داشته باشد، اما این ارتباط در حد همکاری و سهیم شدن در ارتکاب جرایم یاد شده نباشد، آیا میتوان وی را مجرم تلقی نمود؟ در صورتی که جواب مثبت باشد، جرم انگاری و تعیین جزای آن بر مبنای کدام ماده قانون صورت خواهد گرفت؟ آیا می‌توان از "مفهوم مخالف" همین ماده برای مجازات کسانی که با قاچاقبران، و مرتکبین جرایم سازمان یافته در ارتباط اند، همنشینی دارند و یا آنان را مهمان می‌کنند، اما عملاً در ارتکاب جرایم با آنها هیچگونه همکاری ندارند، استدلال کرد؟

گفتار دهم: مجازات شروع به جرم قاچاق انسان:

قانون‌گذار در اخیر فصل قاچاق انسان، جزای شروع به جرم قاچاق انسان را عین جزا فاعل تعیین نموده است، ماده ۵۲۰ کود جزا در زمینه چنین تصریح می‌کند: «شروع کننده به جرم قاچاق انسان به عین مجازات جرم قاچاق انسان، محکوم می‌گردد».

طبق ماده (۴۷) کود جزا، منظور از شروع به جرم، آغاز به اجرای عمل به قصد ارتکاب جنایت یا جنحه است به نحوی که تداوم عمل به دلیل اسباب خارج از اراده فاعل، متوقف یا خنثی شده باشد".

هرچند مجازات شروع به جرم از حیث قواعد عمومی جزاء، احکام بخصوص خود را داشته و در جرایم جنایات، دو درجه کمتر از اصل جزا و در جرایم جنحه، یک چهارم یا کمتر از یک چهارم اصل جزا، تعیین گردیده است^۱، اما این قاعده عمومی در اینجا رعایت نگردیده و قانون‌گذار مجازات شروع کننده به جرم قاچاق انسان را از قواعد عمومی مستثنی نموده و جزای شروع کننده به جرم قاچاق انسان را به عین جزای فاعل آن تعیین کرده است.

فعالیت شماره (۱۶)

سوال مناقشوی:

الف: جرم قاچاق انسان، از جمله جرایم سازمان یافته است که در فصل سوم باب ششم کود جزا تنظیم شده است.

ب: در این فصل، ضمن جزاهای تعیین شده برای مرتکبین جرم قاچاق انسان، جزاهای چون: حبس طویل بیش از ده سال (فقره اول ماده ۵۱۲ و فقره اول ماده ۵۱۳)، حد اکثر حبس طویل یا حبس دوام درجه ۲ (فقره دوم ماده ۵۱۲)، مجازات نقدی از سه تا پنج میلیون افغانی (فقره اول ماده ۵۱۵)، نیز پیش بینی و تعیین گردیده است.

۱- ماده ۵۲ کود جزا: " شروع کننده به جنایت به مجازات ذیل محکوم می‌گردد، مگر این که در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد:

۱- در مواردی که جزای اصل جرم اعدام باشد، به حبس دوام درجه ۲.

۲- در مواردی که جزای اصل جرم حبس دوام درجه ۱ باشد، به حبس طویل.

۳- در مواردی که جزای اصل جرم حبس دوام درجه ۲ باشد، به حبس متوسط.

۴- در مواردی که جزای اصل جرم حبس طویل باشد، به حبس قصیر."

ماده ۵۳: " مجازات شروع کننده به جنحه از یک چهارم حد اقل جزایی که در قانون برای اصل جرم پیش بینی شده است، بیشتر نمی‌باشد، مگر این که در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد.

ج: این در حالیست که قواعد عمومی جزای کشور، به گونه عام و بدون استثناء، حکم می‌کند که: "مرتکبین جرایم سازمان یافته به حد اکثر مجازات جرم مرتکبه، محکوم می‌گردند". (فقره (۲) ماده ۶۱ کود جزا).

حالا در روشنای احکام فقره فوق:

۱- سارنوال و قاضی چه جزایی را برای مرتکبین جرایم قاچاق انسان، مطالبه و یا حکم می‌نمایند؟

۲- آیا حالات یاد شده در فقره (ب) در تضاد با حکم فقره (۲) ماده ۶۱ کود جزا است؟

۳- آیا قاضی می‌تواند از میان حد اقل و حد اکثر مجازات یاد شده در فقره (ب) جزایی را که مناسب بداند، تعیین نماید؟ در صورتیکه جواب منفی باشد، پس آیا تعیین چنین مجازات، منطقی و قابل تطبیق خواهد بود؟

نتیجه گیری

بعد از بحث و بررسی مواد مربوط به جرایم قاچاق انسان مندرج مواد ۵۱۰ تا ۵۲۰ کود جزا، نتایج زیر به دست آمد:

- جرم قاچاق انسان، طبق ماده (۵۱۰) کود جزای افغانستان، عبارتست از: "استخدام یا تحت تسلط قرار دادن، انتقال، حمل و نقل، نگهداری یا دریافت شخص است به منظور بهره کشی، با استفاده از شیوه های ذیل: ۱- تهدید یا استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار ۲- اختطاف ۳- حيله و فریب ۴ - سوء استفاده از نفوذ ۵- سؤ استفاده از حالت آسیب پذیری یا مجبوری ۶ - پرداخت یا دریافت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه جرم قاچاق انسان یا سرپرست وی".
- منظور از بهره کشی در جرم قاچاق انسان: "کسب منفعت از مجنی علیه از طریق خرید، فروش، بهره کشی جنسی، رقصانیدن، به خدمت گرفتن در تهیه تصاویر یا فلم های منافی اخلاق (پورنوگرافی)، بردگی، گماشتن به کار اجباری، گدایی، جنگ مسلحانه، برداشت عضو یا انساج بدن، آزمایشات طبی اجباری یا وادار نمودن به سایر فعالیت های غیر قانونی می باشد".
- عناصر مادی این جرم را فعل یا رفتار جرمی چون (استخدام، تحت تسلط قرار دادن، انتقال، حمل و نقل، نگهداری و دریافت)، با استفاده از وسیله یا شیوه ارتکاب جرم چون (تهدید، استفاده از قوه یا سایر اشکال اجبار، اختطاف، حيله و فریب، سوء استفاده از نفوذ، سوء استفاده از حالت آسیب پذیری یا مجبوری و پرداخت یا دریافت پول یا منفعت جهت کسب رضایت مجنی علیه جرم قاچاق انسان یا سرپرست وی) ارتکاب می یابد، و موضوع جرم قاچاق انسان را (انسان) تشکیل می دهد.
- رضایت یا عدم رضایت مجنی علیه (غیر از طفل) در جرم قاچاق انسان، یکی از موضوعات عمده است که متأسفانه در کود جزا توضیح داده نشده است، اما فقره (ب) ماده سوم پروتوکول الحاقی کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی در مورد منع، کاهش و مجازات قاچاق انسان به ویژه زنان و اطفال، سال ۲۰۰۰م، که افغانستان به آن ملحق گردیده است، در زمینه چنین تصریح می دارد: "در صورتی که در جرم قاچاق انسان از یکی از روش ها

- و وسایل مندرج فقره (الف) این ماده استفاده شده باشد، موافقه قربانی جرم قاچاق انسان به بهره کشی وارده در فقره (الف) این ماده، هیچ اعتباری ندارد."
- عناصر معنوی جرم قاچاق انسان، شامل قصد عام یعنی داشتن علم اراده برای ارتکاب آن، بوده و قصد خاص نیز شامل بهره کشی یا کسب منفعت از مجنی علیه از طریق خرید، فروش، بهره کشی جنسی، رقصانیدن، به خدمت گرفتن در تهیه تصاویر یا فلم های منافی اخلاق (پورنوگرافی) بردگی، گماشتن به کار اجباری، گدایی، جنگ مسلحانه، برداشت عضو یا انساج بدن، آزمایشات طبی اجباری یا وادار نمودن به سایر فعالیت های غیر قانونی می باشد.
 - جزای تعیین شده برای مرتکبین جرایم قاچاق انسان در کود جزا به دو بخش عادی و مشدده تقسیم گردیده است، اما طوری که دیده می شود در ترتیب و بیان حالات آن، دقت و تنظیم مناسب، رعایت نگردیده است.
 - جزای حالات عادی جرم قاچاق انسان، حبس طویل تاده سال و جزای حالات مشدده آن از حبس طویل بیش از ده سال آغاز و تا حبس دوام درجه ۱، تشدید می یابد.
 - در تشدید مجازات مرتکب جرم قاچاق انسان، عوامل و حالات ذیل، نقش مؤثر داشته است:
 - ا. وضعیت و اوصاف مجنی علیه: (زن و طفل بودن).
 - ب. وصف مرتکب جرم و چگونگی نفوذ و تسلط وی بالای مجنی علیه (سرپرست قانونی).
 - ج. برخورد و رفتار قاچاقبر انسان، با مجنی علیه و ارتکاب جرایم اخلاقی با وی (زنا ولواط با مجنی علیه).
 - د. نحوه بهره کشی و استفاده از مجنی علیه بعد از ارتکاب جرم قاچاق (بهره کشی جنسی یا تهیه تصاویر و فلم).
 - برای شخصی که عضو یا انساج بدن مجنی علیه را قطع یا برداشت نموده یا وی را مورد آزمایش طبی اجباری قرار دهد، مجازات ذیل پیش بینی شده است:

- أ. هرگاه قطع یا برداشت عضو یا انساج بدن، یا اجرای آزمایش طبی اجباری، منجر به معلولیت دایمی فیزیکی یا روانی مجنی علیه یا مرگ وی نگردیده باشد، مرتکب به حبس طویل بیش از ده سال، محکوم می‌گردد.
- ب. هرگاه قطع یا برداشت عضو یا انساج بدن، یا اجرای آزمایش طبی اجباری، منجر به معلولیت دایمی فیزیکی یا روانی مجنی علیه گردیده باشد، مرتکب به حبس دوام درجه ۲، محکوم می‌گردد.
- ج. هرگاه قطع یا برداشت عضو یا انساج بدن، یا اجرای آزمایش طبی اجباری، منجر به مرگ مجنی علیه گردیده باشد، مرتکب به حبس دوام درجه ۱، محکوم می‌گردد.
- هرگاه مجنی علیه قاچاق انسان از طریق اختطاف، تحت تسلط قرار گرفته باشد، مرتکب به مجازات جرم اختطاف یا قاچاق انسان هر یک که شدید تر باشد، محکوم می‌گردد.
 - در ارتکاب جرم قاچاق انسان توسط شخص حکمی، علاوه بر مجازات مرتکب، شخص حکمی به جزای نقدی از سه تا پنج میلیون افغانی، و در صورت تکرار جرم، به سلب جواز فعالیت نیز محکوم می‌گردد. جزای نقدی پیش‌بینی شده، با نظر داشت نوسانات ارزش پولی به پیشنهاد کمیسیون عالی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و تصویب حکومت، قابل تعدیل می‌باشد.
 - جزای اهمال موظف خدمات عامه که سبب تسهیل ارتکاب جرایم قاچاق انسان گردیده باشد، حبس متوسط تا سه سال، تعیین شده است.
 - جزای معاون یا شریک جرم قاچاق انسان، عین جزای تعیین شده برای فاعل جرم بوده و جزای شروع کننده به جرم قاچاق انسان نیز عین مجازات جرم قاچاق انسان، پیش‌بینی شده است.
 - قربانی قاچاق انسان در حالات ذیل مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد:
 - ۱- ورود غیر قانونی به کشور یا خروج از آن.
 - ۲- اقامت غیر قانونی در کشور.
 - ۳- داشتن یا استفاده از اسناد تزویر شده مسافرت یا تذکره تابعیت (سند شناسایی).
 - ۴- در صورتی که قاچاقبر انسان با مجنی علیه، مرتکب فعل زنا یا لواط گردیده باشد.

- ۵- در صورتی که مجنی علیه مورد بهره کشی جنسی قرار گرفته باشد.
- ۶- در صورتی که از مجنی علیه در تهیه تصاویر یا فیلم های غیر اخلاقی (پورنوگرافی) استفاده شده باشد.
- ۷- سایر اعمال جرمی ایکه اجباراً بالای وی تحمیل گردیده است.
- شخصی که به نحوی از انحا با قاچاقبر انسان یا گروه جنایتکار سازمان یافته ارتباط و همکاری داشته ولی قبل از ارتکاب آن مراجع مسؤول را در افشا یا گرفتاری مرتکبین مساعدت نماید، از مسؤولیت جزایی معاف می گردد.

مآخذ

الف - مآخذ فارسی

- ۱- توکلی، محمد مهدی، مرگ مغزی از منظر حقوق اسلامی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۸۸ .
- ۲- لنگرودی، محمد جعفر جعفری، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
- ۳- واین آر، لفیو، سببیت و قتل در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا، مترجم: حسین آقایی نیا؛ انتشارات میزان، سال ۱۳۹۰

ب - مآخذ عربی

- ۴- ابن حجر، احمد بن علی، العسقلانی، فتح الباری ج ۴ ص ۴۱۷، حدیث رقم ۲۲۲۷، المكتبة السلفية.
- ۵- حسنی، محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، دار نافع للطباعة و النشر، ۱۹۸۷، القاهرة.
- ۶- الدرّة، ماهر عبد شویش، شرح قانون العقوبات- القسم الخاص- الطبعة الثانية، المكتبة القانونية، بغداد.
- ۷- الدوغان، خالد محمد، الاتجار بالبشر و موقف الشريعة منه، المجلة العلمية لجامعة الملك فيصل (العلوم الانسانية و الادارية) المجلد العاشر، العدد الثاني، ۱۴۳۰هـ.ق، ۲۰۰۹ م .
- ۸- الشاعر، راميا محمد، الاتجار بالبشر، منشورات الحلبي الحقوقية، الطبعة الاولى، ۲۰۱۲م
- ۹- عباس نعيم عبد الجليل، الطبيعة القانونية للموت الدماغی فی القانون العراقی (دراسة مقارنة بالقانونین المصری و الأمريکی)، بحث مقدم فی جامعة البصرة، العراق.
- ۱۰- مجموعة من العلماء، الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارت الاوقاف، الكويت (PDF).
- ۱۱- النووی، شرح صحيح مسلم، مؤسسة قرطبة، الطبعة الأولى، بيروت، لبنان.

ج - مآخذ مقالات

- ۱۲ - آیات، محمد سعود، جريمة الاتجار بالبشر - مفهومها- اركانها - اسبابها - الاتفاقيات الدولية المكافحة لها ، موقع الحوار المتمدن.
- ۱۳ - الجنابي، لیلی، جرائم الاتجار بالبشر، دراسة فى ضوء آلية التشريعات الدولية والوطنية لمكافحتها، موقع الحوار المتمدن.
- ۱۴ - الحریری، محمد سرور، الاتجار بالبشر وسبل مكافحته، قراءة فى الاستراتيجيات والاتفاقيات الدولية، ۱۳۶۰/۴ <http://www.acrseg.org/>
- ۱۵ - زين، ابراهيم، جرائم الاتجار بالبشر تغزو العالم، ۱۶۰ <https://sudaneseonline.com/board/>
- ۱۶ - عياد، هانى جرجس، جرائم الاتجار بالبشر : المفهوم - الأسباب - سبل المواجهة، موقع الحوار المتمدن.
- ۱۷ - نعومي، عبدالكريم، مقاله تحت عنوان "الحماية الجنائية للأعضاء البشرية على ضوء قانون رقم ۱۶/۹۸"، <https://www.mohamah.net/law/>، تاريخ نشر: ۱۸ ديسمبر، ۲۰۱۶ .

د: مآخذ انگلیسی:

۱. Defining Death: A Report on the Medical, Legal and Ethical Issues in the Determination of Death, July ۱۹۸۱.
۲. Steven Laureys, Death, unconsciousness and the brain, (۲۰۰۵) Nature Reviews Neuroscience, Volume ۶, p. ۸۹۹-۹۰۹.

هـ - مآخذ انترنیٹی

۱. <http://fisaliashoole.hooxs.com>
۲. <http://hrlibrary.umn.edu>
۳. <http://old.moi.gov.af/fa/new>
۴. <https://almaghfera.ahlamontada.com>
۵. <https://ar.wikipedia.org/wiki>

۶. <https://gawda۲۰۱۰.yoo۷.com>
۷. <https://kitab.com>
۸. <https://socio.yoo۷.com>
۹. www.alukah.net
۱۰. www.dailyafghanistan.com
۱۱. www.darivoa.com/a/us
۱۲. www.ohchr.org
۱۳. www.pajhwok.com
۱۴. www.unhcr.org
۱۵. www.unodc.org
۱۶. www.vajehyab.com